

صنعت و کارآفرینی

نشریه خبری آموزشی و تحلیلی

فروردین / اردیبهشت / خرداد ۱۳۹۶

۸۹



**made
in
Germany**



www.faraz-compressor.com

تهران، پارک فن آوری پردیس، نوآوری ۱۶، پلاک ۱۳۸

تلفن: ۰۲۱-۷۶۲۵۰۸۵۰ (خط ۱۰)

۰۹۱۲۸۴۹۹۹۰۱-۴

O₂ & N₂ Generators



Compressed Air Treatment



Oil free Compressors



Screw Compressor direct drive 1:1



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ماهانامه صنعت و کارآفرینی
نشریه خبری و آموزشی و تحلیلی
شماره ۸۹ - فروردین، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۶
قیمت: ۵۰۰۰ ریال

هیات تحریریه: امیر مهدی مرادی / فرامرز عسکری / اشرف بهنام پور
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: احمد اثنی عشری
شورای سیاستگذاری:
رضا حمیدی - حمید طیبی - حسین متین زاد
عبدالله یزدانبخش - فرامرز مرادی - جلیل افشارنژاد
محمد علی چمنیان - مهدی نعیمی پور
ویراستاری: فرامرز عسکری
طراح و صفحه آرا: بهار
مدیر روابط عمومی: فرامرز عسکری
انتخاب عکس: فرامرز عسکری - وحید محبی فرد
ناشر: انجمن مدیران صنایع شعبه خراسان
نشانی دفتر ماهنامه:
مشهد - بلوار شهید منتظری - پش شهید منتظری ۷ - مجتمع سایکو و قطعه سازان - طبقه ۲
انجمن مدیران صنایع شعبه خراسان
تلفن: ۱۴ - ۲۸۴۴۲۲۱۱ (۰۵۱) / فاکس: ۲۸۴۴۲۲۱۷ (۰۵۱)
وب سایت انجمن مدیران صنایع خراسان:
www.imakh.ir Email: info@imakh.ir

نشریه صنعت و کارآفرینی آماده دریافت مقالات، ترجمه و گزارش های تخصصی و همکاران گرامی می باشد.
• مسئولیت مطالب بر عهده نویسندگان است.
• هیات تحریریه در انتخاب و ویرایش مقالات آزاد است.
• استفاده از مطالب نشریه با ذکر مأخذ باامانع است.



تولید کننده انواع روانسازهای موتور و صنعتی
خدمات نوین در باشگاه مشتریان

ارائه دهنده خدمات مشاوره ای در زمینه انتخاب و تامین روغن های مناسب ماشین آلات صنعتی
بیشترین تعداد اعضای باشگاه در صنایع خصوصی کشور

دفتر مرکزی: مشهد، خیابان امام رضا، انتهای امام رضا ۷۴، شماره ۱۱۶
صندوق پستی: ۴۳۱-۹۱۷۳۵ | تلفن: ۴-۰۵۱-۳۳۴۴۲۸۰۰
نمبر: ۳۳۴۴۳۳۲۶۶-۰۵۱ | سامانه پیامکی باشگاه مشتریان: ۳۰۰۰۲۳۴۳
xerol.ir | www.xerol.ir | info@xerol.ir

فهرست

- ۴ نظام بانکی و صنعت
- ۵ نام های عاشقانه که به یاد شادروان سید مجتبی هاشمیان
- ۶ فرست هارادریسیم
- ۷ آینده اقتصاد ایران پر از گذشته است!
- ۸ کرد خاکستری بر سر نیروی کار
- ۹ بازگشت مهاجران ایرانی چه کمکی به توسعه می کند؟
- ۱۰ بنیاد کودک
- ۱۲ کاغذ زباله نیست، آن را دور نریزم
- ۱۳ تجربه هند در تجارت الکترونیک چه درسی برای ما دارد؟
- ۱۴ راز آسیایی جهش اقتصادی
- ۱۶ تجارت با طعم آرمان خواهی
- ۱۹ تسهیل سرمایه گذاری با اجرای طرح توسعه منطقه ای
- ۲۰ دیپلماسی اقتصادی بدون ارتباط سیاسی، نمی شود
- ۲۱ ایران و آسیا؛ یک تعامل برد - برد
- ۲۲ ردبول چگونه به اوج رسید؟
- ۲۴ نابری در کشورهای صنعتی بیشتر است یا در کشورهای در حال توسعه؟
- ۲۶ کدام اقتصادها می توانند مقصد سرمایه های خارجی باشند؟
- ۲۸ مسیر دشوار استارت آپ ها در اقتصاد ایران
- ۳۰ رقابت هلوها و لیموها
- ۳۲ نحوه تامین مالی صنایع کوچک و متوسط در کره جنوبی بررسی شد
- ۳۴ نمای دو ساله از تحولات تجاری کشور
- ۳۶ اثرات گاز دی اکسید کربن بر سلامتی
- ۳۸ دو مسیر نفوذ شوک خارجی به اقتصاد ایران
- ۴۰ بهشت صادرات کالا منتظر ایران است



نظام بانکی و صنعت

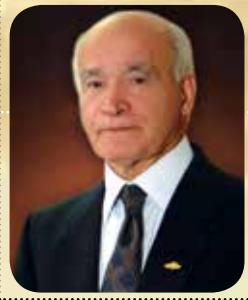
ساخته که کارآمدی آن‌ها را دشوار نموده است. مداخله بانک مرکزی باید در این چارچوب باشد که هیچ‌گونه تسهیلاتی بدون دارا بودن طرح توجیهی و امکان‌سنجی مناسب داده نشود و در اعطای تسهیلات تضمین‌های کافی اخذ گردد و سپرده سرمایه‌گذاران از امنیت مطلوب برخوردار باشد. متأسفانه طی این سال‌ها تسهیلات فراوانی به اشخاص حقیقی و حقوقی اعطا شده که یا دستوری بوده و یا با استفاده از روابط غیرمتعارف، رشوه و پارتی‌بازی، وابستگی به ارکان قدرت، وابستگی به مدیران بانک و روسای شعب، و امثال آن بوده است. و باز هم متأسفانه از سوی مراجع قضایی در مقایسه با حجم بالای بدهکاران بانکی، حجم برخوردها بسیار ناکافی و ناکارآمد بوده است و افکار عمومی را قانع نمی‌سازد و با گذشت این همه سال حتی اسامی آنان اطلاع‌رسانی نمی‌شود تا مردم بدانند ثروت آنان در اختیار چه کسانی قرار دارد.

از سویی رخدادهای چند سال اخیر و تحولات افق مناسب‌تری را در شرایط بانک‌ها نشان می‌دهد. آقای دکتر روحانی، رئیس‌جمهور محترم در ضیافت افطاری فعالان اقتصادی سخن از آن می‌گوید که سرمایه بانک‌های دولتی در دولت یازدهم افزایش دو برابر داشته است. مدیر عامل بانک شهر می‌گوید منابع بانکی در این بانک از ۱۱ هزار میلیارد تومان در سال ۹۳ به ۴۶ هزار میلیارد تومان در سال ۹۶ رسیده است و منابع بانکی در سایر بانک‌ها به طور متوسط ۲۰ درصد افزایش یافته‌اند. و گفته می‌شود کل سپرده‌های بانکی نزدیک به ۹۰۰ هزار میلیارد تومان و معادل ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور است.

در مقایسه با این آمار، آنچه برای صنعت اتفاق افتاده و سهم صنعت از این رشد بسیار نامحسوس است و بسیاری از صنایع کماکان با مشکل کمبود نقدینگی به ویژه برای سرمایه در گردش مواجهند و وامی هم که داده می‌شود آنچنان گران و با نرخ سودهای بالا می‌باشد که تولیدکننده قادر به تامین این هزینه نمی‌باشد.

هرچند اقدامات محدودی مانند بخشودگی بدهی ناشی از تسعیر نرخ ارز، بخشودگی سود و جرایم بدهکاران بانکی زیر یکصد میلیون تومان، بخشودگی جرایم تأخیر پرداخت اقساط بانکی از سوی دولت انجام پذیرفته اما بزرگ‌ترین و مهم‌ترین درخواست فعالان اقتصادی در کاهش نرخ سود بانکی می‌باشد که باید برای آن چاره‌اندیشی شود. و نظارت دقیق‌تر و کامل‌تر بانک مرکزی بر فعالیت‌های غیر مولد بانک‌ها و سوق دادن منابع بانکی به سمت تولید و فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا می‌تواند به این امر کمک موثر بنماید.

احمد اثنی عشری
مدیر مسئول



نام‌های ماندگار

به یاد شادروان **سید مجتبی هاشمیان**، بنیانگذار شرکت صنایع تولیدات کاغذی خراسان (گلریز)

سید مجتبی هاشمیان رایک انسان معمولی نمی‌توان توصیف کرد. وی ساده، صمیمی، خوشرو، پر تلاش و در یک کلام مردی بود که در عین سادگی کار را بالاترین عبادت‌ها می‌دانست.

وی در سال ۱۳۱۶ در مشهد متولد شد. دوره ابتدایی را در همین شهر گذراند و به دلیل پاره‌ای مشکلات در دوره متوسطه ترک تحصیل کرد.

مغازه پدر سید مجتبی هاشمیان یکی از بهترین مغازه‌های عطاری آن زمان بود که در اطراف حرم مطهر قرار داشت. بسیاری از صنعتگرانی که هم‌اکنون در صنعت خشکیار به موفقیت‌های بالایی رسیده‌اند از شاگردان پدر ایشان بودند. مغازه‌های عطاری در آن دوره محدود و تنها تعداد اندکی مغازه بزرگ وجود داشت که شهرستانی‌ها جنس‌های مورد نیازشان را از آنجا تهیه می‌کردند. متأسفانه به دلایلی ثروت پدر از بین رفت و به همین علت بود که وی مجبور شد درس و تحصیل را ترک کرده و به دنبال کار برود.

در سال ۱۳۲۲ پس از ترک تحصیل در مغازه‌ای به عنوان شاگرد پذیرفته شد. آن زمان در رؤیای او «خریدن یک دوچرخه» بالاترین آرزوها بود. اما بزودی کار در مغازه را رها کرد و به قول خودش در «تجارت خانه‌ای» مشغول به کار شد.

با حقوق بسیار ناچیزی مشغول به کار شد. در شبانه روز فقط چهار ساعت می‌خوابید اکثر مواقع از شدت خستگی در سجده نماز خوابش می‌برد. تعطیلات برای او فقط بیست و یکم ماه مبارک رمضان و تاسوعا و عاشورا بود. در این شرایط تصمیم گرفت به تحصیل ادامه و شب‌ها به اکابر برود تا اینکه بالاخره موفق شد دوره متوسطه را به پایان برساند.

او از کارگری شروع کرد و به همین دلیل دردهای آنان را می‌شناخت، با بغض‌هایی که غروب‌های دل‌تنگ در گلویشان می‌شکست... با شرمندگی‌های بی‌پایانشان وقتی که دست خالی در برابر زن و فرزندانشان می‌ایستادند و جز سکوت چاره‌ای بر دردهای نهفته‌شان نبود، از نزدیک آشنا بود و آلام آنان را حس می‌کرد.

مجتبی هاشمیان به دلیل ابتکار و سرعت عملی که از خود نشان داد، خیلی زود مورد توجه مدیر کارگاه قرار گرفت. و با اعتمادی که از وی ایجاد شده بود در مدت زمان کوتاهی همه امور کارگاه به او سپرده شد.

به یاد دارم حکایتی را برای ما تعریف می‌کرد با این مضمون که: روزی استادی از شاگردش خواست مطالبات او را از مردم وصول کند ولی هر دفعه شاگرد دست خالی برمی‌گشت و در مقابل سوال استاد که چرا دست خالی برمی‌گردد می‌گفت، چون آنها می‌گویند ما پول نداریم. استاد ۵ قران پول در جیب شاگردش گذاشت و گفت حالا برو دنبال مطالبات. شاگرد آن روز مقداری از مطالبات را وصول کرد چرا که در برابر آنها که می‌گفتند پولی نداریم، می‌گفت: حتی ۵ قران هم ندارید؟

اما کارگاه مذکور در سال ۱۳۳۸ به دلیل پاره‌ای مسائل تعطیل شد؛ سید مجتبی هاشمیان مجبور شد به تهران کوچ کند. در تهران برای مدت دو سال مدیریت کارخانه پنبه استریلیزه را بر عهده گرفت که دومین واحد بزرگ پنبه در ایران

بود. او پس از سال‌ها تلاش و ممارست سرانجام به آرزوی دیرینه اش جامه عمل پوشاند و در خیابان شکوفه تهران "شرکت شکوفه" را به ثبت رساند.

در ابتدا مواد اولیه را در سطح بسیار پایین از تاجری به نام مرحوم حاج اصغر مدنی تهیه می‌کرد. او که شاهد تلاش و پشتکار سید مجتبی بود همکاری زیادی با ایشان از خود نشان داد. شروع دوران کاری او در اتاقی اجاره‌ای با وسائلی بسیار ابتدایی با دو کارگر بود. به دلیل نداشتن ماشین آلات، تمام کارها حتی بسته بندی، با دست انجام می‌شد؛ ولی به تدریج توانست به تعداد کارگرها افزود و دستگاه‌های مورد نیاز را خریداری کند و به این ترتیب در سال ۱۳۴۰ "صنایع تولیدات کاغذی خراسان" تأسیس شد.

شرکت صنایع تولیدات کاغذی خراسان با هدف تولید محصولات کاغذی و بهداشتی شامل: انواع دستمال کاغذی، پوشک بچه و نوار بهداشتی با نام تجاری "گلریز"، "شبمن" و "شکوفه" فعالیت خود را در راستای اعتلای بهداشت و سلامت عمومی به عنوان اولین واحد تولیدکننده محصولات کاغذی و بهداشتی در استان خراسان آغاز کرد و هم‌اکنون پس از ۴۰ سال سابقه و حضور موفق در عرصه بهداشت، سلامت و فرهنگ جامعه به عنوان بزرگ‌ترین واحد تولیدی صنایع بهداشتی سلولزی در استان خراسان با اعتقاد به حفظ و ارتقاء کیفی محصولات خود در جهت رفاه پویندگان سلامت، در سنگرهای بهداشت و فرهنگ کشور در حال تلاش می‌باشد، آن گونه که نمود عینی این تلاش مستمر منجر به معرفی این شرکت به عنوان واحد نمونه کشور از طرف اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی در سال‌های اخیر گردیده است. از دیگر توفیقات سید مجتبی هاشمیان و شرکت گلریز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

– کارآفرین برتر ملی

– برند برتر استان طی سه سال متوالی (۹۴-۹۲)

– تولید محصول دستمال کاغذی نانو (نانوتکس) به عنوان محصولی دانش بنیان و...

همچنین از فعالیت‌های عمده این شرکت در جهت زیباسازی و ایجاد تنوع در بسته بندی محصولات می‌توان به تلاش متخصصان این شرکت در طراحی، ابداع و تولید محصولات جدید و متنوع در ابعاد، رنگ‌ها و مدل‌های مختلف اشاره کرد. گستره این تلاش بر طراحی و تولید محصولاتی منحصر به فرد چون دستمال‌های گل‌دار، طرح کلبه و طرح کتاب کشیده شد که این خود گامی در جهت رسالت فرهنگ‌سازی و سلامت اجتماع و گویای توجه طراحان آن به زیباشناسی در یک محیط صنعتی می‌باشد. این شرکت همچنین با بهره‌گیری از نیروهای متخصص و متعهد در بخش‌های کنترل کیفی و استفاده از امکانات آزمایشگاهی مدرن سعی در بالا نگه داشتن سطح کیفیت و همگام شدن با استانداردها و بازارهای جهانی دارد.

گلریز با استفاده از توان و تخصص نیروهای متعهد در بخش تولید و استفاده از آخرین تکنولوژی‌های روز جهانی و ماشین‌آلات مدرن و استفاده از مواد اولیه مرغوب و عاری از مواد بازیافتی در تولید محصولات خویش سعی در ایجاد رضایت و در اختیار قرار دادن بهترین محصولات با قابلیت رقابت محصولات خارجی مشابه جهت مصرف کنندگان خود داشته و دارد.

از ویژگی‌های بارز سید مجتبی هاشمیان خالق برند "گلریز" را می‌توان اهتمام در تربیت فرزندان به عنوان جانشین و اهمیت وی به جانشین‌پروری در مدیریت نام برد. اینک که پس از ۸۰ سال عمر با عزت و ۶۰ سال تلاش در حوزه تولید با خاطری آسوده‌دار فانی را وداع گفته است امید است با درایت فرزندان برومند ایشان، نام گلریز در صدر محصولات سلولزی کشور همچنان درخشان بماند و یادآور مردی باشد که کار را بالاترین عبادت می‌دانست.



تشکیل کارگروه مشترک تخصصی مالیاتی

فرصت‌ها را دریابیم

سیدمصطفی شامل - دبیر کارگروه مالی و مالیاتی انجمن مدیران صنایع خراسان

با عنایت به درخواست کتبی انجمن مدیران صنایع خراسان از مدیر کل امور مالیاتی استان مبنی بر موافقت با تشکیل کارگروه مشترک تخصصی مالیاتی به منظور بررسی مباحث مالیاتی موجود با هدف رعایت کامل قوانین و مقررات مالیاتی و رسیدن به تعامل حداکثری و موافقت به عمل آمده از سوی آقای یعقوب نژاد مدیر کل امور مالیاتی استان، کارگروه تشکیل و تاکنون دو جلسه در تاریخ های ۲۰/۰۳/۱۳۹۶ و ۰۴/۰۳/۱۳۹۶ با حضور شش نفر از روسای محترم ادارات امور مالیاتی استان و سه نفر از کارشناسان انجمن در محل دبیرخانه انجمن برگزار گردید. مشروح موضوعات و مباحث مطرح شده توسط نمایندگان انجمن به شرح ذیل می باشد:

۱ - علیرغم صراحت ماده ۹۸ قانون مالیات های مستقیم که اعلام می دارد: " در مورد تشخیص علی الراس اداره امور مالیاتی باید پس از تحقیقات و بررسی های لازم، ابتدا قرینه یا قرائن مذکور در این قانون را انتخاب و دلایل انتخاب نوع قرینه یا قرائن و رقم آنها را با توجه کافی در گزارش رسیدگی قید نماید" و مطابق ماده ۲۲۷ قانون مالیات های مستقیم "اداره امورمالیاتی مکلف است جریثات گزارشی را که مبنای صدور برگ تشخیص مالیات قرار گرفته به مودی اعلام و هرگونه توضیحی را در این خصوص بخواهد به او بدهند." در حال حاضر این دو ماده قانونی مخصوصا ماده ۹۸ بصورت کامل از سوی ماموران مالیاتی رعایت نمی شود.

۲ - اخیرا مشاهده می شود واحد های رسیدگی کننده صرفاً به استناد ارائه صورتهای مالی صوری به بانکها جهت دریافت تسهیلات و ارگان های دولتی جهت تعیین رتبه(در خصوص شرکت های پیمانکاری)، دفاتر قانونی مودی را رد و یا غیر قابل رسیدگی تشخیص داده و بر اساس این قبیل صورتهای مالی صوری، برگ تشخیص صادر می کنند. با توجه به رای شورای عالی مالیاتی شماره ۲۳/۲۰/۱ تاریخ ۰۵/۱۱/۱۳۸۸ آیا رویه فوق صحیح می باشد؟

۳ - اغلب اشخاص حقیقی یا حقوقی صادر کننده کالا مطابق تبصره ۲ ماده ۱۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه، اظهارنامه خود را در موعد مقرر تسلیم نموده اند، ولی به دلایلی، قسمتی از صادرات خود را که به استناد اسناد و مدارک مثبت قابل اثبات می باشد در اظهارنامه درج ننموده اند و بر همین اساس واحدهای رسیدگی کننده این قسمت از صادرات کتمان شده در اظهارنامه را مشمول مالیات دانسته و اقدام به برگ تشخیص مالیات می نمایند.

۴ - گزارشاتی از مودیان دریافت شده است مبنی بر آنکه ماموران رسیدگی که برای عملکرد ۹۴ به شرکت ها مراجعه می کنند از مودی، اطلاعات و مستندات درخصوص سال ۹۵ مطالبه می کنند. از آنجا که این رویه تا کنون مسبوق به سابقه نبوده و در سالهای قبل مشاهده نشده است، ضرورت دارد مواد قانونی یا بخشنامه های که این عمل ماموران رسیدگی را تایید می نماید اعلام گردد در غیر این صورت بایسته است از این عمل پرهیز شود.

اهم مصوبات کارگروه

۱ - رعایت کامل مواد ۹۸ و ۲۳۷ قانون مالیات های مستقیم بهره برداری از گزارش بازدید به عنوان یکی از شواهد حسابرسی مالیاتی مورد تایید بوده و در مواقعی که گزارش مذکور به عنوان مبنای تشخیص در گزارش رسیدگی و تعیین درآمد مشمول مالیات مورد استفاده قرار گیرد، با درخواست

مودی و در اجرای ماده ۲۳۷ قانون مالیات های مستقیم گزارش مذکور در اختیار مودی قرار می گیرد.

۲ - صورت های مالی مغایر با اظهارنامه تسلیمی:

در مورد صورت های مالی غیر منطبق بر اظهارنامه مالیاتی تسلیمی اشخاص، مفاد بخشنامه ۱۷۹۴۰ مورخ ۱۲/۱۰/۱۳۸۴ سازمان امور مالیاتی کشور و هم چنین رعایت رای شماره ۲۰۳-۲۰۱-م مورخ ۱۱/۰۵/۱۳۸۸ شورای عالی مالیاتی مورد تاکید قرار گرفت.

رای اکثریت شورای عالی مالیاتی به شرح زیر می باشد:

فارغ از نحوه، نوع و ماهیت اظهارنامه های تسلیمی شرکت های پیمانکاری به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور جهت تعیین رتبه و پیامدهای حقوقی و قضائی آن، با ملاک قراردادن مقررات تبصره ۲ ماده ۹۷ و مواد ۹۸ و ۲۳۷ و قسمت اخیر ماده ۱۵۶ و ۲۲۷ قانون مالیاتهای مستقیم به ویژه آن قسمت از مقررات ماده ۲۷۰ قانون مذکور مبنی بر اینکه "مجازات مقرر در بند ۲ ماده ۲۷۰ شامل مامورانی نیز خواهد بود که به طور کلی بعد از صدور برگ تشخیص در هر مرحله ای که باشد بابت فعالیت دیگر مودی بدون بدست آوردن مدرک مثبت اقدام به مطالبه مالیات نماید" و همچنین با در نظر داشتن مفاد بند یک بخشنامه شماره ۱۷۹۴۰ مورخ ۱۲/۱۰/۸۴ سازمان امور مالیاتی، از لحاظ مالیاتی نظریه کارشناسی مندرج در بند ۱ گزارش شماره ۲۰/۲۱۰/م مورخ ۲۰/۱۲/۸۸ معاونت فنی و حقوقی دایر بر اینکه "در این قبیل موارد پس از احراز درآمد حاصل از فعالیتهای کتمان شده متکی به اسناد و مدارک مثبتته و با ارائه دلائل و اطلاعات کافی و با رعایت مرور زمان مالیاتی قابل اقدام خواهد بود" را منطبق با موازین قانونی تشخیص و مورد تأیید قرار می دهد.

۳ -معافیت موضوع ماده ۱۴۱ قانون مالیات های مستقیم:

با در نظر گرفتن تعریف مندرج در تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات های مستقیم، در صورت ارائه اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر توسط مودی و عدم درج بخشی از درآمد صادرات در آن، رعایت نظریات دفتر فنی و حسابرسی مالیاتی به شماره های ۲۰۹۱۰/۳۳۲/ص مورخ ۳۰/۱۰/۱۳۹۴ و ۷۹۰۹/۳۳۲/م مورخ ۱۵/۰۴/۱۳۹۴ تا قبل از اجرای اصلاحیه مورخ ۳۱/۰۴/۱۳۹۴ قانون مالیات های مستقیم مورد تاکید است.

جهت اطلاع خوانندگان گرامی، متن کامل نامه مدیر کل دفتر فنی و حسابرسی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور به شرح زیر می باشد:

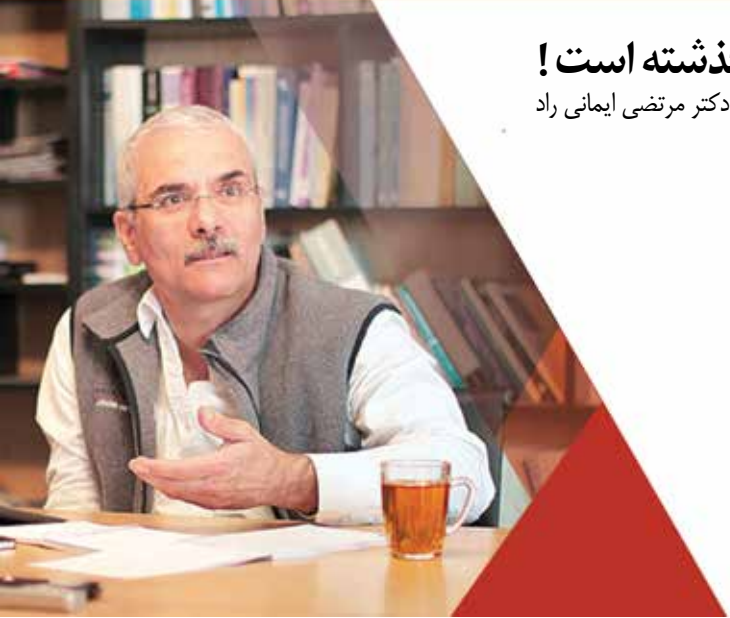
"در خصوص تعلق و یا عدم تعلق معافیت مالیاتی به شرکت هائی که فعالیت آنها ماهیتا معاف از مالیات بوده، اما اظهارنامه تسلیمی و صورت های مالی آن(ترازنامه و صورت سود و زیان) ناقص یا سفید و نانویس می باشد به اطلاع می رساند، مطابق تبصره ۲ ماده ۱۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه، تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر شرط برخورداری از هرگونه معافیت مالیاتی است. لذا در صورتی که اشخاص حقوقی و حقیقی حسب مقررات نسبت به تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر قانونی اقدام نموده باشند از حیث مقررات تبصره ۲ ماده ۱۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه، خللی به اعمال معافیت های مالیاتی مقرر در قانون با رعایت سایر مقررات نخواهد بود."

۴ - دسترسی حسابرسان مالیاتی به اطلاعات دوره های قبل و بعد:

با عنایت به مقررات جاری از جمله ماده ۲۲۹ و آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۲۱۹ قانون مالیات های مستقیم، درخواست و بررسی اطلاعات، اسناد و مدارک سال های قبل و بعد از دوره مورد رسیدگی توسط حسابرسان مالیاتی فاقد منع قانونی است، لیکن اجباری به ارائه آن توسط مودی وجود ندارد. بدیهی است در مواردی که بررسی حساب های سال مورد رسیدگی مستلزم مراجعه به سوابق یا حساب ها و مدارک سال های بعد باشد، مسئولیت عدم ارائه آنها به عهده مودی خواهد بود.

آینده اقتصاد ایران پر از گذشته است!

دکتر مرتضی ایمانی راد



درج شده بود.

- صنایع الدوله که نخستین بار کارخانه نساجی را در ایران دایر کرده بود و طرح راهاندازی راه آهن سراسری را پیشنهاد کرد در مقدمه جالب نخستین بودجه ایران درباره ضرورت بودجه نویسی و خارج کردن دخل و خرج عمومی از دست شاه و قرار دادن آن در دست نمایندگان مردم توضیحات مبسوطی داده بود. او بودجه اش را براساس اصول فنی و در حالی تنظیم کرده بود که به درآمدهای نفتی اتکایی نداشت و در آن «اصل وحدت» بودجه رعایت شده بود.

- صنایع الدوله به هنگام بردن این بودجه برای تصویب به ضرب گلوله یک تبعه گرجی مقابل در مجلس ترور شد و به قتل رسید و اندکی پس از آن هم کابینه مستوفی الممالک - که صنایع الدوله وزیر دارایی اش بود - منحل شد. با این حال نمایندگان وقت مجلس به این بودجه رای مثبت دادند تا بودجه خونین صنایع الدوله راهبرد دخل و خرج یکساله کشور باشد.

- صنایع الدوله هدایت که در نخستین دوره مجلس بر کرسی ریاست تکیه زده بود به عنوان وزیر مالیه کابینه مستوفی الممالک این بودجه را تنظیم کرده بود که درآمدهای آن ۱۴ میلیون و ۱۱۶ هزار و ۶۰۰ تومان و هزینه های آن ۱۴ میلیون و ۶۱۸ هزار تومان برآورد شده بود و نکته جالب توجه اینکه نخستین بودجه ایران نیز کسری داشته که میزان آن ۵۰۰ هزار تومان بوده است. عمده ترین بخش درآمد آن را هم مالیات بخش کشاورزی تشکیل می داد.

- روش بودجه نویسی صنایع الدوله تا سال ۱۳۲۰ که درآمدهای نفتی به بودجه تزریق شد ادامه پیدا کرد و پس از آن به صورت دیگری تدوین شد. جانشین آمریکایی صنایع الدوله، مورگان شوستر نیز که بعد از او به ایران آمد تا در کسوت خزانه دار کل کشور و مسوول تنظیم بودجه عمومی، وظیفه ترسیم برنامه های کوتاه مدت کشور را برعهده بگیرد، پس از ۸ ماه ایران را ترک کرد و پس از او هم برنارد بلژیکی مسوول امور گمرکات کشور با استفاده از اختیارات شوستر در راس مالیه عمومی ایران قرار گرفت. او چهار سال در این سمت باقی ماند و پس از آن جای خویش را به میلیسپوی آمریکایی سپرد.

یکی از راههای اساسی در تحول و نوآوری، چه برای فرد، سازمان و یا کشور، تر و تمیز کردن گذشته است. تر و تمیز کردن یعنی کارهای نیمه تمام را کامل کنیم و تمرکز سیاست گذاری را بر رفع مشکلات موجود بگذاریم تا این مشکلات آینده اقتصاد کشور را اشغال نکند. کشوری که با تمرکز بر مشکلات (به جای تمرکز بر اهداف)، اجازه نمیدهد گذشته اش آینده را اشغال نکند، مستعد نوآوری و تحول است. متأسفانه در کشور ما به جای تمرکز بر مشکلات و کامل کردن «تا کاملی ها»، دست به تنظیم چشم اندازها و اهداف بلند مدت میزنند و چون این ناکاملی ها (رفع مشکلات تمام نشده فعلی) کامل نشده است، آینده را در انحصار خود می گیرند و اجازه نمیدهند که اهداف و چشم انداز های طراحی شد عملی شوند. این یکی از دلایل شکست برنامه ها در کشور ماست. متأسفانه از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۱ حجم وسیعی ارز و ریال به اقتصاد ایران تزریق شد و چون مدیریت اقتصادی حاکم بر این تزریق ها نبود، مجموعه وسیعی از ناکاملی ها را بر اقتصاد ایران تحمیل کرد. پروژه های وسیع استانی و ملی تمام نشده، ظرفیت های تولیدی نیمه تمام، بدهی های بانکها به بانک مرکزی، بدهی های دولت به بانک مرکزی و بانکهای تجاری، بدهی دولت به پیمانکاران، بدهی شرکتهای دولتی به پیمانکاران، طرح نیمه تمام و ناکام مسکن مهر، و ... نمونه هایی از این ناکاملی ها به شمار می روند. این ناکاملی ها در سال های بعد با تحریم و کاهش قیمت نفت مثل سنگ سخت شدند و ساختارهای معلول را در اقتصاد ایران به جا گذاشت. این ساختارهای سخت از سالی به سال دیگر رفت و مشکلات اقتصادی را با خودش همراه کرد. حجم این ناکاملی ها در ابتدای دولت روحانی آنچنان بالا بود که هنر این دولت تنها مدیریت آنها بود و وقتی دولت هجوم برد که بخشی از آنها را کامل کند (مثل ایجاد بازار بدهی برای سبک کردن بدهی های دولت)، نه تنها کاری اساسی انجام نشد بلکه ناکاملی های دیگری در اقتصاد ایران ایجاد کرد.

فعلا ما هستیم و انبوهی از ناکاملی های گذشته. تا این ناکاملی ها کامل نشود نوشتن و اجرای برنامه توسعه پنج ساله بیشتر به یک شوخی شباهت دارد. نه تنها این دولت، بلکه دولت بعدی نیز باید اهتمام کند که بخشی از این ناکاملی ها را کامل کند. بدون شفاف و حل مسایل گذشته و حال، پرداختن به آینده طراحی شده تنها مجموعه دیگری از ناکاملی ها را در اقتصاد ایران به وجود می آورد و اگر چنین شود، نه نوآوری خواهیم داشت، نه تحول و نه توسعه. تا زمانی که آینده ما انباشته از گذشته است، آینده ما متعلق به گذشته است و سیاستهای ما چیزی جز مجموعه ای از واکنش ها به شرایط نخواهد بود. متأسفانه آینده اقتصاد ایران در تسخیر گذشته است.

اولین بودجه در ایران که کشته داد!

- سابقه نخستین بودجه رسمی که در تاریخ ایران تدوین شده، به حدود ۱۰۰ سال قبل و دوره دوم قانونگذاری در کشور برمی گردد زمانی که صنایع الدوله وزیر دارایی وقت، آن را در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی و با استناد به بندهای ۱۸ و ۲۰ قانون اساسی مصوب سال ۱۲۸۵ شمسی، نوشت و در آن برای اولین بار درآمدها و هزینه های دولت در سند واحد

گرد خاکستری بر سر نیروی کار

با پیر شدن ژاپنی‌ها، نیروی کار آنها نیز پیر می‌شود

اقتصادهای دنیا ارتباط تنگاتنگی با سن افراد دارند؛ یعنی هرچه جمعیت به سمت پیری میل می‌کند، نیروی کار نیز از کارافتاده‌تر می‌شود. این مسئله در ژاپن به زنگ خطری تبدیل شده و می‌تواند در دیگر کشورها از جمله ایران نیز بروز پیدا کند.

نیشیجی مکس یک کارخانه تولیدکننده قطعات یدکی خودرو در ژاپن است که مانند بسیاری از دیگر کارخانه‌ها به دنبال کارگر می‌گردد. یافتن کارگر برای کارخانه‌های ژاپنی به کابوس شبانه آنها تبدیل شده است. حالا ژاپنی‌ها تنها یک راه‌حل پیش روی خود می‌بینند: در شرایطی که بازار کار خالی از نیروی کار است تنها یک راه وجود دارد: افزایش سن بازنشستگی. در یکی از کارخانه‌های ژاپنی که ۱۴۰ کارگر دارد، ۳۰ نفر از کارگرها بالای ۶۰ سال دارند؛ شاید جالب باشد که بدانید یک نفر ۸۴ ساله است و همچنان در این کارخانه کار می‌کند. هیروشی نیشی‌جاما، مدیر ژاپنی می‌گوید: «بازنشسته کردن افراد با کفایت و کارآمد در سنین پایین باعث اتلاف سرمایه‌های انسانی می‌شود. اگر آنها مایل باشند کار کنند پس باید کار کنند.»

نیروی کار ژاپن آخرین بار در دهه ۹۰ میلادی به اوج خود رسید که ۶۷ میلیون نفر بود؛ از آن زمان تاکنون جمعیت نیروی کار این کشور کوچک شده است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد از تعداد آنها دست‌کم ۲ میلیون نفر کاسته شده است. دولت ژاپن پیش‌بینی کرده که جمعیت نیروی کار ژاپن تا نیمه این قرن به کمتر از ۴۲ میلیون نفر سقوط کند. دلیل آن نیز کمتر شدن و پیر شدن جمعیت این کشور است. البته تعداد خارجی‌هایی که در ژاپن زندگی می‌کنند در سال ۲۰۱۵ به بالاترین میزان خود که ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بود، رسید. اما این تعداد از خارجی‌ها هم نمی‌تواند شکاف نیروی کاری را که ایجاد شده پر کند. ژاپن به جای اینکه درهای خود را به روی مهاجران باز کند تنها تلاش می‌کند فشار بیشتری به مردم خودش وارد کند و از توان و ظرفیت آنها استفاده کند.

اکثر شرکت‌ها و کارخانه‌های بزرگ ژاپنی ۶۰ سالگی را به عنوان سن بازنشستگی اجباری در نظر گرفته‌اند؛ دلیل اصلی هم این است که می‌خواهند از پرداخت‌ها به سالمندان فرار کنند یا میزان آنها را کاهش بدهند. اما برخی از کسب‌وکارها تا این اندازه دقیق و سخت‌گیر نیستند. در حال حاضر حدود ۱۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از ژاپنی‌هایی که بالای ۶۰ سال دارند همچنان مشغول به کار هستند. این در حالی است که تعداد آنها در سال ۲۰۰۰ حدود ۸ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بود. بررسی‌های دولتی نشان می‌دهد که حدود دوسوم از ژاپنی‌هایی که بیش از ۶۵ سال دارند همچنان متقاضی کار تمام‌وقت هستند. به این ترتیب در حال حاضر سن حقیقی برای بازنشستگی در ژاپن نزدیک به ۷۰ سال است. در اکثر کشورها مردم معمولاً خیلی زود بازنشسته می‌شوند. اما ژاپن جزو کشورهای نادر و استثنا در این زمینه است.

پیرمردهای مدیر

خاکستری شدن نیروی کار در ژاپن کاملاً مشهود است. در تاکسی‌ها افراد پیری دیده می‌شوند که پشت فرمان ماشین نشسته‌اند؛ در سوپرمارکت‌ها مردهایی با موهای خاکستری پشت دکل ایستاده‌اند و رویه‌روی در ورودی تمامی بانک‌ها هم پیرمردی به عنوان محافظ ایستاده است. رئیس‌ها نیز هر روز پیرتر می‌شوند. میکیو ساساکی رئیس میتسوبیشی ۷۹ ساله است. ماساموتو یاشیرو رئیس بانک شینسئی در ژاپن، ۸۷ ساله است. تسونو واتانابی سردبیر بزرگ‌ترین روزنامه در گردش دنیا با نام یومیوری شیمبون، ۹۰ ساله است.

اینکه افراد با سن بالا همچنان به کار ادامه بدهند امری اجتناب‌ناپذیر است. کین اوگاتا رئیس کوریشا خطاب به ۶۰ ساله‌ها می‌گوید که کشورش هیچ تمایلی برای وارد کردن نیروی کار ندارد پس چاره‌ای ندارد به جز اینکه از افرادی با سن بالا و همچنین از زنان و ربات‌ها به عنوان نیروی کار استفاده کند. مسئله افزایش سن در ژاپن به عنوان مشکلی برای نگهداری افراد مسن نیز بروز پیدا کرده است. یعنی افرادی وجود دارند که دیگر توانایی کار کردن ندارند اما کسی برای نگهداری و مراقبت از آنها وجود ندارد. موسسه مکزی هیسار داده که ژاپنی‌های توانمند باید در این زمینه کمک کنند در غیر این صورت کشور با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شود. اگر ۱۰ درصد دیگر از افراد توانایی انجام کار داشتند، ۷۰۰ هزار نیروی کار جدید وارد بازار می‌شد و به این ترتیب مشکل کشور در زمینه کمبود نیروی کار تا سال ۲۰۲۵ برطرف می‌شد. شاید آنها به انگیزه‌ای نیاز دارند و دولت باید به آنها انگیزه بدهد. به هر حال پیرها شاید دیگر بیشتر از این نتوانند کار کنند.



بازگشت مهاجران ایرانی چه کمکی به توسعه می‌کند؟

سرمایه‌های خاموش مهاجران

منبع مهمی از سرمایه انسانی

برای کشور محسوب می‌شوند. ایجاد

ارتباطات فرهنگی، بهره‌گیری از تجارب

کاری، تحصیلی، پیوندهای خارجی و همچنین خلق

فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اشتغال از جمله دلایل بسیار، بر چرایی جذب مهاجران است. همچنین نظریات گوناگونی در عرصه جهانی برای توضیح تمایل مهاجران به حفظ ارتباط با میهن مطرح شده است. برخی از مهاجران به دنبال بهبود استانداردهای زندگی که در میهن پشت سر گذاشتند، به انجام رفتارهای نوع‌دوستانه می‌پردازند. سایرین مبتنی بر نفع شخصی در غالب رفتارهای سرمایه‌گذاری به تعامل با سرزمین مادری مبادرت می‌کنند. مساله‌ای که در اینجا حائز اهمیت است، ارزشمندی داوطلبانه بودن تعامل مهاجران با میهن است. اما باید توجه داشت که تعامل با مهاجران رابطه‌ای دوطرفه است که باید بر مبنای اعتماد و احترام متقابل شکل گرفته و ادامه یابد. امروزه دولت‌ها، در دو سوی زنجیره مهاجرت، به عنوان پرورش‌دهنده و محرک این تعامل می‌توانند ایفای نقش کنند. بنابراین مهاجران با وجود اینکه به عنوان منبع خارجی سرمایه هستند، برای دولت‌ها ایجاد مسوولیت می‌کنند. در این میان نقش دولت‌ها باید طوری تعریف شود که نبود مهاجران همگن و منفرد را تصدیق کرده و طیف متنوعی از افرادی را که جامعه مهاجران را تشکیل می‌دهند به رسمیت بشناسند. اولین و اصلی‌ترین سوالی که سیاستگذاران با آن مواجه هستند، این است که چه نوعی از سیاست‌ها و طرح‌های دولت قابلیت پرورش و ترویج این تعامل را دارد و قادر است مهاجران را برای فرستادن سرمایه‌های فیزیکی و انسانی آنها تشویق کند. در این راستا می‌توان به مجموعه‌ای از استراتژی‌های طراحی شده از سوی سایر کشورها اشاره کرد. به عنوان مثال، ترکیه برای

تشویق ارسال وجوه، به

مهاجران خود اجازه داد که

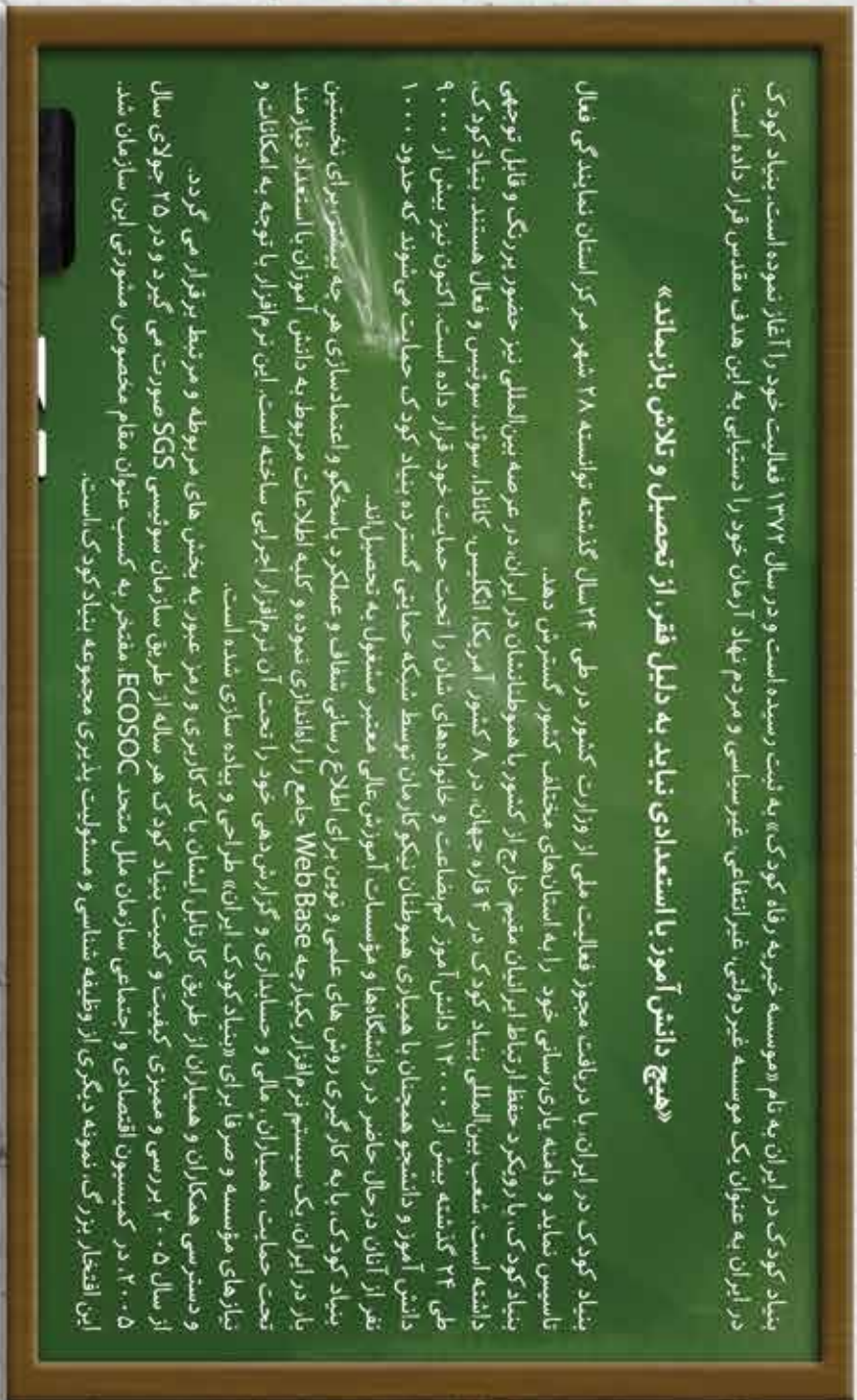
با پرداخت ارز خارجی به خریدن

خدمات سربازی اقدام کنند. دولت‌های

مصر و هند، حساب‌های بانکی برای سپرده‌های

خارجی طراحی کرده‌اند که بهره به دست‌آمده از آنها معاف از مالیات است. برخی کشورهای دیگر، برای تشویق مهاجران خود، روش‌های مستقیم‌تری را در پیش گرفتند. به عنوان نمونه، ارمنستان، کلمبیا، مکزیک، مولداوی، پرو و آفریقای جنوبی به منظور تسهیل ارتباط با مهاجران، سازمان‌های دولتی را تاسیس کرده‌اند و دولت‌های السالوادور و هند برای امور مهاجران خود که خارج از کشور هستند، وزارتخانه در نظر گرفته‌اند. بنابراین تمایل کشورهای مبدأ، به تشویق مهاجران خود، در روش‌های گوناگون آشکار است. آنها با ایجاد کنسولگری‌ها، اتحادیه‌های گوناگون و طراحی ابزارهای سرمایه‌گذاری، به منظور جذب جوامع بزرگ مهاجران خود، میزبان ملاقات‌ها و انعقاد قراردادهای تسهیل ارتباط برای ارتقای حس تعامل مهاجران با میهن هستند. در واقع این استراتژی‌ها به دنبال ایجاد، بازگرداندن یا ترویج احساسات عضویت در ملتی است که در عین حال که به آن گره خورده‌اند، از لحاظ جغرافیایی با آن قطع ارتباط کرده‌اند. باید توجه داشت، در عین حال که این طرح‌ها ممکن است مفید باشد، مستلزم سازماندهی و تعهد در اجراست. زیرا توجه پیاده‌سازی کامل این موضوع یک وظیفه بسیار دشوار و نیازمند تلاش متحدانه و فراوان در تمام سطوح و در سراسر دولت است که باید به شکل یک چشم‌انداز بلندمدت برای ایجاد مشارکت و برآوردن خواسته‌های جامعه مهاجرانی که به نوعی قادر و مایل به تعامل با میهن هستند، در نظر گرفته شود.

منبع: تجارت فردا



بنیاد کودک در ایران به نام «موسسه خیریه رفاة کودک» به ثبت رسیده است و در سال ۱۳۷۲ فعالیت خود را آغاز نموده است. بنیاد کودک در ایران به عنوان یک موسسه غیردولتی، غیرانتفاعی، غیرسیاسی و غیرمذهبی نهاد آرمان خود را دستخطی به این هدف مقدس قرار داده است:

«هیچ دانش آموز با استعدادی نباید به دلیل فقر، از تحصیل و تلاش بازماند»

بنیاد کودک در ایران با دریافت مجوز فعالیت ملی از وزارت کشور در طی ۲۴ سال گذشته توانسته ۲۸ شهر مرکز استان نمایندگی فعال تاسیس نماید و دامنه بازی‌رسانی خود را به استان‌های مختلف کشور گسترش دهد.

بنیاد کودک، با رویکرد حفظ ارتباط ایرانیان مقیم خارج از کشور با هموطنانشان در ایران، در عرصه بین‌المللی نیز حضور پررنگ و قابل توجهی داشته است. شعب بین‌المللی بنیاد کودک در ۴ قاره جهان، در ۸ کشور آمریکا، انگلین، کانادا، سوئد، سوئیس و فعال هستند. بنیاد کودک طی ۲۴ گذشته بیش از ۱۲۰۰۰ دانش آموز کم‌برخوراد و خانواده‌های شان را تحت حمایت خود قرار داده است. اکنون نیز بیش از ۹۰۰۰ دانش آموز و دانشجو همچنان با همیاری هموطنان بزرگوارمان توسط شبکه حمایتی گسترده بنیاد کودک حمایت می‌شوند که حدود ۱۰۰۰ نفر از آنان درحال حاضر در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی معتبر مشغول به تحصیل‌اند.

بنیاد کودک، با به کارگیری روش‌های علمی و نوین برای اصلاح رسانی شفاف و عملکرد پاسخگو و اعتمادسازی هر چه بیشتر، برای تضمین بار در ایران، یک سیستم نرم‌افزاری یکپارچه WebBase جامع را راه‌اندازی نموده و کلیه اطلاعات مربوط به دانش آموزان با استعلام نیازمند تحت حمایت، همکاران، مالی و حسابداری و گزارش‌دهی خود را تحت آن نرم‌افزار اجرایی ساخته است. این نرم‌افزار با توجه به امکانات و نیازهای مؤسسه و صرفاً برای «بنیاد کودک ایران» طراحی و پیاده‌سازی شده است.

و دسترسی همکاران و همیاران از طریق کارپال ایشان با یک‌کاربری و رمز عبور به بخش‌های مربوطه و مرتبط برقرار می‌گردد.

از سال ۲۰۰۵ بررسی و ممیزی کیفیت و کمیت بنیاد کودک هر ساله از طریق سازمان سوئیس SGS صورت می‌گیرد و در ۲۵ جولای سال ۲۰۰۵ در کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد ECOSOC مقتر به کسب عنوان مقام مخصوص مسووری این سازمان شد. این افتخار بزرگ، نمونه دیگری از وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری مجموعه بنیاد کودک است.

علاوه بر این بنیاد کودک ایران، بر حسب توان و امکانات خود، در بخش‌های دیگری از جمله پروژه‌های انسان دوستانه نیز مشارکت داشته و خواهد داشت. ضمن اینکه با همکاری همیاران اردوهای مختلف، کلاسهای آموزشی و کمک آموزشی، کارگاه‌های آموزشی، مشاوره تحصیلی و مشاوره خانواده و فردی، توزیع اوراق نیز انجام می‌پذیرد.

بنیاد کودک ایران - نمایندگی مشهد



در ساعت ۱۱ روز پنجشنبه یکم تیر ماه ۹۶، بنیاد کودک نمایندگی مشهد افتخار میزبانی آقایان مهندس حمید طیبی، مهندس محمدعلی چمنیان، مهندس امیرمهدی مرادی، مهندس مهدی نعیمی پور و دکتر احمد آثنی عشری، هیئت رئیسه انجمن مدیران صنایع استان خراسان را داشت.

ابتدا ریاست نمایندگی مشهد، سرکار خانم رحیم زاده ضمن خوش آمد گویی و معرفی اعضای هیئت اماناء، به شرح تاریخچه فعالیت‌های بنیاد کودک پرداختند.

در بخش بعدی جلسه جناب آقای شاهیید رئیس هیئت اماناء نمایندگی مشهد به توضیح کامل برنامه‌های دهه سوم توسعه پرداختند و اشاره ای چند به فعالیت‌های انجام شده یکسال اخیر، که مهم‌ترین آن‌ها بازسازی ساختمان جدید بنیاد کودک نمایندگی مشهد بود، نمودند.

در این میان، فیلم روند بازسازی ساختمان جدید، جشن سالانه ی ماه مبارک رمضان و تیزر رسمی بنیاد کودک به نام «کمک نکن» نمایش داده شد و همچنین پرسش و پاسخ درباره آمار، ارقام و برنامه‌ها انجام شد.

پس از آن جناب آقای مهندس طیبی، نایب رئیس انجمن مدیران صنایع استان خراسان ضمن بیان خسته نباشید رو به خانواده بنیاد کودک فرمودند:

«امر مقدسی پیش روست و ماهیت آن سازنده و باعث پیشرفت فرزندان این مرز و بوم خواهد شد.» پس از تحسین فعالیت ۲۴ ساله بنیاد کودک و هدف آن، توصیه نمودند:

«باید به دانش آموزان تحت حمایت بنیاد کودک، حرفه آموخت تا در سنین جوانی متخصص، تکنسین و اسناد کار شوند. سیستم آموزشی نظری ما که مبتنی بر حفظ مطالب است برای بازار کار خروجی به ارمغان نمی‌آورد. طبق آمار رسمی بیش از ۷۰ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کشور، پس از اتمام تحصیل، به دلیل کیفیت پایین آموزش عملی، امکان ورود به بازار کار را ندارند.»



وی همچنین افزودند:

«پیام بنیاد کودک را به هسته انجمن مدیران صنایع خراسان می‌رسانیم و زمینه معرفی بنیاد کودک را ازین طریق فراهم می‌سازیم.» جناب آقای دکتر آثنی عشری ضمن تأیید فرمایشات ایشان، فرمودند:

«باید دانش آموزان را به سمت هنرستان و مراکز علمی کاربردی سوق داد و فرهنگ حرفه آموزی را در بین آن‌ها جا انداخت و عملی کرد.» ایشان همچنین اختصاص صفحاتی در نشریه ماهانه «صنعت و کارآفرینی» را جهت معرفی بنیاد کودک پیشنهاد دادند.

جناب آقای مهندس چمنیان نیز برقراری روابط مثبت با مجمع خیرین فنی و حرفه‌ای و مجمع خیرین فناوری که در شرف تاسیس می‌باشد را مطرح نمودند. در خاتمه جناب آقای مهندس مرادی طرح برگزاری همایش مشترک در ارتباط با موضوع خانواده و نیز حضور بنیاد کودک در همایش‌های انجمن صنایع را ارائه دادند.

۰۲۱-۴۲۵۱۰
childf.com

نمایندگی مشهد

۰۵۱-۳۸۳۳۰۱۸۶-۷
mashhad@childf.org
@child_foundation
جیان فلسطین . فلسطین ۲۳ . پلاک ۲۹



کاغذ زباله نیست آن را دور نریزیم!!!

برای تولید یک تن کاغذ باید ۱۸ درخت قطع شود. برای تهیه کاغذ مورد نیاز ایران باید سالانه حداقل ۱۴ میلیون درخت قطع گردد. بر اساس آمارهای منتشر شده سرانه مصرف کاغذ در کشور ما سالانه ۱۱ کیلوگرم است که با احتساب ۷۰ میلیون جمعیت ایران، سالانه حدود ۷۷۰ میلیون کیلوگرم (۷۷۰ هزار تن) کاغذ در ایران مصرف می شود.

و با توجه به اینکه برای تولید یک تن کاغذ باید ۱۸ درخت قطع شود. برای تهیه کاغذ مورد نیاز ایران باید سالانه حداقل ۱۴ میلیون درخت قطع گردد.

تا به حال شده از خودتان بپرسید این همه کاغذی که هر روز به شکل های مختلف از روزنامه و دفتر و کتاب گرفته، تا دستمال کاغذی و بسته بندی های جور واجور، در دسترسمان است از کجا و چطور تامین می شود؟ و تا به حال شده به حجم درخت هایی که به خاطر مصارف بی دلیل ما قطع می شود و ضربه ای که به اکوسیستم زده می شود، فکر کنید؟

این روزها دیگر کمتر به ارزش و تقدس درخت ها توجه می شود. می گویند اوضاع مان در تولید کاغذ خوب نیست اما مصرف مان خیلی زیاد و گاهی هم غیر منطقی است. می گویند سالانه بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار تن کاغذ در کشور مصرف می شود.

می گویند برای تولید هر تن کاغذ باید ۱۷ اصله درخت را قطع کرد و این یعنی قطع سالانه ۲۵ میلیون و ۵۰۰ هزار اصله درخت علاوه بر این در فرآیند تولید آن نیز حدود ۴۰۰ هزار لیتر آب و ۴ هزار کیلووات برق مصرف می شود. می گویند بیش از نیمی از زباله های خشکی را که تولید می شود کاغذهای قابل بازیافت تشکیل می دهد. می گویند برآورد جهانی این است که بشر، محیط زیست را تا سال ۲۰۵۰ تخریب می کند. می گویند و می گویند و خیلی از ما هم می دانیم اما... بالاخره باید از جایی شروع کرد چرا که مصرف روزافزون کاغذ در کشور، ایجاد فشار بیش از حد بر جنگل ها و محیط زیست را به دنبال دارد و از بین رفتن درختان جنگل نیز مساوی با آلودگی هوا، فرسایش خاک و هزاران تأثیر مخرب دیگر بر محیط زیست است.

از آنجا که کاغذ های باطله به عنوان ماده اولیه صنایع کاغذ سازی محسوب می شود لذا بازیافت کاغذهای باطله می تواند سبب جلوگیری از مصرف بی رویه چوب درختان و احیای بهتر فضای سبز، تقویت بنیه اقتصادی کشور و جلوگیری از صدور ارز به خارج برای تهیه خمیر کاغذ، کاهش آلودگی حاصل از تهیه خمیر کاغذ از چوب توسط کارخانه ها، صرفه جویی در انرژی، کاستن حجم زباله های دفن شده در زمین، کاهش هزینه ها در سیستم جمع آوری زباله، کاهش تعداد پرسنل در مراحل جمع آوری و دفع و ... شود.

اولین و مهمترین گام برای دستیابی به یک برنامه منسجم بازیافت، تفکیک درمدا می باشد. از آنجا که از مهمترین عناصر تشکیل دهنده زایدات کاغذ مراکز علمی، آموزشی و ... می باشند، توجه به بازیابی و استفاده مجدد کاغذ در این اماکن از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

لذا پیشنهاد می شود در دانشگاه ها، مدارس، دفاتر اداری، کتابخانه ها، چاپخانه ها، مراکز انتشاراتی و ... که عمده زایدات آنها کاغذ می باشد سطل های ویژه ای در اتاق ها، راهروها و ... برای جمع آوری کاغذهای باطله قرار داده شود. همچنین به مسوولان محترم شهرداری پیشنهاد می شود تدابیر لازم برای جمع آوری کاغذ های باطله در طول سال به خصوص در این ایام که به مناسبت نزدیک شدن به سال جدید، نظافت منازل شروع شده است فراهم آورند.

آری، کاغذ زباله نیست آن را دور نریزیم.

علی پرهیز

مدیر کار گروه محیط زیست انجمن مدیران صنایع خراسان



تجربه هند در تجارت الکترونیک چه درسی برای ما دارد؟ مردم عاشق پول نقد و دولت دوستدار کارت بانکی

روند کند چاپ اسکناس، باعث شده است که پول نقد در میان مردم هند خیلی کم شود. آمارتیا سن، اقتصاددان در دانشگاه هاروارد و برنده جایزه نوبل، این تصمیم مودی را «یک عمل مستبدانه» خوانده است. همچنین مانموهان سینگ، نخست وزیر سابق هند، که یک اقتصاددان است این حرکت را دارای «اثرات متزلزل کننده» در رشد اقتصادی و ایجاد شغل در ماه های آینده دانسته است. در این میان که تصمیم مودی باعث ایجاد یک آشوب در اقتصاد کشور شده، موسسه گلدمن ساکس چشم انداز خود درباره رشد اقتصادی هند در سال های آتی را دو بار کاهش داده و تخمین رشد اقتصادی را اکنون به ۶.۳ درصد رسانده است.

مقامات دولتی می گویند که با استفاده از تبدیل انتقالات پول از شیوه نقدی به کارت های بانکی، رصد کردن مسیر حرکت پول راحت تر می شود و درآمدهای مالیاتی دولت افزایش خواهد یافت. دولت برای کسانی که از پرداخت های آنلاین استفاده می کنند مشوق هایی در نظر گرفته است و به بانک ها دستور داده است که حدود یک میلیون دستگاه کارتخوان را تا ماه مارس سال میلادی جدید، در سراسر هندوستان به کار بیندازد تا تعداد دستگاه های کارتخوان در این کشور بسیار بیشتر از ۱.۴ میلیون دستگاه فعلی شود.

نخست وزیر هند گفته است که در زمینه حرکت به سمت اقتصاد دیجیتالی، آن چه را که انتظار داشته در عرض سه تا شش ماه اتفاق بیفتد، حالا می بیند که در عرض سه تا شش ماه در حال اجرایی شدن است. یک میلیارد از جمعیت هند در حال حاضر دارای کد شناسایی بیومتریک منحصر بفرد هستند، بیش از یک میلیارد نفر از آنها دارای تلفن همراه و بیش از نیم میلیارد نفر نیز دارای حساب بانکی هستند که به گفته او، به نقل و انتقال دیجیتالی کمک می کند.

منبع: واشنگتن پست / ترجمه

وقتی که دو ماه پیش، نارندرا مودی، نخست وزیر هندوستان اعلام کرد که ۸۰ درصد از پول نقد از چرخه بانکی این کشور خارج خواهد شد، این کار را مبارزه ای سرنوشت ساز علیه فساد و تقلب خواند.

بعد از این که تصمیم تعجب برانگیز هند درباره خارج کردن اسکناس ها با ارقام بالا از چرخه پولی این کشور را در ماه گذشته گرفت و باعث گسترده شدن کمبود پول نقد شد، مردم در شهر پوتادا که شامل دسته هایی از روستاهای بزرگ است، به راه حل مخصوص به خود دست یافته است. مردم این شهر مراسم عروسی خانوادگی را به تعویق انداخته اند و درخواست اعتبار و خدمات مبادله پایاپای کالا و خدمات کرده اند. اما همزمان با این که کمبود نقدینگی و مشکل پول نقد به ماه دوم سرایت کرده، مقامات رسمی از بانک دولتی هند با نوعی برنامه نجات وارد عرصه شده اند که شامل ماشین های کارتخوان جدید برای کسب و کارهای کوچک است.

در یکی از صبح های روزهای اخیر در مغازه شیرینی فروشی راج پورهیت، تماشاگران کنجکاو دور دستگاهی غیرعادی جمع شده اند که او آن را برای خوش یمنی با پودر شنگرفی به رنگ قرمز درآورده است. او به آدم هایی که دورش جمع شده اند می گوید: «وقت خود را با ایستادن در بانک تلف نکنید. دیگر مثل سابق به هر جایی که می روید با خودتان پول نقد نبرید.» یکی از مشتریان می گوید که نمی تواند بفهمد دستگاه کارتخوان چطور کار می کند. آن دیگری که کنارش ایستاده می گوید که نمی تواند به دستگاه اعتماد کند. پورهیت پنج دفعه کارت نقدی یک مشتری جوان را در دستگاه کارتخوان می کشد. در دفعاتی که او به دقت این کار را انجام می دهد، هر کسی شماره رمز کارت او را می فهمد.

اما دولت از کنار گذاشتن پول نقد دست نمی کشد. حتی در حالی که بانک ها به شدت تقلا می کنند تا اسکناس های مردم عصبانی در صف های طویل را بگیرند و آنها را جایگزین کارت های بانکی کنند، مقامات رسمی می گویند که این بحران یک فرصت است برای تغییر فرهنگی پرنرگی در سومین اقتصاد بزرگ آسیا و حرکتی است از سوی شهروندان به سمت انتقالات بدون پول نقد شامل کارت های بانکی، کیف پول های الکترونیک و پرداخت های دیجیتالی بانکی.

وقتی که دو ماه پیش، نارندرا مودی، نخست وزیر هندوستان اعلام کرد که ۸۰ درصد از پول نقد از چرخه بانکی این کشور خواهد شد، این کار را مبارزه ای سرنوشت ساز علیه فساد و تقلب خواند. او همچنین شهروندان را ترغیب کرد تا از مزایای این تغییر استفاده کنند. او از نسل جوان تر هندی خواست که به والدین، همسایگان و حتی دستفروش های سبزی سر کوچه خود چگونگی خرید و فروش بدون پول نقد را آموزش دهند. او گفت: «شما نقش یک رهبر را در حرکت هند به سمت اقتصاد بیش از پیش دیجیتال را بازی می کنید.»

رسیدن به این مقصود راهی طولانی خواهد بود. نزدیک به ۸۰ درصد از انتقال پول هندی های از طریق پول نقد انجام می شده است. فرهنگ فرار مالیاتی در هند عمدتاً آنها را راغب کرده بوده که ثروت مخفی خود را به صورت پول نقد، ملک، جواهر یا در بهشت های مالیاتی در خارج از کشور نگه دارند. ثروت مخفی که در هندوستان پول سیاه نامیده می شود، مطابق با تخمین کارشناسان حدود یک پنجم خروجی اقتصادی ملی این کشور را شامل می شود.

اما تصمیم مودی که شامل حدود ۲۰۷ میلیارد دلار پول می شود در کنار





تئوریسین سنگاپوری

نقش دولت‌ها در توسعه را ترسیم کرد راز آسیایی جهش اقتصادی

یکی از بارزترین نظریه‌پردازان توسعه در آسیا که در حال حاضر معاون نخست‌وزیر سنگاپور است، در جمع مقامات عالی دولت هند، به انتقال تجربیات توسعه این کشور به هندوستان پرداخت. نکته قابل تامل این سخنرانی اشتراک بسیار چالش‌ها و چاره‌های مطرح‌شده برای سایر کشورهای آسیایی بود. سایه سنگین دولت بر فعالیت‌های اقتصادی یکی از این چالش‌ها است. این در حالی است که هند در دهه‌های گذشته گام‌های موثری در جهت آزادسازی اقتصادی برداشته است. مهم‌ترین توصیه‌های مطرح‌شده از زبان این نظریه‌پرداز توسعه، بازکردن درهای کشور به روی اقتصاد جهانی و آزادسازی ظرفیت‌ها از طریق تعامل سازنده با جهان، تغییر انگیزه دولت و کاهش نقش دولت در اقتصاد بود. کشورها باید هرچه زودتر با کنار گذاشتن این انگاره که «همیشه راه‌حل دیگری برای ادامه حیات موجود است» این اصلاحات را به‌عنوان الزامات حیات خود اجرایی کنند. به عقیده این مقام مسوول سنگاپوری، کوتاه‌مدت‌گرایی و عمق کم دید یکی از مهم‌ترین معضلات سیاست‌گذاری در کشورهای آسیایی است که با کاهش اعتماد مردم به برنامه و سرمایه‌گذاری بلندمدت، مهم‌ترین منابع کشورها را هدر داده است. «دنیای اقتصاد» در این گزارش، گزیده‌ای از اظهارات این نظریه‌پرداز توسعه را به‌منظور معرفی الگویی برای توسعه منتشر کرده است.

چندی پیش «شارمن شانموگراتام» معاون نخست‌وزیر سنگاپور، در نشستی که به مناسبت نخستین سالروز تأسیس موسسه ملی دگردیسی هند (NITI) به میزبانی نخست‌وزیر و هیات دولت هندوستان برگزار شد، به تشریح تجربه سنگاپور در عبور از دالان توسعه و تبیین الزامات ورود کشورهای آسیایی، به ویژه هندوستان، به دسته کشورهای توسعه یافته پرداخت. نوشتار پیش‌رو خلاصه‌ای از اظهارات یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان حوزه سیاست‌گذاری عمومی و اقتصاد، خطاب به سیاست‌گذاران هندی است که با توجه به تصویر مشابه مشکلات، موانع و الزامات در یک روش استقرایی می‌تواند برای سایر کشورهای آسیایی نیز تسری یابد. «تعامل استراتژیک عمیق‌تر با جهان»، «فعال‌سازی ظرفیت‌های آزاد نشده» و «کاهش دخالت و تغییر انگیزه دولت‌ها در برخورد با اقتصاد» مهم‌ترین محورهای نقشه پیشنهادی دومین مقام اجرایی کشور میلیونی‌ها، برای دستیابی کشورهای آسیایی به رشد اقتصادی پایدار بود. نکته جالب

توجه در حاشیه این سخنرانی، استقبال نخست‌وزیر و بسیاری از مقامات ارشد هندوستان، از تجربیات مطرح شده از سوی دومین مقام اجرایی سنگاپور بود.

عصر بدبینان

«شارمن شانموگراتام» در ابتدای سخنان خود ضمن اشاره به سایه نگاه بدبینانه بر اقتصاد جهانی، موقعیت کشورهای آسیایی را برای شتاب دهی به مسیر توسعه در وضعیت کنونی یک مزیت رقابتی دانست. به عقیده معاون نخست‌وزیر سنگاپور، جهان از منظر اقتصادی در یکی از غیر عادی‌ترین زمان‌ها قرار دارد. به گفته دومین مقام سیاسی حائز اهمیت در سنگاپور «ما نه تنها در دوران بدبینی در مورد رشد اقتصادی به سر می‌بریم، بلکه شاهد دوره‌ای هستیم که در آن درونگرایی در حوزه سیاست و جامعه به‌ویژه در جهان پیشرفته وجود دارد. این بدبینی به ورای اقتصاد رسیده است اما در عین حال بدبینی است که بر اساس شکست سیاست‌ها شکل گرفته است؛ انباشتی از شکست سیاست‌ها طی سال‌ها در بخش اعظم جهان پیشرفته به نحوی که درآمدهای قشر متوسط برای مدت طولانی دچار رکود شده و نرخ بیکاری جوانان به‌ویژه در اروپا به طرز غیرقابل قبولی بالا رفته است. مهم‌تر از همه اینکه مردم آنطور که پیش از این به هم اعتماد داشتند، دیگر اعتماد ندارند. در آمریکا در دهه ۱۹۵۰ آنها از کلمه «ما و ما» استفاده می‌کردند اما امروز می‌گویند ما و آنها. بی‌اعتمادی زیادی بین آنها حاکم شده است. در بریتانیا و اروپا وضع همین گونه است؛ بی‌اعتمادی در داخل جامعه و نسبت به سایر نقاط جهان. اما این نتیجه شکست‌های انباشته شده سیاست و حاصل فعالیت‌های طبیعی جهانی‌سازی است.»

پتانسیل آسیایی رشد

از نگاه معاون نخست‌وزیر سنگاپور، در بین کشورهای آسیایی جایی برای این خواش بدبینانه وجود ندارد و کشورهای آسیایی می‌توانند با باز کردن درهای اقتصادی خود به روی یکدیگر و یکپارچه‌سازی اقتصاد منطقه‌ای، از حصول رشد اقتصادی و رفاه فراگیر برای مردم این منطقه اطمینان حاصل کنند. «شارمن شانموگراتام» در ادامه با اشاره به اقتصاد هندوستان، ظرفیت این کشور را در بازطراحی سرنوشت اقتصادی جهان منحصربه‌فرد ارزیابی کرد. توصیه هماهنگ‌کننده امور اقتصادی سنگاپور به هندوستان برای دستیابی به چنین جایگاهی، «تعامل استراتژیک عمیق‌تر با جهان» و «فعال‌سازی ظرفیت‌های آزاد نشده» بود. به گفته این مقام سنگاپوری، هندوستان برای دستیابی به رشد فراگیر باید از نسخه استفاده شده از سوی چینی‌ها در چند دهه اخیر پیروی کند. نسخه‌ای که به سیاست‌گذاران چینی کمک کرد تا نه تنها قشر فقیر جامعه را به قشر کم‌درآمد تبدیل کنند، بلکه قشر کم درآمد را هم به قشر دارای درآمد متوسط تبدیل کنند. معاون نخست‌وزیر سنگاپور، با اشاره به تفاوت چین و هندوستان در برخورداری از یک جامعه باز، هندوستان را نمونه‌ای دانست که می‌تواند نشان دهد چگونه با یک جامعه باز و یک اقتصاد باز می‌توان نه فقط به رشد سریع دست یافت، بلکه می‌توان به رشد فراگیر برای همه مردم دست یافت.

عمل اوژانسی یا بهبود تدریجی؟

به عقیده دومین مقام اجرایی سنگاپور، دستیابی به چنین پتانسیلی برای هندوستان کاملاً در دسترس است. اما لازمه چنین دستاوردی «تغییرات سریع» است نه «یک سیر تکاملی تدریجی» و هندوستان باید در یک روند سریع اقتصادش را آزاد و روی مردمش سرمایه‌گذاری کند. از سوی دیگر هندی‌ها باید با نیروی اصطکاک از بین برنده انگیزه‌ها که از قوانین و مقررات بوروکراتیک ناشی می‌شود، قاطعانه مقابله کنند. امری که از نگاه معاون نخست‌وزیر سنگاپور به معنای کاهش انگیزه دولت نیست بلکه به

معنای تغییر انگیزه دولت است. در کل دولت در هندوستان بیش از حد در اقتصاد خود مداخله کرده است و کمتر از نیاز روی سرمایه‌های انسانی و اجتماعی سرمایه‌گذاری کرده است. به عقیده «شارمن شانموگراتام»، هندوستان در تنظیم اقتصاد زیاده‌روی کرده اما در سرمایه‌گذاری بر منابع انسانی و اجتماعی کم‌کوشی کرده است. برای دستیابی به همه پتانسیل‌هایش، دولت هندوستان نیاز دارد که در برخی حوزه‌ها کمتر مداخله کند و در حوزه‌های دیگر باید کارهای بسیار بیشتری انجام دهد.

باید از همه قوانین تنظیم دولتی اقتصاد و قوانین مالکیت که سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی را محدود می‌کند و حامی مقامات، نقش آفرینان فعلی به‌جای نقش آفرینان جدید است، دست بکشد. اما مساله تنها در مورد کم‌کاری‌ها نیست بلکه در مورد اقدامات بیش از اندازه است و اینکه از چه انگیزه‌هایی باید الهام گرفت و به حکومت انرژی بخشید. به عقیده مهم‌ترین مقام اقتصادی سنگاپور، هندوستان باید در گام نخست برای احیای زیرساخت‌ها در بخش مسکن برای همه مردم و شهرهایش از طریق بخش خصوصی و دولتی سرمایه‌گذاری کند و باید در اقتصاد دنیای جدید و در توانمندی‌های نوآورانه سرمایه‌گذاری کند، در نظامی برابر سرمایه‌گذاری کند که به شرکت‌ها و افراد کمک‌کننده است و بیشترین تولید را در اقتصاد جدید تکنولوژی‌محور جهان داشته باشد. این به آن معناست که در هریک از این اهداف جدید، یک راه جدید کسب و کار برای دولت است، چیزی که جهان امروز به‌عنوان انگیزه می‌شناسد. اصلاحات، عمل و تغییر باید در همه زمینه‌ها ایجاد شود و این باید خط مشی همه حوزه‌ها باشد. به عقیده این مقام سنگاپوری با توجه به وضعیت اقتصادی هند و برخی دیگر از کشورهای آسیایی در شرایط فعلی، اضطراب بیشتری در انجام امور نیاز است و این اضطراب در حالت عادی در هیچ جای جهان در سیاست مشاهده نمی‌شود، به‌ویژه در جوامع بزرگ اضطراب به‌طور عادی پدید نمی‌آید. به عقیده معاون نخست‌وزیر سنگاپور منشأ بسیاری از مشکلات کنونی در جوامع پیشرفته به تاخیر انداختن راه حل‌ها و زمان دادن به بیماری برای گسترش در تمامی بدنه نظام‌های اقتصادی است.

چهار مختصه رشد ناپایدار

این مقام سنگاپوری در ادامه سخنانش به تجربه سنگاپور از تغییر از یک کشور فقیر به یک کشور معمولی و در نهایت یک کشور «استثنایی» پرداخت. سنگاپور از همان ابتدا هیچ گزینه دیگری نداشت جز اینکه به‌طور اوژانسی وارد عمل شود و با تمرکز بر نتایج به بهبود اوضاع و تغییر خود ادامه دهد. به گفته شانموگراتام «ما در سنگاپور برای ادامه حیات و برای انطباق با جهان باید هر کاری را که در آن مهارت داشتیم انجام می‌دادیم و به ارتقای خود ادامه می‌دادیم و هر بار که به سطحی از دستاوردها می‌رسیدیم، مجبور بودیم به دنبال سطح بعدی باشیم. ما نمی‌توانستیم فقط با شایسته بودن و متوسط بودن به حیات خود ادامه دهیم. ما مجبور بودیم استثنایی باشیم. به گفته این مقام مسوول سنگاپوری، یکی از عوامل به تاخیر انداختن اقدامات اوژانسی در کشورهای بزرگی نظیر هندوستان، این واقعیت است که این کشورها همیشه فکر می‌کنند راه‌حل دیگری برای ادامه حیات موجود است. بنابراین اگرچه ممکن است این کشورها بتوانند با استفاده از ابزار مختلف به حیات خود ادامه دهند، اما تغییرات هرم جمعیتی و شکاف تکنولوژیک در برخی از کشورهای آسیایی نظیر هند، در آینده‌ای نزدیک وضعیت اضطراری را در این کشورها به‌وجود خواهد آورد.

علاوه بر این با توجه به پایین بودن شاخص‌های اولیه توسعه انسانی در برخی کشورها نظیر هندوستان، این کشورها باید این چالش اجتماعی را برای آزادسازی تمام پتانسیل خود استفاده کنند. معاون نخست‌وزیر سنگاپور در ادامه با اشاره به برخی کوشش‌های انجام شده برای افزایش توان اقتصادی هندوستان در دهه‌های اخیر، رشد اقتصادی دو رقمی برای

این کشور را نه تنها یک نرخ رشد تجملاتی ندانست بلکه این نرخ رشد را ضرورتی برای پوشاندن شکاف رفاهی بین مردم هند و جوامع توسعه‌یافته دانست. دومین مقام اجرایی

کشور میلیونی‌های آسیایی، «سهم کم هندوستان در واردات کشورهای آسیایی»، «سهم پایین استخدام رسمی»، «تعداد کم بنگاه‌های بزرگ اقتصادی»، «تغییر محدود و ضعیف در گذار از کشاورزی به سمت تولید و خدمات» را چهار مشکل اساسی اقتصاد هندوستان دانست. مشکلاتی که البته در بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه آسیایی به چشم می‌خورد. به عقیده معاون نخست‌وزیر سنگاپور، مهم‌ترین اقدام در رهایی از صفت «در حال توسعه» و ورود به محدوده «کشورهای توسعه‌یافته»، افزایش شتاب توسعه است.

رشد با ثبات، از طرف عرضه

معاون نخست‌وزیر سنگاپور در ادامه به تشریح پیشنهادهای خود برای برون‌رفت هندوستان از وضعیت اضطراب پرداخت. بر این مبنا هندوستان باید در گام نخست تعامل استراتژیک عمیق‌تر با اقتصاد جهان داشته باشد. این تعامل استراتژیک انرژی محرکه جدیدی را برای هندوستان به بار خواهد آورد، چون اصولاً به تقاضای ربطی ندارد، به تقاضای داخلی در برابر تقاضای خارجی هم ربطی ندارد. به عقیده این مقام مسوول سنگاپوری سازمان‌های بین‌المللی هیچ خدماتی را به ما در جهان نوظهور با تکیه بر تقاضای داخلی به‌عنوان منشأ رشد ارائه نکردند، چون هیچ رشد باثباتی از راه تمرکز بر بازارهای داخلی به‌دست نمی‌آید و هیچ رشد باثباتی از راه تمرکز بر تقاضا به‌دست نمی‌آید. رشد باثبات از عرضه ناشی می‌شود، از کیفیت عرضه و توانایی بهبود مداوم. این چیزی است که به رشد باثبات منجر می‌شود.

این رشد تولید است که رشد درازمدت را به پیش می‌برد نه تقاضا و منطق اصلی باز کردن درهای اقتصاد به روی دنیا منطق تعامل استراتژیک عمیق‌تر با جهان، منطق طرف تقاضا نیست بلکه منطق طرف عرضه است. به گفته معاون نخست‌وزیر سنگاپور یکی از نتایج مستقیم چنین تعاملی بحث یادگیری مداوم و انطباق یافتن مداوم با جدیدترین دستاوردها است. منظور از این یادگیری فقط فناوری مورد استفاده در ماشین‌آلات نیست بلکه موضوع دانش مدیریت، نظام‌های منابع انسانی و آن چیزی است که به آن «دانش ضمنی» می‌گویند نه «دانش صریح» که در کتاب‌های راهنما ارائه شده است. دانش ضمنی آن چیزی است که با مشارکت در اقتصاد جهانی، یادگیری مداوم، به‌روزرسانی مداوم و انطباق حاصل می‌شود و این منطق حقیقی باز کردن درهای اقتصاد به روی جهان است. یکی از نقاط مورد تأکید هماهنگ‌کننده امور اقتصادی نخست‌وزیر سنگاپور، لزوم بازگشایی درهای اقتصادی در تمام حوزه‌ها است.

به گفته این مقام مسوول سنگاپوری، استراتژی تقویت صادرات در یک حوزه و ادامه روند فعلی در سایر حوزه‌ها یک استراتژی محکوم به شکست خواهد بود. چراکه کل مسیری که در آن، امروزه تولید جهانی سازماندهی می‌شود، چیزی که به آن زنجیره ارزش جهانی گفته می‌شود، شامل تعامل بسیار عمیق بین صادرات و واردات در هر فرآیند تولید و همچنین عرضه داخلی است. این تعامل بین صادرات، بین عرضه‌کننده داخلی و صادرکننده و واردات تعاملی پیچیده و عمیق است که امروزه تعریف‌کننده اقتصاد جهانی است. این مقام سنگاپوری در ادامه با اشاره به موفق‌ترین شرکت‌های هندی، نقطه اشتراک این شرکت‌ها را (که برخی از آنها به‌عنوان شرکت‌های پیشرو



سمیه توحیدلو، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی

امین‌الضرب مردی چندبعدی و عمیقاً مذهبی بود. وی وفادار به خانواده و دربار به شمار می‌رفت. تاجری عالی بود که در مواقع مقتضی می‌توانست بی‌رحم باشد. در جست‌وجوی عدالت برای تجار و دفاع از منافع آن طبقه، و بالاتر از همه اینها فردی وطن‌پرست بود که به کشور و راحتی مردم از صمیم قلب علاقه داشت. امین‌الضرب را نمونه‌ای از فعال اقتصادی مؤمن می‌توان شناخت که ماکس وبر در «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» بدان اشاره کرده است.

«تندرستی و تدین و هوش اگر داشته باشی، دولت قرین تو خواهد بود.» جمله بالا بخشی از وصیت محمدحسن کمپانی (امین‌الضرب) به فرزندش محمدحسین است که بعد از او صاحب اموالش و وکیل تجار در مجلس مشروطه شد. حیات او مقارن با سلطنت سه شاه قاجار بود. وی در دوره سلطنت محمدشاه (۱۸۳۴-۱۸۴۸ م / ۱۲۶۴-۱۲۵۰ ق) متولد شد، در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه (۱۸۴۸-۱۸۹۶ م / ۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق) به اوج شهرت خود رسید و در دوره سلطنت مظفرالدین‌شاه (۱۸۹۶-۱۹۰۶ م/ ۱۳۱۳-۱۳۲۴ ق) درگذشت. وی فردی پیچیده، باهوش و با انرژی فراوان بود. در وصیت‌نامه‌اش می‌گوید هرگز استراحت نداشته و دائماً دنبال امور تجاری‌اش می‌دویده یا به شکایت بازرگانان زبردستش رسیدگی می‌کرده است. نامه‌های او از اروپا نشان می‌دهد که در هر زمان آماده معاملات گوناگون در امور متفاوت و حتی بی‌ربط به کارش بوده و تمام جزئیات را به خاطر می‌سپرده است.

امین‌الضرب مردی چندبعدی و عمیقاً مذهبی بود. وی وفادار به خانواده و دربار به شمار می‌رفت. تاجری عالی بود که در مواقع مقتضی می‌توانست بی‌رحم باشد. در جست‌وجوی عدالت برای تجار و دفاع از منافع آن طبقه، و بالاتر از همه اینها فردی وطن‌پرست بود که به کشور و راحتی مردم از صمیم قلب علاقه داشت. امین‌الضرب را نمونه‌ای از فعال اقتصادی مؤمن می‌توان شناخت که ماکس وبر در «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» بدان اشاره کرده است.

شخصیت امین‌الضرب را می‌توان در چند بخش به تصویر کشید:

ویژگی‌های فردی: در بُعد فردی دارای مشخصات و ویژگی‌های یک تاجر قجری است. در واقع می‌توان گفت سبک زندگی اعم از خانه و مساحتش و نوع استفاده از اجناس لوکس و... تمایز زیادی با مردمان اطراف خود ایجاد می‌کرد. به رسم تجار در لباس نیز متمایز و گران می‌پوشید. به ضرورت زمانه به شدت تقیدات مذهبی داشت. در واقع خیرات زیاد، برنامه‌های عزا و مراسم مذهبی در حسینیه‌اش در تمام طول سال و تقید به برخی آداب و عادات مذهبی به پررنگی در زندگی او دیده می‌شده است. چاپ سنگی کتاب «بحارالانوار» در ۲۱ جلد و توزیع رایگان آن در میان مردم به عنوان کاری ماندگار از فعالیت‌های امین‌الضرب در راستای گسترش معارف اسلامی بوده است. در بخشی از وصیت‌نامه‌اش خطاب به فرزندش می‌توان مرام و باور دینی و خیرخواهانه او را دید: «در امورات خیر آنچه قوه داشته باشی به طور مخفی که احدی ملتفت نشود خود

درباره ویژگی‌های شخصیتی امین‌الضرب و جایگاه او در اقتصاد دوران قاجار تجارت با طعم ارمان خواهی

داری نکن. اشخاصی که پیرمرد هستند و فقیر شده‌اند خیلی مراعات کن. در خفا و آشکار از آنها مضایقه نکن... سائل را اگر بتوانی رد نکن. ولو کار به یک پول سیاه باشد. در تعزیه‌داری خامس آل عبا سلام‌الله علیه غفلت و کوتاهی نکن. ایام عاشورا پانصد من به وزن تبریز برنج طعام نموده و به فقرا و طلاب و هرکس که وارد می‌شود بر مجلس تعزیه بده. در عید غدیر همه‌ساله به قدر قوه به فقرا و سادات به طوری که پیشرفت باشد بذل کن... ماه مبارک رمضان همه‌ساله یکصد تومان به طلاب مدرسه‌ها تقسیم کن که شب عید را طعام صرف نمایند... لیکن تند مرو. یعنی اسراف نکن... با کمال آرامی حرکت کن. صبر پیشه کن. خیلی صابر و شکور باش. ابتدا شکایت مکن، هرچه خداوند احدیت پیش می‌آورد او را راضی باش... خودت را به مهلکه نینداز. کارهای زیاد و آرزوهای زیاد اسباب هلاکت است، خانه و زندگی را بر باد می‌دهد. به قدر شعور خودت و دردسترس خودت مشغول کسب باش. همیشه به نان خالی شاکر باش. ابتدا و مطلقاً نزدیک این زرد و سرخ دنیا نرو... همیشه ملاحظه دخل و خرج خودت را بکن. از صبح الی شام ببین چه دخلی داری مقابل آن خرج کن اگر دخل نداری خرج نکن.»

این نصایح یکی از بزرگ‌ترین تاجران دوره قاجار است. چنانچه مطابق فهرستی که از مشخصات عمومی ۷۴ نفر از تجار عمده و یا تجارت‌خانه‌های معتبر کشور در دهه دوم قرن چهاردهم در دست است، ثروتمندترین و معتبرترین تجار حاج محمدحسن امین‌الضرب و برادران تومانیان‌س هستند که سرمایه هرکدام از آنان از دو تا سه میلیون تومان تخمین زده شده است.

ارتباطات: به لحاظ ارتباطات پیوند تجار با روحانیون به عنوان نخبگان مورد رجوع مردم از طریق چهره ظاهری یا واقعی ایشان نسبت به مذهب شکل می‌گرفته و رابطه ایشان با دربار مبتنی بر سرمایه و آورده ایشان بوده که در بسیاری از زمان‌ها نسب و خانواده در تجمیع این سرمایه نیز بی‌نقش نبوده‌اند.

از ویژگی‌های تجار بزرگ در دوران قاجار ارتباط گسترده با روشنفکران و صاحبان اندیشه در آن روزگار است، ارتباطی که از درون آن انقلابی به اهمیت انقلاب مشروطه (۱۹۰۶ م / ۱۳۲۴ ق / ۱۲۸۵ ش) به وقوع پیوست. داشتن سواد در کنار مسافرت‌های متعدد به خارج از کشور و نشست و برخاست با صاحبان صنایع و تجار غربی، ارمان‌شهری برایشان ساخته بود

که در تلاش برای رساندن وطن به آن آرمان‌شهر بودند. امین‌الضرب در اسناد خود زیاد به داشته‌های جماعت غربی و مشکلات تجارت در جامعه ایرانی اشاره کرده است. تجارت در جامعه‌ای که اصلی‌ترین زیرساخت آن را که همان راه است ندارد، همواره مشکلاتی داشته که به چشم آمده و آن قدر بوده که بخشی از سرمایه امین‌الضرب و برخی از تجار بزرگ صرف احداث راه‌آهن و راه شوسه شود، شاید به تجارت ایشان لطمه‌ای وارد نشود و هم در استفاده مردمان مؤثر افتد. در سال ۱۸۸۹ امین‌الضرب راه‌سازی بین آمل - محمودآباد را در دستور کار قرار داد و برادرش به توصیه او ساخت راه بین عشق‌آباد و مشهد را بر دوش گرفت.

بنای روابط خانوادگی در آن دوران و در این خاندان هم به گونه‌ای بوده که محمدحسن کمپانی به عنوان بزرگ خانواده ذی‌صلاح و طرف مشورت فرزندان و دیگر اعضای خانواده قرار گیرد فلذا پسر و برادرانش به توصیه و با مشورت‌های ایشان مشغول به کار شده‌اند.

کار و فعالیت: به لحاظ فعالیت امین‌الضرب را به عنوان اولین فردی که به شکل رسمی ریاست ضراب‌خانه شاهی را داشته (۱۳۰۰ ق) می‌شناسند. تا پیش از آن به‌جز تجارت که صادرات محصولات داخلی و واردات محصولات لوکس را شامل می‌شد، اداره یکی از معتبرترین صرافی‌ها را دارا بوده و براتی که ایشان صادر می‌کرده به مثابه پول نقد در دست افراد جاه‌جا می‌شده است. ویژگی عمده امین‌الضرب داشتن مشاوران و زبردستانی در همه شهرهای کشور بود که بتوانند در ضمانت این بروات نقش بازی کنند. این گسترده‌گی ارتباطات تنها به داخل مرزهای ایران محدود نشده و دامنه تجارت و فعالیت اقتصادی او در بسیاری از کشورها گسترده شده و دارای دفاتری در بیروت و قاهره نیز بوده است.

از ویژگی‌های بارز تجار آن زمان اشتغال به زمین‌داری و داشتن املاک زیاد است. درواقع در دوره‌ای از تاریخ تجار به نوعی مالکان بزرگ زمین نیز شده‌اند. تا جایی که مرسوم بوده تجار بزرگ مالکیت یک یا چند دهکده را داشته باشند. اغلب خرید این زمین‌ها یا به دوران ناصری و یا فروش تیولات شاهی در مجلس اول بازمی‌گشت. امین‌الضرب و فرزندش زمین‌های زیادی را از شاه اتیاع می‌کردند یا اینکه زمین‌ها به جای قروض اشرف و مالکان کوچک در اختیار ایشان قرار می‌گرفته است. از طرفی به دلیل عدم حضور صنایع و پیشه‌های توسعه‌یافته که بتوانند محصولات عمده‌ای برای صادرات داشته باشند، تجار اغلب با صادرات محصولات کشاورزی سرمایه خویش را به دست آورده‌اند، از این روست که برای ایشان نیز داشتن زمین‌هایی در تملک خود که محصولات کشاورزی را عرضه کند جزو اولویت‌ها بوده است.

به مرور در دوران امیرکبیر و اواسط دوران ناصری توجه به صنعت و کمپانی‌های بزرگ به جهت ارتباط بیشتر با غرب شکل گرفت. امین‌الضرب یکی از پیشتازان در زمینه تشکیل صنایع و دنبال کردن صنایع بوده است. ایشان در ابتدا مستقلاً و بعد با همراهی برخی از تجار داخلی برای تاسیس کارخانه‌جاتی اقدام کردند که اغلب به جهت کارشکنی‌های رقبای خارجی که بازار خود را در خطر دیده بودند، به تعطیلی کشیده شد. کارخانه‌جاتی چون چراغ برق، آجرپزی، استخراج معادن عمده، بلورسازی، چینی‌سازی و... را نام برد. امین‌الضرب و تجار بزرگ آن زمان به تجربه از خطر سرمایه‌گذاری صنعتی آگاه شده بودند، همچنین تاسیس کارخانه به آگاهی، دانش و کارشناسی نیاز داشت، بدین طریق خطرهای احتمالی از دست رفتن سرمایه با مشارکت گروهی کاهش می‌یافت. ایشان به زودی دریافتند که برای جلوگیری از ورشکستگی‌های زودرس می‌بایست در تاسیس کارخانه‌جات از شرکای خارجی هم بهره ببرند. این امر هم کمک

به تولید محصول با مواد و نیروی اولیه داخلی می‌کرد و هم در رشد جامعه ایرانی مؤثر می‌افتاد.

دقت زندگی امین‌الضرب پدر با مرگ مظفرالدین‌شاه بسته شد و نتیجه فعالیت‌های خود را برای شکل‌گیری مجلس مشروطه ندید، اما فرزندش محمدحسین همچنان فعال، راه پدر را ادامه داد. فعالیت‌های ایشان بعد از مشروطه نیز در راستای تاسیس شرکت‌هایی مانند شرکت اسلامی به هدف ترویج کالا‌های ایرانی بوده است. در واقع حس وطن‌دوستی این خاندان در کار زیاد و تلاش برای آبادانی جامعه ایرانی خلاصه می‌شده است. در بسیاری از فعالیت‌های پیش و پس از مشروطه تلاش و تعهد امین‌الضرب‌ها در این راستا ستودنی است.

فعالیت‌های اجتماعی: به لحاظ فعالیت‌های اجتماعی امین‌الضرب از جمله تجاری به شکل جزیره‌ای جداافتاده از سایرین نبود و کاملاً با همکاری با دیگر تجار کار می‌کرد. هرچه جامعه‌ای سنتی‌تر و منابع کمیاب گسترده‌گی کمتری داشته باشند، مشارکت و همکاری بیشتری را برای بهره‌برداری از این منابع می‌طلبد. از طرفی نیز حفظ و نگهداری اموال و پایدار ماندن قطب اقتصادی جامعه در برابر شاه که قطب نظامی - سیاسی و حتی اقتصادی به شمار می‌آمد جز با اتحاد تجار میسر نبود. بسته به میزان حساسیت و وطن‌دوستی، تجار در فعالیت‌های جمعی مشارکت داشته‌اند و هم‌بستگی ایشان در برهه‌های مختلف تاریخی به روشنی هویداست.

در اعطای امتیاز رژی در زمان ناصرالدین شاه، بخشی از تجار به همکاری با انگلستان پرداختند و امین‌الضرب نیز در ابتدا قرار به همکاری داشت. اما پس از گذشت زمانی و ورود بخشی از بدنه روحانیت به مبارزه علیه این امتیاز و آگاهی از خسران بخش زیادی از کشاورزان و تجار خرد داخلی، امین‌الضرب به آن دسته از مخالفانی پیوست که مشغول انبار کردن توتون و تنباکو و اختلال در کار کمپانی رژی شدند. ارتباط ایشان با روحانیت و خصوصاً سید جمال‌الدین اسدآبادی در این زمان و پس از آن و دوستی گسترده با ایشان در زمان‌های مختلف به چشم می‌خورد. شرکت عمومی تجاری ترویج متاع و زراعت تنباکو و توتون ممالک ایران را با شراکت ملک‌التجار اصفهانی، ظل‌السلطان و پشتیبانی آقا محمدتقی نجفی در این زمان تشکیل داد.

اتحاد این صنف تنها رمز ماندگاری آنها بود. شاه و ملک‌التجارها که نمایندگان تجاری شاه در ولایات به حساب می‌آمدند در بسیاری از زمان‌ها اموال تجار کوچک‌تر را ضبط می‌کردند و در برقراری عدالت و بازگشت حقوق مادی افراد تعلق می‌کردند. از طرفی در آن دوران وزارت تجاری شکل گرفته بود که وظیفه سرکبسه‌کردن تجار را به بهانه‌های مختلف داشت. در واقع نهاد رسمی تجارت به پشتوانه شاه کوچک‌ترین ارزشی برای تجار ایرانی قایل نبودند و حتی در وضع قوانین و مقررات مالی نیز به تجار خارجی سهل‌تر گرفته می‌شد و دست ایشان بازتر بود. آن قدر که برخی از تجار برای فرار کردن از عوارض و وجوه مالیاتی وضع‌شده تبعیت کشورهای دیگر را می‌پذیرفتند که بتوانند برای ورود و خروج اجناس به داخل کشور کمتر با مشکل روبه‌رو شوند.

همین عوامل باعث شد که تجار تهران یکدیگر را به تاریخ ۷ شوال ۱۳۰۱ ق / ۳۱ ژوئیه ۱۸۸۴ ملاقات کردند و از میان خود ۱۰ نماینده برای مجلسی که «مجلس وکلای تجار» نامیده می‌شد، انتخاب کردند. با همین نام و همان کارکرد شعبه‌هایی نیز در ایالات انتخاب شد. امین‌الضرب یکی از رؤسای این مجلس به شمار می‌رفت. «مجلس وکلای تجار نخستین تجمع گروهی تجار برای بهره‌گیری از امتیازات اقتصادی - سیاسی بود. در این مرحله تجار به نوعی آگاهی طبقاتی دست یافتند و به ضرورت



تسهیل سرمایه‌گذاری با اجرای طرح توسعه منطقه‌ای

سیدحسین سلیمی،
عضو هیئت مدیره انجمن مدیران صنایع ایران

او اطلاعات کافی داده شود تا بدانند این استان مکان مناسبی برای تولید مورد نظر او نیست. اطلاعات خارجی‌ها در این زمینه‌ها بسیار ضعیف است و هرچه بیشتر به آن‌ها اطلاعات داده شود، به جذب سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری درست آن‌ها کمک می‌کند که نهایتاً منجر به توسعه منطقه‌ای می‌شود.

در زمینه صادرات نیز اجرای این طرح می‌تواند نتایج خوبی به همراه داشته باشد. امروزه ارتباط برخی مناطق با خارج از کشور به دلیل واقع شدن در نقاط مرزی آسان‌تر از دیگر مناطق است. لذا وقتی تولیدکننده‌ای قصد تولید کالاهای سنگین یا حجیم را دارد، بهتر است این تولید در مناطق نزدیک به قطار یا در مرزهای زمینی و هوایی انجام شود تا هزینه انتقال آن به خارج کاهش یابد.

یکی از معضلات ایران برای رقابت در صادرات ضمن پایین بودن بهره‌وری، موضوع مکان‌سنجی است. می‌بینیم که به دلایل مختلف، واحدی در مکانی تأسیس می‌شود و به دلیل هزینه حمل‌ونقل که به تولیدکننده تحمیل می‌شود، قیمت نهایی محصول بالا رفته و در نتیجه قدرت رقابت با محصولات خارجی کاهش می‌یابد. بعضاً گفته می‌شود کالاهای ایرانی قابلیت رقابت با کالاهای خارجی را ندارند که این امر گاهی به دلیل هزینه‌های سنگین حمل‌ونقل تحمیل شده به تولیدکنندگان و صادرکنندگان است. مثلاً وقتی کالایی در تهران تولید می‌شود، ابتدا باید هزینه حمل آن به بندرعباس پرداخت شده و سپس با کشتی به مقصد موردنظر منتقل شود.

نهایتاً می‌توان گفت اگر طرح منطقه‌بندی و توسعه منطقه‌ای با برنامه‌ریزی پیش برود، می‌تواند مزایایی برای تمام استان‌ها به همراه داشته باشد.

طرح توسعه منطقه‌ای چندی است که از سوی اتاق ایران کلید خورده که منطقه بندی اتاق‌های استانی، یکی از روش‌های نیل به این هدف است و می‌توان از جمله مزایای اجرای این طرح به چند نمونه اشاره کرد: اولین مزیت آن به بحث سرمایه‌گذاری‌ها مربوط می‌شود. اطلاعات کافی از هر استان و امکانات آن، یکی از نیازهای توسعه صنعتی است و با در اختیار داشتن این اطلاعات، می‌توان افرادی را که قصد سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف دارند به استان مرتبط و دارای آن مزیت اقتصادی راهنمایی کرد. این‌گونه در وقت سرمایه‌گذاران صرفه‌جویی می‌شود تا نخواهند با آزمون و خطا، مکان مناسب برای سرمایه‌گذاری مورد نظر خود را پیدا کنند. مثلاً در بحث انرژی‌های خورشیدی، این ظرفیت به دلیل کافی بودن اشعه آفتاب در جنوب ایران متمرکز شده است. یا مثلاً اگر کسی علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در پیست اسکی باشد، باید در شمال غرب کشور که زمستان‌های سرد دارد سرمایه‌گذاری کند.

از سوی دیگر می‌بینیم که اکثراً افراد برای پیدا کردن شغل به طرف مرکز نقل مکان می‌کنند، در حالی که مشکل کار و مسکن در تهران چه بسا بیشتر از شهرهای دیگر است. اگر منطقه‌بندی انجام شود، می‌توان استان‌هایی را که امکان توسعه صنعتی و ساختمان‌سازی دارند شناسایی کرد تا از این طریق، به جای اینکه مسکن‌سازی در حاشیه تهران بیشتر شود یا افراد برای اشتغال‌زایی به تهران بیایند، در همان منطقه اشتغال‌زایی شده و مسکن ساخته شود. لذا طرح منطقه‌بندی اتاق‌های استانی باعث راهنمایی سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان برای انتخاب‌های درست‌تر می‌شود.

مخصوصاً این طرح برای سرمایه‌گذاران خارجی بسیار مفید است. احتمالاً سرمایه‌گذاران داخلی اطلاعات کلی از استان‌های مختلف و ظرفیت‌های آن داشته باشند و بدانند کجا سرمایه‌گذاری کنند. درحالی‌که سرمایه‌گذار خارجی این اطلاعات کلی را ندارد. مثلاً وقتی یک خارجی می‌خواهد در سیستان بلوچستان که هوای گرمی دارد، بخاری تولید کند باید به

حساب می‌آید.

مجلس اول به‌جز لوایح اقتصادی، انواع امتیازهای صنعتی، کم کردن درآمد شاه و دربار، لزوم فروش تیول به مردم و... دو سرفصل مهم را دنبال کرد. اول تشکیل بانک ملی و دوم حمایت از تشکیل شرکت‌های اسلامی. نبود بانک داخلی و حضور مستقر انگلیس و روسیه از طریق دو بانک شاهی و استقراضی در معاملات مالی ایران دلیلی بود که امین‌الضرب پدر در سال ۱۸۷۹ م پیشنهاد تشکیل بانک ملی را به شاه داد که با نفوذ دول خارجی با موفقیت روبه‌رو نشد. پس از مشروطه به فرمان مجلس این بانک شکل می‌گیرد و داستان‌های زیادی از حضور و مشارکت مردم و تجار برای شکل‌گیری و فراهم آوردن سرمایه اولیه در تاریخ نقل شده است. امین‌الضرب (پسر) و تجار بزرگ بخش زیادی از این سرمایه را تأمین کردند.

از طرفی تجار بعد از مشروطه دریافتند در کارخانه‌داری و صنعت یک دست صدا ندارد و شروع کردند به کار جمعی و شریکی کردن. حتی از برخی از شرکای خارجی برای شکل دادن به صنعت کمک گرفتند. به جهت حضور روزافزون کالای خارجی با قیمت‌های پایین‌تر امکان سرپا ایستادن کالای داخلی اندک بود. یکی از تلاش‌های عمده تجار در این زمان تشکیل شرکت‌های اسلامی و شرکت‌هایی برای تقویت و رونق کالای داخلی بود. شرکت‌هایی که حتی با کمک به محصولات داخلی امکان صادرات آنها را مهیا می‌ساخت. فرش از جمله این کالاها بود که به جهت مشکلات در صادرات و ضعف در ارائه در رقابت با برخی از کشورهای عقب افتاده بود. از طرفی دیگر کمپانی‌های توتون و تنباکو نیز که بعد از رژی تا حدودی در اختیار تجار قرار گرفته بود در این زمان برای پرپار کردن محصولات داخلی و قابل رقابت شدن با مشابه خارجی به کار گرفته شدند. امین‌الضرب یکی از پایه‌های اساسی تشکیل این شرکت‌ها بود.

فروش تیول در مجلس اول عاملی شد که بخش زیادی از تجار در این زمان تبدیل به زمین‌داران بزرگ شوند. آن‌قدر بر کمیت زمین‌داران بزرگ افزوده شد که برخی از تجار پیشین به زمین داری شناخته شدند و نسبت نمایندگان زمین‌دار از ۲۱ درصد در دوره اول به ۳۰ درصد در دوره دوم رسید. به همین نسبت تا دوره پنجم (آخرین مجلس در دوران قاجار) نقش تجار کم شد و به نصف تقلیل یافت. جای آنها را زمین‌داران گرفتند.

به هم ریختگی بازار و نبود رابطه خوب بین تجار با انجمن‌های ایالتی ولایتی که بعد از مشروطه تشکیل شد، نیز عاملی برای روی گردانی تجار از مشروطه شد. از طرفی استبداد صغیر نیز فضایی ایجاد کرد که بعد از محمدعلی‌شاه نیز نقش تجار در معاملات سیاسی روز کمتر و کمتر شد. بعد از به توپ بستن مجلس یکی از وکلایی که به سفارت پناهنده شد و تمام املاک او ضبط شد محمدحسین امین‌الضرب بود. خاندان امین‌الضرب (پدر و پسر) در دو دوره تجربه قهر شاه و تبعید را داشتند. یک بار در دوره ناصرالدین‌شاه بعد از تحریم استعمال توتون و تنباکو، امین‌الضرب پدر به قهر شاه دچار شد و مدتی تبعید بود و یک بار بعد از استبداد صغیر و در هردو مورد بخش زیادی از اموال این خاندان از دست ایشان خارج شد.

جریان سریع تحولات سیاسی ایران پس از استبداد صغیر و تبدیل ایران به یک منطقه جنگی و از دست رفتن استقلال آن به خاطر مزدور بودن طبقه حاکم موجبات انهدام و تخریب صنایع را فراهم ساخت. یکی از نمونه‌های بارز این وضع سرنوشت امین‌الضرب بود. مثال او سقوط بورژوازی نوظهور ایران را که درصدد سرمایه‌گذاری قسمتی از سرمایه خود در صنایع ملی بود نشان می‌دهد.

حمایت از منافع مشترک خود در مقابل هجوم سرمایه‌های خارجی پی بردند. علاوه بر این تعدی حکام ایالات و عدم وجود قوانین اجتماعی در حمایت از سرمایه موجب ضرورت ایجاد تشکلی غیردولتی شد که به گونه‌ای آمادگی اعتراض سیاسی - اجتماعی جمعی را در تجار فراهم ساخت. تجار از ناصرالدین شاه می‌خواستند که وزارت تجار را در اختیار فردی با ویژگی‌های زیر قرار بدهد: متدین، بی‌طمع، بی‌غرض، مستغنی و مقتدر. اهداف کلی مجلس مطابق فصول اساس نامه آن عبارت بود از: امنیت مالی، ایجاد یک دفتر برای ثبت دارایی‌ها و مستغلات، ایجاد یک بانک ایرانی کوچک، حمایت از منافع تجار محلی در مقابل بازرگانان خارجی و افزایش صادرات و هم‌زمان جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی غیرضروری خارجی.

بررسی دقیق‌تر اساس‌نامه مجلس و تقاضای تجار نه تنها وضع اقتصادی عمومی را در کشور بیکاری، فقر و قحطی نشان می‌دهد، بلکه فقدان سیستم بوروکراسی در کشور و خشونت قدرت‌های محلی علیه بازرگانان را نیز نمایان می‌سازد. درخواست تجار مبنی بر امنیت مالکیت نشان‌دهنده مصادره دلخواه اموال مردم است. تقاضایشان برای عدم جعل اسناد برای اینکه وارثین حقیقی صاحب آن شوند، نشان می‌دهد که بعد از مرگ اشخاص وصیت‌نامه‌ها، برای گرفتن مالکیت از وارثین حقیقی جعل می‌شده است. علاوه بر آن تقاضایشان برای محترم شمردن حقوق بازرگانان ایرانی توسط بازرگانان خارجی نشان می‌دهد که بازرگانان خارجی از غفلت و عدم آگاهی تجار ایرانی بهره‌برداری می‌کردند.

اما به واقع این مجلس ضمانت اجرایی نداشت. حوزه اختیارات گسترده مجلس وکلای تجار با اقتدار حکام تصادم کرد و آنان را به مقابله با فعالیت‌های مجلس برانگیخت. از طرفی یکی از ویژگی‌های این مجلس که تشکیل یک مجمع داور و قضاوت در اختلافات مالی بود با اختیارات روحانیون در تشکیل دادگاه‌های شرع در تضاد قرار گرفت و بدین ترتیب علاوه بر حکام برخی از روحانیون که خود دارای تشکیلات اقتصادی و بعضاً زمین‌دار بودند نیز به مجلس معترض شدند و خواهان لغو این قوانین و سپردن آن وظایف به روحانیون بودند. بی‌تردید قانون‌خواهی، تظلم‌طلبی و حساسیت تجار در ایجاد عدالت‌خانه در بیست و اندی سال بعد (مشروطه) از اینجا سرچشمه می‌گیرد.

در مرحله دوم امین‌الضرب در سال ۱۳۰۵ اقدام به تأسیس اتاق تجارت کرد. اتاقی برای تجمع تجار و جمع‌آوری اطلاعات در بین ایشان. امین‌الضرب به لزوم نهادهای شدن و تشکیلاتی شدن فعالیت تجار برای تقویت در مقابل شاه پی برده بود و بخش زیادی از فعالیت‌های ایشان درواقع تأسیس نهادهایی برای جانداختن یک کار و فعالیت جمعی یا اقتصادی بر زمین‌مانده بود. ترغیب تجار برای حضور در نمایشگاه‌های خارجی، تبادل نظر برای راه‌یابی به بازارهای بین‌المللی، و آشنایی با شیوه‌های توسعه تجارت همگی جزو اهداف این نهاد جدید به شمار می‌آمد.

به ظاهر این فعالیت نیز چون مجلس ادامه‌دار نشد اما زمینه‌ای شد تا در جریان انقلاب مشروطه تجار از عوامل اصلی دخیل و پشتیبان مشروطه شوند و سه‌گانه روشنفکران - روحانیون - تجار به خوبی تا امضای فرمان مشروطیت پیش رفت. تمام تاریخ بست‌نشینی‌های پیش از مشروطه مملو از حضور سرشناسان تجار بوده. امین‌الضرب پدر در اعتراضات پیشینی مجلس حضور داشت اما مرگ وی عاملی شد تا در مجلس اول فرزندش محمدحسین یکی از نمایندگان پرکار تجار باشد. وی بیش از ۱۱۷ نطق در مجلس داشته و مجلس اول به دلیل فعالیت زیاد و مؤثر تجار یکی از اقتصادی‌ترین مجالس در پنج دوره مجلس شورای ملی در زمان قاجار به



ایران و آسیا؛ یک تعامل برد - برد مروری بر کسب و کار، اقتصاد و فرصت های سرمایه گذاری در ایران

دکتر مسعود نیلی

آسیا با هدف صادرات به بازارهای منطقه مطرح شود. در اقتصاد ایران به دلیل دسترسی به منابع انرژی و مداخله دولت در قیمت گذاری، شاخص شدت انرژی جزو مقادیر بالا در جهان محسوب می شود. از این رو، برنامه ویژه ای برای طرح های بهینه سازی مصرف انرژی در نظر گرفته شده و تاکنون بالغ بر ۲۳ میلیارد دلار پروژه های بهینه سازی مصرف انرژی در ایران به تصویب رسیده که با توجه به شکل اجرایی آن می تواند بستر مناسبی برای سرمایه گذاری خارجی با ریسک پایین باشد.

علاوه بر موارد یادشده، مزیت جغرافیایی در کنار امنیت و سرمایه گذاری های قابل توجهی که در زیرساخت های IT و حمل و نقل صورت گرفته، ایران را به مسیری مطمئن برای کریدورهای قاره آسیا تبدیل کرده و کشور ما به دنبال آن است تا نقشی فعال تر در کریدورهای حمل و نقل از جمله پروژه جاده ابریشم جدید ایفا کند. هم چنین بخش گردشگری از جمله حوزه های دیگر جذاب در سرمایه گذاری خارجی است که علاوه بر آثار و اماکن دیدنی جذاب، برخورداری از خدمات بهداشت و درمانی یا گردشگری سلامت را نیز شامل می شود.

جمع بندی

ما بر این باوریم که توسعه در انزوا صورت نمی گیرد و بدون استفاده از ظرفیت ها و فرصت هایی که اقتصاد جهانی فراهم می کند، نمی توان به تحقق رشد پایدار اقتصادی امیدوار بود. طی ۴ سال گذشته دولت ایران توفیقات چشم گیری در ایجاد ثبات اقتصاد کلان، کنترل تورم و پیش بینی پذیر کردن نرخ ارز به دست آورده و مسیر پیش روی اقتصاد ایران، تداوم و بهبود سیاست های صحیح اتخاذ شده طی این مدت و توجه به چالش های پیش رو در مسیر دستیابی به رشد ۸ درصدی است. به منظور تحقق این میزان رشد، ایران توجه ویژه ای به تعامل با کشورهای آسیایی دارد. دستیابی به این ظرفیت نیازمند تغییر ذهنیت، همکاری نزدیک در کشورهای آسیایی و تعریف حوزه های تجاری و سرمایه گذاری است که برای هر دو طرف انتفاع قابل ملاحظه ای به همراه خواهد داشت.

تصویری از وضعیت کنونی اقتصاد جهان

به دلیل رشد بالای اقتصادی در منطقه آسیا طی چند دهه ی گذشته، ترکیب جغرافیایی تولید ناخالص داخلی جهان دگرگون شده است. با رشد سریع اقتصادی در کشورهای آسیایی به ویژه کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا، سهم این قاره از تولید ناخالص داخلی طی سال های دهه ۱۹۸۰ میلادی تاکنون از حدود ۲۰ درصد به حدود ۴۰ درصد، افزایش یافته است. افزون بر این در طول دهه گذشته، این منطقه، حدود ۱۰ درصد سهم بیشتری از تجارت جهانی کالا پیدا کرده است. همچنین با شکل گیری مازاد مالی حاصل از تجارت کالا، خدمات و انرژی و نیز توسعه نهادهای مالی، اکنون این منطقه به عنوان قطب جدید مالی جهان نیز مطرح است. این مزیت های کلیدی در حالی شکل گرفته که اکنون در منطقه اروپا و آمریکا به دلیل تحولات اقتصادی و سیاسی صورت گرفته، خوش بینی گذشته نسبت به تداوم رشد تجارت وجود نداشته و به نظر می رسد، در این کشورها سیاست های حمایت از اقتصاد داخلی و افزایش درون گرایی، طرفداران موثری پیدا کرده است.

اقتصاد ایران و ظرفیت های گسترده

در این میان برخی از کشورهای آسیایی نظیر ایران، دارای اقتصادهایی بکر و دست نخورده هستند و متناسب با ظرفیت رشد قابل توجه خود، عملکرد درخوری به ثبت نرسانده اند. طی ۱۵ سال اخیر، با سرمایه گذاری های صورت گرفته در آموزش عالی، تعداد افراد با تحصیلات دانشگاهی در کشور حدوداً ۳ برابر شده است. این شرایط سبب شده که نیروی کار تحصیل کرده و با مهارت در مقایسه با سایر کشورها ارزان تر شده که این برای ایران مزیت قابل توجهی قلمداد می شود.

اقتصاد ایران از نظر منابع انرژی و جغرافیایی نیز حائز مزیت است و از نظر مجموع منابع نفت و گاز، دارنده رتبه نخست در جهان به شمار می رود. بر این اساس، ایران به دور از ناامنی ها و چالش های منطقه، می تواند با سرمایه گذاری و افزایش قابل توجه تولید انرژی به عنوان شریک تجاری مطمئن برای اقتصادهای قدرتمندی نظیر چین، هند، ژاپن و اندونزی، انرژی مورد نیاز این کشورها را تأمین کند. ضمن این که کشور ما می تواند به عنوان بستری مناسب به عنوان بخشی از زنجیره تولید کشورهای شرق



دیپلماسی اقتصادی بدون ارتباط سیاسی، نمی شود

مهدی تقوی / کارشناس اقتصادی

ممکن نیست به طور مثال، در شرایطی که با عربستان ارتباط سیاسی مناسبی نداریم نمی توانیم تجارتی با این کشور داشته باشیم یا این که وقتی ارتباط سیاسی مناسبی با عراق داشته باشیم به طور حتم از لحاظ دیپلماسی اقتصادی موفق تر خواهیم تازمانی که ارتباط سیاسی مناسبی نداشته و یا توقع داشته باشیم ارتباط اقتصادی و تجارت مناسبی با سایر کشورهایی که فاقد ارتباط سیاسی مناسبی با ایران هستند داشته باشیم. برای کسب بازارهای هدف باید دیپلماسی اقتصادی و سایر ارتباط سیاسی را در نظر گرفت در غیر این صورت نمی توان تجارت مناسبی با سایر کشورها برقرار کرد.

اگرچه فقط دیپلماسی اقتصادی می تواند حرف اول را در برقراری روابط تجاری برپا و مناسب بزند اما نباید از نظر دور داشت که تلاش برای پیشرفت اقتصادی در کشورها نیز نسبت به دیپلماسی اقتصادی از اهمیت کمتری برخوردار نیست.

به طور مثال، در گذشته چین نه تنها اقتصاد قوی نداشت بلکه یکی از کشورهای توسعه نیافته محسوب می شد اما امروز به عنوان یک غول اقتصادی مطرح است که بازارهای جهان را در مشت خود دارد و در کنار این پیشرفت اقتصادی با دیپلماسی سیاسی و اقتصادی و ورود دولت به عنوان حامی اصلی بخش خصوصی، این کشور توانسته از لحاظ اقتصادی درهای موفقیت را برای خود بگشاید.

همچنین کشور چین با کارگر ارزان و بهره وری بالا با استفاده از منابع ارزان داخلی و فناوری غرب توانسته جایگاه اقتصادی خود را در دنیا تثبیت کند.

فارغ از همه آن چه که گفته شد؛ می توان ترکیه را مقابل چین قرار داد. ترکیه دارای اقتصاد خوبی است و در سال های گذشته ثابت کرد که می تواند بازارهای هدف بسیار قوی کسب کند اما در دوره ای از لحاظ سیاسی رفتارهایی از خود بروز داد که پیامدهای آن نه تنها در زمان فعلی بلکه در آینده هم گریبانگیر او شده است. در واقع می توان به این امر توجه ویژه داشت که دیپلماسی اقتصادی و سیاسی و همچنین رشد اقتصادی کشورها می تواند منجر به موفقیت آنها در بازارهای بین المللی شود.

با در نظر گرفتن فرآیند جهانی شدن و تحولات ناشی از آن، می توان گفت که امروز کشورها نمی توانند خود را بی نیاز از علم، فناوری و سایر دستاوردهای تمدن جدید بشری بدانند.

هر چقدر تلاش کشوری برای دستیابی به دستاوردهای علمی و فناوری بیشتر شود، به همان نسبت جایگاهش در نظام بین الملل نیز ارتقا خواهد یافت.

فرآیند جهانی شدن و به ویژه جهانی شدن در عرصه اقتصادی باعث شده تا کشورهایی که دغدغه توسعه و پیشرفت دارند، به مولفه های اقتصادی که نقش اساسی در افزایش قدرت ملی دارد توجه جدی داشته باشند.

با وجود اختلاف نظرهایی که درباره نوع و میزان تاثیر جهانی شدن وجود دارد، بدیهی است جهانی شدن و به ویژه جهانی شدن اقتصاد واقعی غیر قابل انکار است و این مسئله مفروض پژوهش حاضر است.

امروز اقتصاد جهانی در حال تبدیل شدن به یک واحد همگرا است. نتیجه چنین وضعیتی این است که امکان نظم بخشیدن به اقتصاد کشورها در چارچوب ملی تضعیف و نظام جهانی اقتصاد جایگزین آن می شود.

حتی نظریه پردازان جدید ملی گرا نیز با تمام انتقادی که به این مسئله دارند، بر این باور هستند که «جهانی شدن اقتصادی» به معنای وابستگی متقابل تشدید شده بین اقتصادهای ملی است.

جهانی شدن اقتصاد به معنای تغییر کیفی محصولات برای حرکت به سوی اقتصاد جهانی است که دیگر بر مبنای اقتصادهای ملی خودمختار قرار ندارد بلکه بیشتر بر مبنای بازار جهانی منسجم تولید، توزیع و مصرف واقع است

جهانی شدن از سوی چند عامل حرکت می کند و مهم ترین آن تغییر فناوری است که با کمک رقابت اقتصادی مداوم بین شرکت ها به پیش می رود. تصمیم هایی که از سوی دولت ها گرفته می شود از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

کشورها، بدون دیپلماسی اقتصادی دیگر امکان توسعه و پیشرفت خودکفا و مستقل از جهان خارج را نخواهند داشت. در این شرایط؛ رقابت اقتصادی جهانی خواهد شد و واحدهایی در این رقابت پیروز می شوند که به بازارهای جهانی توجه بیشتری داشته باشند.

به طور حتم دیپلماسی اقتصادی بدون در نظر گرفتن ارتباطات سیاسی



دیتریش ماتسیتس، میلیاردر خودساخته فهرست بلومبرگ است که با ۱۱.۳ میلیارد دلار ثروت در رده ۱۰۹ ثروتمندان جهان ایستاده. ماتسیتس اهل اتریش است و یکی از بنیان‌گذاران شرکت تولید نوشیدنی‌های انرژی‌زای ردبول.

شعار «ردبول به شما بال می‌دهد» را اگر کسی نشنیده باشد به این معنی است که نمی‌توان او را مخاطب رسانه به حساب آورد. نام بزرگ‌ترین شرکت تولیدکننده نوشیدنی های انرژی زا را تقریبا همه با همین شعار به ذهن سپرده اند. اما بال‌های واقعی این نوشیدنی نصیب صاحبان شرکت شده، از جمله دیتریش ماتسیتس، بنیان گذار ۷۲ ساله آن که حالا جزو میلیاردرهای صاحب‌نام جهان است. این شرکت اتریشی که دفتر مرکزی آن در شهر سالزبورگ قرار دارد در سال ۲۰۱۶ بیش از ۶ میلیون قوطی از محصولاتش را فروخت و درآمدی در حدود ۶.۶میلیون دلار برای خود به ثبت رساند. نام ردبول حالا با تبلیغاتی که در مسابقات فوتبال و رقابت‌های اتومبیل‌رانی فرمول یک انجام می‌شود عجین شده.

دیتریش در سال ۱۹۴۴ در شهر سنت مارین در اتریش به دنیا آمد، والدینش هردو معلم ابتدایی بودند و زمانی که او هنوز به سنین نوجوانی نرسیده بود از هم جدا شدند. او در دانشکده اقتصاد و کسب‌وکار وین تحصیل کرد و ۱۰ سال از عمرش را به مطالعه در خصوص تجارت گذراند و از طریق مربیگری اسکی خرج تحصیلش را پرداخت. پس از اینکه در سال ۱۹۷۲ فارغ‌التحصیل شد، یک دهه به عنوان بازاریاب محصولات شرکت یونیلور (مالک نام‌های تجاری در زمینه موادغذایی،

نوشیدنی، محصولات بهداشتی) و شرکت آلمانی تولید خمیرندگان بلنداکس کار کرد.

دهه ۸۰ پی به وجود محصولی برد که از آنجا به بعد زندگی‌اش را تغییر داد. سال ۱۹۸۲ بود که کشف کرد یک کنستانتره انرژی‌زای تایلندی وجود دارد که توسط فردی به نام چالئو یوویدهیا و با لیسانس تایلندی شرکت بلنداکس تولید می‌شود، نام محصول کربیتینگ داننگ بود، معنایش می‌شد: گاو سرخ (ردبول). از همان زمان بود که یوویدهیا تبدیل شد به شریک تجاری ماتسیتس، دو شریک نفری ۵۰۰ هزار دلار سرمایه‌گذاری کردند و دو سال بعد برند ردبول خلق شد، هریک صاحب ۴۹ درصد از سهام شرکت شدند و قرار شد تا یک در صد باقی مانده در اختیار بسر یوویدهیا باتسد. بنا بر توافق، ماتسیتس مدیریت شرکت را بر عهده گرفت و کار تولید از سال ۱۹۸۷ در اتریش آغاز شد.

حامی خطر و هیجان

در طول سال‌های بعد ردبول کم‌کم تبدیل به برندی جهانی شد و رفته‌رفته به خاطر حمایتش از رخدادهای بزرگ ورزش‌های مخاطره‌آمیز اسمی به هم زد. در سال ۱۹۹۹ تیم آکرویات هوایی با نام گاوهای پرنده در سالزبورگ بنیان گذاشته شد و چهره ردبول را به عنوان حامی ورزش‌های استقامتی، مخاطره‌آمیز و مسابقات فرمول یک تکمیل کرد. یکی از دلایلی را که باعث شد تا ردبول هوانوردی را به یکی از نمادهای تبلیغاتی‌اش تبدیل کند شاید بتوان علاقه شخصی ماتسیتس دانست، او گواهی‌نامه خلبانی دارد و صاحب مجموعه‌ای از هواپیماهای تاریخی متعلق به نسل‌های مختلف صنعت پرواز است که آنها را در

آشیانه‌ای در فرودگاه سالزبورگ نگاه می‌دارد.

رابطه میان ردبول و ورزش بسیار فراتر از حمایت تبلیغاتی است. در سال ۲۰۰۵ این شرکت، تیم مسابقات اتومبیل‌رانی فرمول یک ردبول را تشکیل داد که در فاصله سال‌های ۲۱۰ تا ۲۰۱۲ موفق شد سه دوره متوالی عنوان‌های جهانی این مسابقات را از آن خود کند. این شرکت دست به خرید تیم‌های ورزشی دیگری هم زده است از جمله خرید یک تیم در لیگ دسته یک فوتبال نیویورک و همچنان به حمایت و شرکتش در ورزش‌های مخاطره‌آمیز مانند اسکیت روی یخ و پرش از صخره ادامه می‌دهد. تا سال ۲۰۱۳ شرکت ردبول دامنه کارش را به عرضه محصولات در ۱۶۶ کشور توسعه داد، این شرکت به صورت میانگین سالانه ۵ میلیون قوطی از نوشیدنی‌هایش را به فروش می‌رساند. چالئو یوویدهیا، شریک ماتسیتس در سال ۲۰۱۲ درگذشت و ۴۹ درصد سهمش از شرکت ردبول به خانواده‌اش به ارث رسید. در همان سالی که او درگذشت، ردبول پس از کسر مبلغی که صرف حمایت از رشته‌های مختلف ورزشی شده بود و تبلیغات مختلف در رویدادهایی از جمله پرش فضایی که به صورت زنده پخش شد، مبلغی بالغ بر ۹۷ میلیون دلار به ماتسیتس پرداخت. او در همان سال مبلغ ۹۲ میلیون دلار صرف حمایت از تحقیقات مربوط به حوزه آسیب‌های نخاعی کرد. ماتسیتس صاحب جزیره‌ای در فیجی است که در سال ۲۰۰۶ آن را به مبلغ ۱۳ میلیون دلار خرید و ۳۰ میلیون خرج کرد تا جزیره‌اش را تبدیل به یک جزیره استراحتی و تفریحی کند. ارزش جزیره توسط معروف‌ترین شرکت خرید و فروش جزایر شخصی معین شده است، شرکتی که صاحبش با نام فرهاد ولادی، شهروند آلمان (فرزند پدری ایرانی و مادری آلمانی) مشهورترین مشاور این حوزه شناخته می‌شود. ردبول چگونه به اوج رسید؟

نشریه بیزینس اینسایدر نگاهی انداخته است به کسب‌وکار موفق شرکت ردبول و تلاش کرده تا توضیح دهد این شرکت چگونه به چنین موفقیتی دست پیدا کرده است:

• کربیتینگ داننگ که پایه اولیه شکل‌گیری ردبول بود یک نوع نوشیدنی انرژی‌زای بدون گاز بود متشکل از: آب، نیشکر، کافئین، تورین، اینوزیتول و ویتامین‌های B. این نوشیدنی بر اساس نوع مشابهی که در ژاپن و کره جنوبی تولید می‌شد در تایلند عرضه شد.

• قبل از اینکه کار رسمی ردبول آغاز شود، ماتسیتس یک شرکت مشاوره تحقیقات بازار را به کار گرفت کرد تا میزان آمادگی برای پذیرش برند ردبول را ارزیابی کند. نتیجه کار فاجعه‌بار بود. خود او بعدها با خنده از این رخداد یاد کرد: «مردم طعم نوشیدنی را قبول نداشتند، برند را نمی‌شناختند و لوگو برایشان ناآشنا بود، تا آن موقع چنین فاجعه‌ای در زندگی‌ام ندیده بودم.» اما با وجود تمامی مخالفت‌ها و توصیه‌هایی که به او شد کارش را ادامه داد.

• ماتسیتس به همراه شریکش از شرکت دارویی TCBG کمک گرفتند تا محصولشان را برای عرضه در بازار کشورهای غربی مناسب کنند. در سال ۸۹ ردبول در کشورهای نزدیک مانند مجارستان و اسلووونی عرضه شد اما تا سال ۱۹۹۷ نتوانست وارد امریکا شود.

• آنچه باعث تفاوت برند ردبول شده نحوه تبلیغات آن است. این شرکت

از فرم‌های گوناگون برای کار تبلیغات استفاده می‌کند و بر استفاده از نامش تاکید ویژه‌ دارد، آن‌قدر که دیگر سخت می‌شود رویداد مهم ورزشی‌ای را پیدا کرد که لوگوی این شرکت در گوشه و کنار آن دیده نشود. از حمایت از مسابقات هوانوردی و هلیکوپترسواری گرفته تا ورزش‌های مخاطره‌آمیز، حالا نام ردبول با قدرت و سرعت مترادف شده است. همین است که میان خریداران جوان در سراسر جهان بسیار پرطرفدار است. تبلیغات شرکت به آنها القا می‌کند که اگر ردبول بنوشید، متفاوت، غیر قابل پیش‌بینی و بااعتماد به نفس دیده می‌شوید.
• هر قوطی ردبول تقریبا دو برابر یک قوطی کوکاکولا قیمت دارد و دلیل این تفاوت قیمت به خاطر گران بودن مواد اولیه نیست، دلیلش علاقه این شرکت به متفاوت بودن است. ردبول می‌خواهد با همه نوشیدنی‌های غیرالکلی دیگر متفاوت باشد و از آنجا که ادعا دارد این نوشیدنی حامل فاکتورهای انرژی‌زا است می‌تواند این تفاوت قیمت را توجیه کند.

• هر از گاهی ردبول مجبور شده است تا با دعواهای حقوقی در خصوص تاثیر محصولاتش بر سلامت دست و پنجه نرم کند. این نوشیدنی مدتی در فرانسه، دانمارک و نروژ ممنوع بود اما دوباره در هر سه کشور فروخته می‌شود و جالب اینکه ممنوعیت ردبول همیشه باعث شده تقاضا برای آن بیشتر شود. انگار ممنوع بودن آن با روحیه حاکم بر برند این شرکت سازگار است، کسانی که به دنبال هیجان هستند بدشان نمی‌آید از نوشیدنی ممنوعه بنوشند.

• ماتسیتس می‌گوید که هرگز قصد عرضه عمومی سهام شرکت را ندارد: «به لطف فلسفه اقتصادی ردبول، ما نه در گذشته و نه در آینده قصدی برای عرضه عمومی سهام شرکت را نداشته‌ایم و احتیاجی به مشارکت سرمایه دیگران نداریم. عرضه سهام تنها مایه زیان ما می‌شود.»

پرش از مرز فضا

ماجرای پرش فضایی چه بود؟ ردبول نه تنها حامی ورزش‌های پرخطری مانند انواع مسابقات سرعت و پرش و جهش و شیرجه است بلکه در سال ۲۰۱۲ تصمیم گرفت تا رکورد جدیدی در این حوزه به ثبت برساند. پرش فضایی عنوانی است که به پریدن از هواپیما یا فضاپیما به درون جو و سقوط آزاد تا پیش از استفاده از چتر نجات برای رسیدن به سطح زمین است. این کار اولین بار توسط جوزف کیتینگر، کلنل بازنشسته نیروی هوایی ارتش امریکا در سال ۱۹۵۹ انجام شد. سال ۲۰۱۲ در پروژه‌ای با عنوان ردبول استراتوس، فلیکس بامگارتنر چترباز اتریشی با بالن هلیوم خود را به ارتفاع ۳۹ کیلومتری جو زمین رساند و اول درون یک کیسول بخشی از پرش آزاد خود را انجام داد و سپس با استفاده از چتر نجات سالم به زمین نشست. این عملیات باعث شد تا بامگارتنر به همراه نام ردبول رکورد بلندترین پرواز با بالن، طولانی‌ترین زمان سقوط آزاد، و رسیدن به سرعت صوت بدون کمک از وسایل سرعت‌دهنده را بشکند. این رویداد به صورت زنده از تلویزیون‌ها و وب‌سایت‌های مختلفی در سراسر جهان پخش شد.

سه اقتصاددان جهانی پاسخ می‌دهند:

سبب می‌شود تا حتی بعد از آمدن به شهرها هم در میان طبقات پایین اقتصادی و دارندگان مشاغل سطح پایین قرار بگیرند. بنابراین به نظر من بهترین راه برای کاهش نابرابری اقتصادی در کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف کشورها و ارائه امکانات برابر به مردم است. برخورداری از امکانات یکسان به مردم فرصت می‌دهد تا متناسب با توان خود رشد کنند و درآمدی متناسب با سطح توانایی‌شان به دست آورند.

تیم ورستال / اقتصاددان: در دنیای مدرن نابرابری اقتصادی کمتر از گذشته است و دلیل آن را می‌توان در افزایش حمایت‌های سازمان‌های جهانی از فقرا در دنیا دید. همچنین در سال‌های اخیر تمایل و انگیزه برای تحصیل علم بیشتر شده است و همین مسئله سبب شد تا فرصت‌های اقتصادی بیشتری در اختیار افراد قرار بگیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در دهه ۱۹۴۰ میلادی بالغ بر ۴۰ درصد از جمعیت دنیا از امکانات اولیه زندگی برخوردار نبودند و به دلیل اختلاف‌های طبقاتی یا جنسیتی و نژادی از رشد بازمی‌ماندند ولی در سال‌های اخیر احتمال رشد برای تمامی افراد وجود دارد به خصوص اگر برای این رشد برنامه‌ریزی کنند و به تحصیل علم یا مهارت‌آموزی بپردازند. این روند در سال‌های اخیر بهبود پیدا کرده است به این معنا که در سال ۲۰۱۶ متوسط درآمد ثروتمندترین افراد ساکن در بریتانیا قبل از کسر مالیات برابر با ۸۴۷۰۰ پوند بود که ۱۲ برابر درآمد سالانه ۵ درصد فقیر جامعه بوده است. در سال گذشته متوسط درآمد سالانه ۵ درصد از فقیرترین افراد بریتانیا برابر با ۷۲۰۰ پوند بوده است. مقایسه این آمار با آمار سال ۲۰۱۴ نشان‌دهنده بهبود وضعیت است. در سال ۲۰۱۴ متوسط درآمد ۵ درصد از ثروتمندترین افراد جامعه ۱۴ برابر متوسط درآمد فقرا بوده است. این روند مثبت است و می‌تواند ما را به سمت یک جامعه متعادل هدایت کند. بررسی آمارهای درآمد مردم در کشورهای صنعتی دیگر از جمله آمریکا و اروپای غربی هم تاییدکننده کاهش نابرابری اقتصادی در دنیا است.

کیت پیکت / اقتصاددان: در کشورهای در حال توسعه نابرابری اقتصادی بیش از کشورهای صنعتی دیده می‌شود. مثلاً در هند یک درصد از ثروتمندترین افراد جامعه به ۵۳ درصد از کل ثروت کشور دسترسی دارند و این نشان می‌دهد که نابرابری در این کشور بسیار زیاد است. مطالعات نشان داده است کشورهای اوکراین و نروژ و اسلوانی و اسلواکی و قزاقستان برترین کشورهای دنیا بر مبنای نسبت پالما هستند و نسبت پالما در این کشورها کمتر از یک است. در این کشورها تفاوت درآمد ثروتمندان جامعه با درآمد فقرا بسیار کم است و تمامی مردم به نسبت تقریباً مساوی به ثروت‌های ملی دسترسی دارند. در حالی که کشورهای جمهوری آفریقای مرکزی، نامیبیا، بوتسوانا، هائیتی و آفریقای جنوبی از نظر نسبت پالما در انتهای فهرست جهانی هستند و تفاوت درآمدی فقرا و ثروتمندان در این کشورها بسیار زیاد است. اما بررسی ضریب جینی در کشورهای مختلف دنیا نشان می‌دهد که کشورهای اوکراین و اسلوانی و نروژ و اسلواکی و در نهایت چک پنج کشوری هستند که کمترین ضریب جینی را دارند و این ضریب در کشورهای مذکور در مرز ۲۵ درصد قرار دارد در حالی که ضریب جینی در کشورهای بوتسوانا، جمهوری آفریقای مرکزی، هائیتی، نامیبیا و آفریقای جنوبی بیش از ۶۰ درصد است.

محمد محمود / اقتصاددان: در کشورهای صنعتی مسئله نابرابری به معنای نابرابری در دستمزد و دریافتی حاصل از کار است و با تغییر قوانین کاری و تغییر نظام مالیاتی این نابرابری برطرف می‌شود ولی در کشورهای در حال توسعه و فقیر دنیا علاوه بر نابرابری در دستمزد نابرابری در برخورداری از فرصت‌های اقتصادی هم دیده می‌شود. نکته مهم‌تر این است که برخورداری یک فرد از امکانات و فرصت‌های اقتصادی و منابع کشور به توانایی فرد یا میزان تحصیلات او بستگی ندارد بلکه کاملاً وابسته به خانواده و شهری است که در آن متولد می‌شود. در کشوری مانند بنگلادش تفاوت در برخورداری مردم شهر و روستا از امکانات به اندازه‌ای زیاد است که باعث ناراضی و افزایش نرخ مهاجرت از روستا به شهر شده است. از طرف دیگر افراد متولدشده در روستاها به دلیل عدم دسترسی به منابع اقتصادی و امکانات، فرصت پرورش استعدادهای خود را پیدا نکرده‌اند و همین مسئله

نابرابری در کشورهای صنعتی بیشتر است یا در کشورهای در حال توسعه؟

تمامی ساکنان یک شهر را از بین می‌برند. از طرف دیگر شهرهای بزرگ و صنعتی که حاصل تلاش طبقه خلاق برای ایجاد محلی ایده‌آل برای زندگی هستند بخش زیادی از امکانات شهری و منابع مالی را جذب می‌کنند و ضمن اینکه در این شهرها اختلاف طبقاتی بین مردم بسیار زیاد است، مقایسه استانداردهای زندگی مردم این شهرها با دیگر شهرهای کشور هم بازتابنده اختلافات زیادی است. به تعبیر صحیح‌تر مردم در شهرهای بزرگ از استانداردهای زندگی بالاتری برخوردارند و این برخورداری هم به دلیل حضور طبقه‌ای خلاق و توانمند و کارآفرین در شهر آنها است.

کیت پیکت / اقتصاددان: شاید به نظر برسد نابرابری اقتصادی بیشتر به ضرر افراد طبقات پایین است ولی مطالعات نشان می‌دهد تمامی مردم ساکن در یک کشور از اثرات منفی نابرابری اقتصادی رنج خواهند برد. تأثیرات منفی نابرابری اقتصادی را می‌توان در افزایش نرخ بی‌سوادی در کشور، افزایش نرخ مرگ و میر نوزادان و کودکان، کاهش امید به زندگی، افزایش نرخ خودکشی و افزایش نرخ چاقی مفرط، افزایش بیماری‌های روانی، افزایش شمار معتادان و در نهایت افزایش تحریکات اجتماعی آسیب‌رسان دانست. مطالعات نشان می‌دهد امید به زندگی در جوامعی که با مشکل نابرابری اقتصادی روبه‌رو نیستند ۳ سال بیشتر است در حالی که نرخ مرگ و میر نوزادان در جوامع نابرابر ۳ تا ۵ برابر جوامعی است که برابری اقتصادی در آنها مشاهده می‌شود. در جوامعی که مشکل نابرابری اقتصادی در آنها دیده می‌شود مشکلات روانی و چاقی مفرط دو تا چهار برابر دیگر جوامع است و شیوع بیماری‌های ایدز هم در جوامع نابرابر ۱۹ درصد بیشتر از جوامعی است که برابری اقتصادی در آنها مشاهده می‌شود. تمامی این عوامل آسیب‌رسان در طول زمان می‌توانند سلامت جامعه را تحت تأثیر قرار دهند و نه تنها به طبقات بازمانده از مسیر رشد بلکه به طبقات بالای اقتصادی هم صدمه وارد می‌کنند. مطالعات آماری نشان می‌دهد تفاوت‌های زیاد در سطح درآمد افراد ساکن در یک کشور بسیار خطرآفرین است و این خطرات در طول زمان سلامت تمامی افراد جامعه را مختل می‌کند.

سه اقتصاددان جهانی پاسخ می‌دهند:

نابرابری اقتصادی ریشه در چه مسائلی دارد و چه تاثیری روی زندگی مردم دارد؟

مارتیا سن / برنده نوبل اقتصاد: نابرابری اقتصادی بخش‌های مختلفی دارد که در یک بخش آن می‌توان در مورد نابرابری درآمدی و در بخش دیگر در مورد نابرابری در برخورداری از ثروت صحبت کرد. ولی مسئله اصلی تاثیری است که نابرابری روی سلامت افراد جامعه دارد. افزایش اختلاف طبقاتی و تفاوت فاحش در سطح برخورداری افراد از امکانات اقتصادی باعث می‌شود تا سلامت روح و روان افراد تحت تأثیر قرار بگیرد. افرادی که شاهد تلاش روزافزون برای برخورداری از حداقل‌های زندگی هستند در مقابل افرادی قرار دارند که به دلیل داشتن ثروت‌های کلان از حداکثر امکانات برخوردارند. در این شرایط انگیزه کار و تلاش از بین می‌رود و جرایم اجتماعی بیشتر می‌شود. در چنین جامعه‌ای روند توسعه اقتصادی هم به کندی انجام می‌شود. از طرف دیگر این تفاوت در توان مالی باعث تفاوت در برخورداری از امکانات آموزشی و درمانی و بهداشتی هم می‌شود که همه آنها باعث تنش و تشنج در جامعه می‌شود و به تدریج یکپارچگی را در کشورها از بین می‌برد. از نظر من برابری ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد و تنها مسائل اقتصادی و مالی را در بر نمی‌گیرد. گاهی این برابری جنسیتی است و به برابری در احقاق حقوق زنان و مردان در جامعه ارتباط دارد و گاهی این برابری شامل وجود امکانات لازم برای حضور تمامی مردم در فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی است. ولی ما این مسئله را هرچور تعبیر و تفسیر کنیم به یک نکته می‌رسیم و آن هم تأثیر مثبت برابری روی سلامت روان و جسم افراد جامعه است.

ریچارد فلوریدا / نویسنده و شهرساز: شهرهای

جدید را طبقه خلاق و توانمند که شامل مهندسان، وکلا، دانشمندان و هنرمندان هستند می‌سازند و این گروه عامل اصلی شکوفایی فرهنگی و اقتصادی در این شهرهای مدرن هستند ولی مسئله مهم این است که مزایای این شکوفایی اقتصادی تنها نصیب همین طبقه خلاق و توانمند می‌شود و دیگر مردم ساکن در شهر و کشور از این شرایط منفعتی نمی‌برند. از نظر من همین افراد خلاق عامل اصلی افزایش‌دهنده نابرابری اقتصادی هستند و فرصت رشد برابر برای



ارزیابی‌های بین‌المللی حاکی از این است که دستیابی به رشد بلندمدت و مداوم در هر کشور از اهداف مهم اقتصادی سیاستمداران آن کشور است. یکی از راه‌های رسیدن به این هدف به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه که همواره با مشکل کمبود منابع مالی در راه دستیابی به توسعه مواجه هستند، استفاده از توان سرمایه‌گذاری خارجی در سبد مالی است. نتایج یک گزارش پژوهشی از رفتار سرمایه‌گذاران نشان می‌دهد که شفاف بودن اقتصاد و بازار سرمایه‌گذاری در یک کشور این امکان را برای آن فراهم می‌آورد تا در مقایسه با سایر کشورها مزیت بیشتری پیدا کرده و از دید کمپانی‌های بزرگ بین‌المللی و سرمایه‌گذاران خارجی به‌عنوان مکانی مناسب برای سرمایه‌گذاری انتخاب شود. مطابق بررسی موسسات معتبر جهانی از وضعیت بازارهای کشورهای مختلف، سرمایه‌گذاران اغلب به‌دنبال ورود سرمایه‌های خود به کشورهایی هستند که اقتصادی باز و سیاست‌های تجاری قابل پیش‌بینی داشته باشند؛ چراکه به اعتقاد آنها سرمایه‌گذاری در چنین محیط اقتصادی خطرات ناشی از اتفاقات غافلگیرکننده در آینده را به حداقل می‌رساند. در کنار این موارد، وضعیت کنترل فساد، رعایت حق مالکیت و کاهش کاغذبازی و بوروکراسی در سیستم قضایی کشورها، از دیگر عواملی است که در انتخاب مقاصد سرمایه‌گذاران در سراسر دنیا اثرگذار است.

بررسی اولویت سرمایه‌گذاران در تعیین بازار هدف بیانگر آن است که سرمایه‌گذاران خارجی و کمپانی‌های بزرگ، کشورهایی را برای سرمایه‌گذاری انتخاب می‌کنند که همگام با شرایط مناسب اقتصادی از محیطی امن و شفاف برخوردار باشند. سرمایه‌گذاری خارجی یکی از عوامل تاثیرگذار در رشد اقتصادی کشورها محسوب می‌شود به همین دلیل در ادبیات جدید اقتصادی از شفافیت به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر میزان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی کشورها یاد می‌شود، عاملی که با افزایش آن شاهد کاهش فساد، رعایت بهتر حق مالکیت و کارآ شدن نظام قضایی کشورها و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی خواهیم بود.

با توجه به ارزیابی‌های صورت گرفته می‌توان گفت بی‌تردید یکی از اهداف مهم اقتصادی هر کشور دستیابی به رشد بلندمدت اقتصادی و مداوم بخشیدن به آن است که این امر تنها با تجهیز و تخصیص بهینه سرمایه در اقتصاد ملی آن کشور امکان‌پذیر است. برای رسیدن به این هدف، دستیابی به بازارهای مالی گسترده و عمیق به‌ویژه بازار سرمایه کارآمد ضروری است. با توجه به اینکه یکی از راه‌های توسعه بازار سرمایه استفاده از توان سرمایه‌گذاری خارجی در سبد مالی است، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از مقوله‌های مهم برای هر کشور به حساب می‌آید. این موضوع در مورد کشورهای در حال توسعه که همواره با مشکل کمبود منابع سرمایه در راه دستیابی به توسعه مواجه هستند، اهمیت بیشتری دارد، به صورتی که در میان

این کشورها رقابت شدیدی بر سر جذب سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد. در گزارش فصل‌نامه سیاست‌های مالی و اقتصادی که درخصوص تاثیر شفافیت بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه در منطقه خاورمیانه منتشر شده است این نکته مد نظر قرار گرفته که کشورهای خاورمیانه همگی در حال تلاش برای رسیدن به توسعه اقتصادی و دستیابی به رشد اقتصادی بالا هستند، به همین دلیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است. با این شرایط بحث شفافیت به‌عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر میزان ورود سرمایه خارجی به کشورها در بخش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جایگاه ویژه‌ای یافته است. شفاف بودن اقتصاد و بازار سرمایه‌گذاری یک کشور این امکان را فراهم می‌آورد تا در مقایسه با سایر کشورها مزیت پیدا کرده و از دید کمپانی‌های بزرگ بین‌المللی و سرمایه‌گذاران خارجی به‌عنوان مکانی امن و شفاف جهت سرمایه‌گذاری انتخاب شود.

در این زمینه مطالعات متعددی صورت گرفته است و برآیند نتایج این مطالعات به‌طور متقاعدکننده‌ای نشان می‌دهد که کمپانی‌های بزرگ تجاری برای سرمایه‌گذاری در کشورهای خارجی براساس آگاهی خود موقعیت کلان اقتصادی کشورهای مبدا نظیر سطح تورم، میزان رشد اقتصادی، سطح مناسب تراز پرداخت‌های آن کشور، فراوانی نسبی نیروی کار و زیرساخت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری، را مدنظر قرار می‌دهند. در کنار این فاکتورها آنچه رفتار این کمپانی‌ها را بسیار تحت تاثیر قرار می‌دهد این است که اغلب این کمپانی‌ها به‌دنبال اقتصادی پاک و باز بوده، اقتصادی که در آن سیاست‌های تجاری قابل پیش‌بینی باشد، به‌طوری‌که در صورت سرمایه‌گذاری در چنین محیط اقتصادی، خطرات ناشی از اتفاقات غافلگیرکننده حداقل می‌شود.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که شفافیت تاثیر مثبتی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته است، به‌طوری‌که با افزایش یک واحد در شاخص شفافیت در کشورهای خاورمیانه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱٫۹۲ واحد افزایش می‌یابد. شاخص شفافیت استفاده شده در این مطالعه براساس وضعیت کنترل فساد، رعایت حق مالکیت و کاغذبازی و سیستم قضایی کشورها است. کشورهای مورد بررسی در این پژوهش، کشورهای خاورمیانه شامل؛ مصر، ایران، سودان، عراق، عربستان سعودی، یمن، سوریه، اردن، امارات متحده عربی، لبنان، فلسطین، کویت، عمان، قطر و بحرین بوده و بازه مورد بررسی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ است. شاخص شفافیت استفاده شده در این

پژوهش مربوط به موسسه بین‌المللی PRS است. از سوی دیگر در ادبیات اقتصادی، بحث در مورد شفافیت اغلب روی سه محور اساسی فساد، رشوه و حمایت از حق مالکیت تمرکز می‌یابد. در بسیاری از کشورها رشوه غیرقانونی است. رشوه در واقع خطر عدم موفقیت را برای سرمایه‌گذاران خارجی بالا می‌برد. در صورت وجود رشوه و فساد در اقتصاد یک کشور، شرکت‌های بزرگ تجاری تنها در صورتی این خطر و ریسک را قبول می‌کنند که انتظار پاداشی بالا داشته باشند. فساد نیز باعث ناکارآمدی مخارج دولتی شده و سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی را از حالت بهینه خارج می‌کند. فرآیندی که در شرایط وجود فساد منجر به انتخاب سرمایه‌گذاری می‌شود، اغلب ارتباط ناچیزی با انتخاب براساس شایستگی و حسن نیت دارد و در بیشتر موارد تنها براساس ارتباطات، فشار و رانت‌خواری است. به‌علاوه اکثریت کمپانی‌های بزرگ بین‌المللی مطیع قانون، از سرمایه‌گذاری در کشورهایی که رشوه بخش مهمی از تجارت را تشکیل می‌دهد دوری می‌کنند. به صورت کلی وجود قوانین سختگیرانه در برابر رشوه و انجام موثر آن، راه را برای جریان سرمایه‌گذاری خارجی باز می‌کند.

عامل دیگر عدم شفافیت مربوط به مالکیت دارایی و محافظت آنها در داخل کشورها است. نبود کپی‌رایت، وجود تخلف در حق امتیازها و عدم پایبندی به قراردادهای نمونه‌هایی هستند که نشان‌دهنده ضعف حقوق مالکیت در کشورها است. محافظت از حقوق مالکیت برای بنگاه‌های مختلف حیاتی است، به صورتی که در سرمایه‌گذاری جدید و تحقیقات، محافظت از حقوق مالکیت این تضمین را ایجاد می‌کند که بنگاه‌ها عواید ناشی از این سرمایه‌گذاری‌ها و تحقیقات جدید را دریافت کنند. به علاوه وجود حقوق مالکیت ضعیف در کشورها باعث می‌شود استفاده از حقوق یک شرکت برای سایر شرکت‌ها مانند کالاهای عمومی شود و همان‌طور که به خوبی قابل درک است این حالت باعث تخصیص غیرکارآی دارایی‌ها می‌شود. این حالت برای کشورهایی که در حال ایجاد تغییرات بنیادی نظیر خصوصی‌سازی در موسساتشان هستند و به‌طور کلی در کشورهای در حال توسعه مساله‌ای جدی است. آنچه امروزه در کشورهای در حال توسعه به‌عنوان مشکل جدی مطرح است، بحث مالکیت معنوی است. مطالعات نشان داده در کشورهای در حال توسعه در نتیجه عدم حمایت از حق مالکیت معنوی مخترعان و مبتکران طرح‌های نوین، سود حقیقی کار خود را به‌دست نیاورده‌اند.

سطح کاغذبازی درون اداره‌ها و ضعف سیستم قضایی از دیگر عوامل ایجاد عدم شفافیت هستند. این دو عامل می‌توانند موانع محکمی بر سر راه تجارت باشند.

اگر کیفیت خدمات دولتی قابل پیش‌بینی نباشد، بنگاه‌ها در معرض ریسک بیشتری قرار می‌گیرند. به علاوه توانا بودن آنها در پوشش این خطرات با توجه به غیرقابل پیش‌بینی بودن سطح خدمات دولتی در ابهام قرار می‌گیرد. در نهایت، عامل دیگر عدم شفافیت ارتباط زیادی با خود سیاست‌های اقتصادی دارد. در این حالت سیاست‌های اقتصادی غیرشفاف می‌شوند به شرط اینکه آنها نیز غیرقابل پیش‌بینی و برگشت‌پذیر باشند. این‌گونه سیاست‌ها به خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاران خارجی ضربه می‌زنند. نتایج نشان می‌دهند که نبود شفافیت در سیاست‌گذاری‌ها به‌عنوان یکی از دلایل اصلی علت فرار سرمایه‌گذاران خارجی در کشورهایی نظیر اندونزی، نیجریه و اسلواکی در نظر گرفته شده است. این حالت در واقع منعکس‌کننده رشد بدگمانی سرمایه‌گذاران درباره هدف سیاست‌های دولت است.

از سوی دیگر شفافیت سیاست‌های اقتصادی و موسسات دولتی، تصمیمات تجار و بازرگانان را شکل می‌دهد و باعث شکل‌گیری

سرمایه‌گذاری می‌شود. نبود مقررات کارآ و جامع در مورد فعالیت‌های تجاری تاثیر زیادی بر کمپانی‌های تجاری دارد. یکی از این تاثیرات، تاثیر بر موقعیت رقابتی بنگاه‌ها است. به‌عنوان مثال، قوانین فدرالی در آمریکا استفاده از رشوه را برای بنگاه‌های آمریکایی برای به‌دست آوردن بازارهای خارجی ممنوع کرده است. این در حالی است که بعضی از کشورهای اروپایی به بنگاه‌های خود اجازه این کار را می‌دهند و مبلغ رشوه نیز به‌عنوان کسر از مالیات در حساب‌های آنها لحاظ می‌شود. این عدم تقارن در قوانین باعث ایجاد مزیت در رقابت برای بنگاه‌های اروپایی شده است. در نتیجه رفع فساد در این شرایط برای بنگاه‌های آمریکایی در واقع ابزاری برای گسترش حوزه فعالیت است.

یکی دیگر از دلایل مهم اهمیت فاکتورهای شفافیت بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مساله هزینه بالای به دست آوردن این اطلاعات برای خود شرکت‌ها است. با توجه به این هزینه‌های بالا و در دسترس نبودن اطلاعات کمپانی‌های بزرگ بین‌المللی برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، از شاخص‌های منتشر شده توسط موسسات متخصص و معتبر بین‌المللی استفاده می‌شود. این موسسات معتبر جهانی، وضعیت بازارهای کشورهای مختلف را به لحاظ میزان شفافیت موجود در این بازارها مورد ارزیابی قرار می‌دهند و این آمارها را با صرف هزینه ناچیزی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهند. بنابراین این کشورها و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه که نیازمند جریان سرمایه‌گذاری خارجی هستند، باید محیط اقتصادی خود را اصلاح کرده و در رتبه‌بندی این گزارش‌ها، کمپانی‌های بزرگ را برای سرمایه‌گذاری ترغیب کنند.

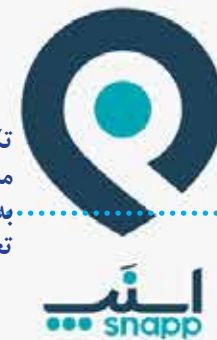
از راهکارهای ارائه شده در این پژوهش می‌توان تصویب قوانین و مقررات مناسب در جهت تسهیل محیط کسب‌وکار و عزم جدی دولت برای اجرای این قوانین را نام برد. در زمینه کاغذبازی و بوروکراسی اداری و سیستم قضایی کارآ نیز پیشنهاد می‌شود قوانین و مقررات دست و پاگیر و اضافی که در راه سرمایه‌گذاران و به‌ویژه سرمایه‌گذاران خارجی وجود دارد حذف شود و قوانین با هدف تسهیل در سرمایه‌گذاری تصویب شوند.

سیستم ضعیف قضایی نیز از دیگر مواردی است که کشورهای در حال توسعه با آن دست به گریبان هستند و دعاوی حقوقی شرکت‌ها و کمپانی‌های تجاری مدت زمان زیادی در دیوان قضایی این کشورها باقی مانده و باعث تضعیف سرمایه‌گذاری می‌شوند. در صورتی که کشورها عزم خود را در جهت فراهم آوردن شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جزم کنند و شاخص‌های خود در این زمینه را بهبود بخشند به زودی شاهد سرازیر شدن سرمایه‌گذاران خارجی به اقتصاد خود خواهند بود و تنها در این صورت است که مراحل توسعه را به راحتی طی خواهند کرد.



کدام اقتصادها می‌توانند مقصد سرمایه‌های خارجی باشند؟

لاب‌جذب سرمایه‌گذاران



تکنولوژی مسیر جامعه را تعیین نمی‌کند. جامعه نیز مسیر تحولات تکنولوژیک را مشخص نمی‌سازد، به نحوی که نتیجه نهایی به الگوی پیچیده‌ای از تعاملات بستگی دارد.

محیط کاری اسنپ

تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی با مجموعه وسیعی از فناوری‌ها و ترکیبی از سخت‌افزار، نرم‌افزار، رسانه، سیستم‌های پخش و توزیع اطلاعات جایگاه تاثیرگذاری در کسب و کارهای امروزی پیدا کرده است. این تکنولوژی‌ها اولین بار در کشورهای توسعه یافته ظهور یافته و سپس از طریق فرایند اشاعه به برخی کشورهای در حال توسعه وارد شده است که البته به دلیل فقدان برخی زیرساخت‌ها در این کشورها، همواره مشکلاتی بر سر راه آنها وجود داشته است.

تکنولوژی امروزی تغییرات بنیادی شدیدی در جوامع سنتی پدید آورده و تصمیم‌گیری در زمینه به کار بستن یک تکنولوژی خاص اطلاعاتی ممکن است پیامدهای فوری اقتصادی به دنبال داشته و یا بر ساختار اجتماعی کشورها اثرگذار باشد.

در تحلیل پیچیدگی اقتصاد، جامعه و فرهنگ نوبی که بواسطه انقلاب تکنولوژی در حال پدید آمدن است، باید گفت که تکنولوژی مسیر جامعه را تعیین نمی‌کند. جامعه نیز مسیر تحولات تکنولوژیک را مشخص نمی‌سازد، به نحوی که نتیجه نهایی به الگوی پیچیده‌ای از تعاملات بستگی دارد.

وضعیت کسب و کارهای مبتنی بر تکنولوژی در ایران کمتر از یک دهه از عمر استارت‌آپ‌ها در ایران می‌گذرد. اوایل توجه چندانی به کسب‌وکارهای نوین نمی‌شد که شاید علتش ابهام در موفقیت و استقبال مشتریان از آن‌ها بوده است. حالا که موفقیت آن‌ها امری غیرقابل انکار است، انتقادات متعددی از سوی کسب‌وکارهای سنتی مطرح شده و در مواردی حتی فعالیت این نرم‌افزارها غیرقانونی خوانده شده است.

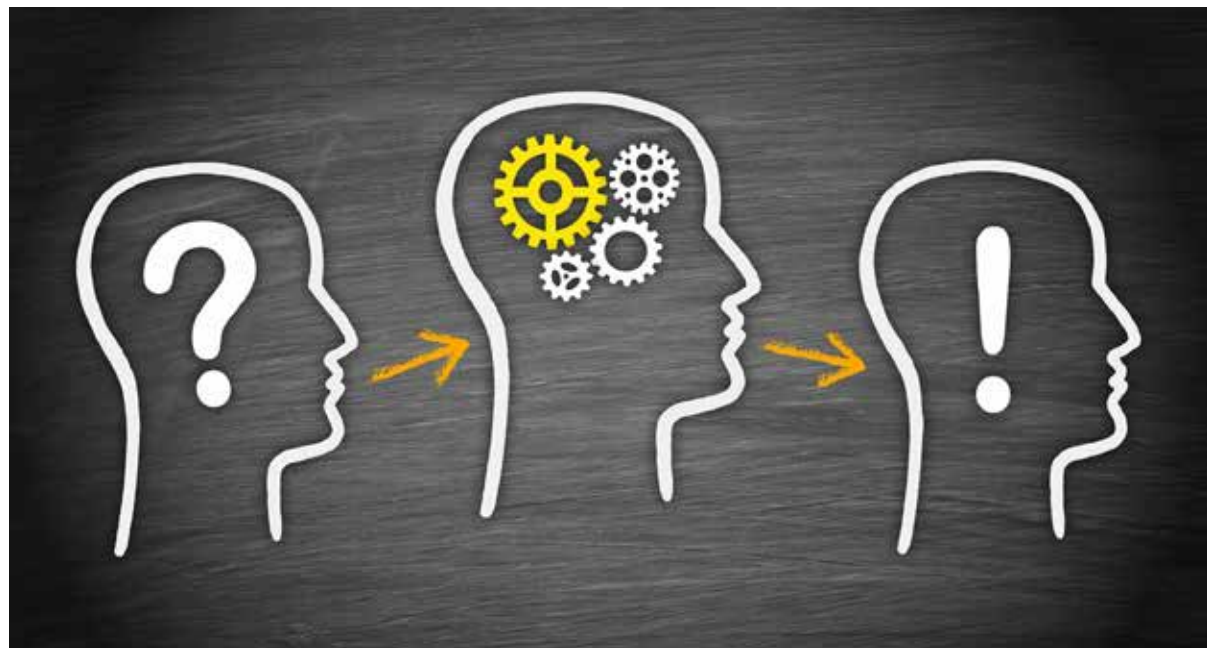
طبق تعاریف موجود، استارت‌آپ‌ها و کسب و کارهای نوین روشی از فعالیت اقتصادی است که قسمتی از آن مبتنی بر فناوری است. هر کسب و کار که بر پایه فناوری است، لزوماً استارت‌آپ نیست، ولی همه استارت‌آپ‌ها به طرز از وب، موبایل، اینترنت و تکنولوژی‌های جدید استفاده می‌کنند

تا رشد بالایی داشته باشند و به تعداد کاربران بالایی برسند. ایران نسبت به بسیاری از کشورهای توسعه یافته در راه‌اندازی استارت‌آپ‌های نوین نوبا حساب می‌شود؛ حتی عده‌ای معتقدند ایران استارت‌آپ به معنای واقعی ندارد و اکثر ایده‌هایی که پیاده شده، قبلاً در دیگر کشورها اجرا شده است. این همان اشاعه نوآوری از کشور توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه است و همچنین نظر آن دسته از افرادی که معتقدند این کسب و کارها، بومی نشده‌اند را تأیید می‌کند.

در ایران استارت‌آپ‌هایی همچون اسنپ و دیجی کالا مشغول به فعالیت هستند. گفته می‌شود اسنپ از نسخه اوپر الگوبرداری کرده است و دیجی کالا از نسخه آمازون. با تمام این اوصاف، این دو استارت‌آپ با اقبال خوبی مخصوصاً از سوی جوانان روبه رو شده‌اند. یکی از رانندگان اسنپ به خبرنگار «پایگاه خبری اتاق ایران» می‌گوید: «برای من جالب است که اکثر مسافران، جوان و دانشجو هستند و نسبت خانم‌ها نیز بیشتر از آقایان است.»

رینگرام معتقد است مردم و به ویژه جوانان دارای مهارت‌های مربوطه برای رسیدن به آرامش به تکنولوژی فناوری اطلاعات و ارتباطات پناه می‌برند. ابزارهای فاوا مثل دارو شده و بجای ایجاد ارتباط عمیق و گسترده در بین خانواده و اجتماع، سرعت را پیشکش می‌کنند. جوانان به عنوان بزرگترین تولید کنندگان و مصرف کنندگان دانایی در جامعه بوده و دسترسی به فناوری‌ها مهم‌ترین بستر برخورداری از دانایی است.

از سوی دیگر، این استارت‌آپ‌ها توانسته‌اند بازار اشتغال مناسبی برای جوانان فراهم کنند که یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی، است. مطالعات استنفورد نشان می‌دهد که استارت‌آپ‌ها بزرگترین ایجادکننده مشاغل هستند. تحقیق دیگری نشان می‌دهد که در میان ذی‌نفعان این برنامه‌ها، ۷۲ درصد از شغل‌ها توسط شرکت‌های موجود و ۱۰ درصد توسط استارت‌آپ‌ها ایجاد شده‌اند. البته این شغل‌ها زمانی ایجاد می‌شوند



مسیر دشوار استارت‌آپ‌ها در اقتصاد ایران

اتاق ایران گفته است: «ما در شرایطی هستیم که تا سال ۱۴۰۰ حدود شش یا هفت میلیون تحصیل کرده دانشگاهی وارد بازار کار می‌شوند. با این وضعیت، اگر قرار است تکنولوژی‌ای وارد شود که اشتغالی در سطح نیاز کشور ایجاد نکند؛ یعنی یک میلیون نفر در سال، و یا اشتغال موجود را هم با تهدید روبه‌رو کند، در حال حاضر نمی‌تواند الگوی مناسبی برای ما باشد.»

موانع پیش روی کسب و کارهای مدرن در ایران تمام این شرایط باعث شده نگرانی‌هایی از سوی کسب و کارهای سنتی بوجود آید و ادامه حیات آنها را با مشکل مواجه سازد. البته تقابل دو سیستم سنتی و مدرن تنها مختص به کشورهای در حال توسعه مانند ایران نیست. بلکه در کشوری مانند آلمان نیز اعتراض‌هایی از سوی صنف رانندگان نسبت به اوبر صورت گرفت که به دلیل قوی بودن اصناف، اوبر در این کشور ممنوع اعلام شد.

در پی این اعتراض‌ها در ایران، رییس اتحادیه مشاوران املاک اعلام کرده است که اپلیکیشن "دیوار" را خراب خواهد کرد، چرا که باعث ضرر به صنف مشاوران املاک شده و از سوی دیگر ریسک معاملات را بالا برده است.

محمود واعظی، وزیر ارتباطات درباره انتقاداتی که از فعالیت نرم‌افزارهای حمل و نقل صورت می‌گیرد، گفته است: «کسب و کارهای سنتی نمی‌توانند جلوی تکنولوژی را گرفته و برای کسب و کارهای جدید ایجاد مشکل کنند.» اینها مشکلات و موانعی است که کسب و کارهای مدرن ایران به دلیل فراهم نبودن زیرساخت‌ها با آن مواجه هستند و باید منتظر ماند و دید که آنها روز به روز بر مشکلات آنها افزوده می‌شود یا گام‌های عملی برای حمایت از آنان برداشته خواهد شد.

که استارت‌آپ‌های به وجود آمده، به سرعت ناپدید نشوند. یعنی استارت‌آپ‌ها باید بادوام باشند تا بتوانند اشتغالی ایجاد کنند. وقتی یک گروه استارت‌آپ به سن پنج سالگی می‌رسد، سطح اشتغال این گروه ۸۰ درصد زمانی است که در آغاز کار بود. مثلاً در سال ۲۰۰۰، استارت‌آپ سه میلیون و ۹۹ هزار و ۶۳۹ شغل ایجاد کرد. در سال ۲۰۰۵، کل اشتغال‌شان دو میلیون و ۴۱۲ هزار بود؛ یعنی حدود ۷۸ درصد از رقمی که در آغاز کار بوده است. اما با تمام این اوصاف می‌توان استارت‌آپ‌ها را در اشتغالی مؤثر دانست.

دیده می‌شود که اکثر رانندگان اسنپ جوان و شاید دانشجو هستند؛ در حالیکه این افراد شاید به دلیل وقت محدود خود نتوانند در سیستم‌های سنتی حمل و نقل مانند آژانس فعالیت داشته باشند.

امروزه دیدگاه‌های مختلفی از سوی فعالان اقتصادی نسبت به استارت‌آپ‌ها وجود دارد. برخی آن را باعث مدرن شدن کسب‌وکارهای سنتی دانسته و منفعت آن را متوجه مصرف‌کنندگان می‌دانند. از آن سو، عده‌ای دیگر وجود آن‌ها را برابر با به خطر افتادن اشتغال جوانان و با تهدید روبه‌رو شدن کسب‌وکارهای سنتی می‌دانند.

به گفته محسن احتشام، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران، کسب‌وکارهای سنتی به اشتباه فکر می‌کنند استارت‌آپ‌ها در کوتاه مدت خطر آفرین هستند، اما در واقع آن‌ها فرصتی هستند تا کسب‌وکارهای سنتی خودشان را با تجارت اخلاقمند و سود منصفانه تطبیق دهند.

علی محمد زمانی، نایب رئیس کمیسیون جوانان، کارآفرینی و کسب‌وکارهای نوین و دانش‌بنیان از جمله کسانی است که معتقد است اگر استارت‌آپ‌ها، اشتغالی در سطح نیاز کشور ایجاد نکند و یا اشتغال موجود را با تهدید روبه‌رو کند، در حال حاضر نمی‌تواند الگوی خوبی برای ما باشد. این عضو هیات نمایندگان اتاق ایران پیش از این به «پایگاه خبری

رقابت هلوها و لیموها

جرج آکرلوف در مقاله «بازار برای لیموها» ثابت می‌کند که چطور عدم تقارن اطلاعات میان فروشندگان و خریدار می‌تواند بازار را نابود کند. در این گزارش قانون لیموها و هلوها مورد بررسی قرار گرفته است. ترجمه: نسیم بنایی منبع اصلی: اکونومیست

ایالت واشنگتن در سال ۲۰۰۷ قاعده جدیدی را معرفی کرد که هدف آن عادلانه‌تر کردن بازار کار بود: شرکت‌ها دیگر اجازه نداشتند رتبه اعتباری متقاضیان کار را بررسی کنند. بسیاری از افرادی که موافق این قضیه بودند وضع قانون جدید را جشن گرفتند چرا که آن را وسیله‌ای برای نزدیک‌تر شدن به برابری می‌دیدند. دلیل آن هم واضح بود، متقاضیانی که رتبه اعتباری کمتری داشتند اغلب فقیر و بیشتر جزو جوانان و سیاه‌پوستان بودند. از آن زمان به بعد ۱۰ ایالت دیگر این قانون را اجرایی کردند. اما کمی بعد از آن رابرت کلیفورد و دنیل شوگ به مطالعه اثرات این مسئله پرداختند و اعلام کردند قانون جدید باعث شده تعداد کمتری از جوانان و سیاه‌پوستان صاحب شغل بشوند.

تا پیش از سال ۱۹۷۰ اقتصاددانان چیز زیادی نداشتند که به آنها کمک کند این معما را حل کنند. واقعیت این است که آنها در مورد قاعده اطلاعات، درست فکر نمی‌کردند. برای مثال در مورد بازار کار در کتاب‌های علمی اقتصادی این‌طور فرض شده که کارفرمایان می‌دانند ثمردهی کارگران آنها به رقابت بستگی دارد و به همین خاطر متناسب با آنچه تولید می‌کنند به آنها پول پرداخت می‌کنند.

شاید تصور کنید هر کسی با تحقیقات خود این ماجرا را به پایان رسانده به خاطر این موفقیت مورد توجه همگان قرار گرفته اما در عالم واقع این اتفاق نیفتاد. جرج آکرلوف در دهه ۶۰ میلادی نظریه «بازار برای لیموها» را نوشت که بعداً به خاطر آن جایزه نوبل دریافت کرد اما در همان زمان مقاله او از سوی سه مجله مهم و معتبر علمی رد شد. آکرلوف در آن زمان استادیار دانشگاه کالیفرنیا در برکلی بود. او در سال ۱۹۶۶ موفق شد مدرک دکترای خود را از ام‌آی‌تی دریافت کند. شاید به همین خاطر بود که در آن زمان مقاله او مورد پذیرش قرار نگرفت. آکرلوف اکنون استاد بازنشسته دانشگاه برکلی و همچنین همسر ژانت یلن رئیس فدرال رزرو امریکا است. او به اکونومیست می‌گوید: «در آن زمان مخالفان من می‌گفتند اگر حرف او درست باشد اقتصاد امری کاملاً متفاوت خواهد بود.»

مقاله جرج آکرلوف با نام «بازار برای لیموها» که در سال ۱۹۷۰ منتشر شد سنگ بنای اقتصاد اطلاعات است



مقاله آکرلوف چه می‌گوید؟

مقاله آکرلوف بالاخره در سال ۱۹۷۰ به چاپ رسید و در عین سادگی مقاله‌ای انقلابی به شمار می‌آمد. او در نظریه‌اش می‌گفت فرض کنید خریداران خودروهای دست‌دوم، ارزش یک خودروی خوب (هلو) را هزار دلار بدانند. یک خودروی دست‌دوم که عملکرد آن مشکل داشته باشد (لیمو) برای آنها ۵۰۰ دلار ارزش خواهد داشت. اگر خریداران بتوانند فرقی هلوها و لیموها را تشخیص بدهند معامله به خوبی انجام می‌شود. اما در عالم واقع این تشخیص بسیار دشوار است یعنی می‌توان خراش‌های خودرو را مخفی کرد و عیب موتور ماشین را به کسی نگفت تا ماشین به فروش برود. خریداران ترجیح می‌دهند تخفیف بگیرند و مثلاً خودرو را به قیمت ۷۵۰ دلار دریافت کنند تا اگر لیمو بود خیلی ضرر نکرده باشند؛ اگر هم هلو بود که سود کرده‌اند. اما فروشندگان می‌دانند که مطمئن هستند خودروی آنها هلو است راضی نمی‌شوند خودروی خود را به قیمت پایین‌تری بفروشند و به این ترتیب وارد معامله نمی‌شوند. نتیجه این می‌شود که تنها فروشندگان به قیمت ۷۵۰ دلار راضی می‌شوند که خودروی آنها لیمو است.

خریدارانی که باهوش هستند از قبل این مشکل را پیش‌بینی می‌کنند. آنها از ابتدا قیمت ۵۰۰ دلار را پیشنهاد می‌کنند. فروشندگان لیمو در پایان به همین قیمت می‌رسند چرا که قیمت خودروی آنها همین است. اما هلوها در کاراژ می‌مانند. اما این خیلی ناراحت‌کننده است زیرا خریداران اگر از کیفیت خودرو اطمینان حاصل می‌کردند احتمالاً هلو را می‌خریدند. این «عدم تقارن اطلاعات» میان خریدار و فروشنده، بازار را می‌کشد و این یک تراژدی است.

بسیاری از افراد در واکنش به این نظریه می‌گفتند آیا می‌توان به خاطر مشاهده عدم اطلاعات برخی از افراد در بازار به جایزه نوبل اقتصاد دست پیدا کرد؟ بسیاری از روزنامه‌نگاران آکرلوف را در کنار جوزف استیگلیتز قرار می‌دادند که در سال ۲۰۰۱ به خاطر کار مشترک بر روی نظریه عدم تقارن اطلاعات به جایزه نوبل دست پیدا کرده بودند. البته ماجرا تا حدی قابل درک بود. این مقاله حتی در مورد توصیف خودروهای دست‌دوم با عنوان «لیمو» هم مشکل داشت، هر خودروی دست‌دومی در بازار لیمو یا هلو نیست. اما با وجود همه اینها، ایده‌ای که آنها مطرح کرده بودند، ایده‌ای نو بود و می‌توانست مسیر جدیدی را در علم اقتصاد باز کند. طولی نکشید که بسیاری از اقتصاددانان این نظریه را دنبال و تلاش کردند مشکل عدم تقارن اطلاعات را برطرف کنند. حدود دهه از نخستین باری که نظریه لیموها مطرح شد می‌گذرد؛ این نظریه بحث‌برانگیز با اینکه سه مرتبه رد شده اما همچنان به عنوان نظریه‌ای تأثیرگذار در علم اقتصاد مطرح است.

نحوه تامین مالی صنایع کوچک و متوسط در کره جنوبی بررسی شد

تجربه آسیایرونق صنعتی

بررسی موفقیت کره‌جنوبی در حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط نشان می‌دهد که این کشور در کنار بهره بردن از سهم وام‌دهی بانک‌ها، با تنوع در ابزارهای شارژ مالی، رونق صنعتی را رقم زده است. مهم‌ترین سیاست کره‌جنوبی برای افزایش بهره‌وری بنگاه‌های کوچک و متوسط نیز ایجاد پیوند و تشویق آنها به همکاری بیشتر با صنایع بزرگ است که هسته اصلی رشد اقتصادی این کشور در دو دهه گذشته بوده‌اند. حمایت از نوآوری و خلاقیت در بنگاه‌های نوپا و به‌روزرسانی فناوری‌ها از دیگر سیاست‌های این کشور است.

تقویت صنایع کوچک و متوسط با توجه به نقش مهم آنها در توسعه اقتصاد کشورها همواره به‌عنوان یکی از موتورهای پیشران رشد مورد توجه واقع شده است. امروزه بسیاری از کشورها به خوبی به جایگاه مهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در نوآوری، اشتغال‌آفرینی و انعطاف‌پذیری بیشتر نسبت به صنایع بزرگ پی برده‌اند. از این رو بسیاری از کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه برای حل مشکلات این بخش از صنعت، برنامه‌های حمایتی خاصی تدوین کرده‌اند. یکی از کشورهای موفق در زمینه حمایت از صنایع کوچک و متوسط، کره‌جنوبی است. تجربه کره‌ای‌ها نشان می‌دهد که آنان برای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط نه تنها از وام‌دهی بانک‌ها بهره برده‌اند، بلکه برای شارژ مالی این صنایع، تمام ابزارهای موجود را تقویت کرده‌اند. این در حالی است که تولیدکنندگان ایرانی بانک‌ها را مهم‌ترین بخش تامین منابع مالی خود می‌دانند و بار سنگین شارژ مالی در ایران بر دوش بانک‌ها قرار گرفته است. در همین راستا مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی ایران در گزارشی به بررسی دلایل موفقیت کره جنوبی در حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط پرداخته است. در این کشور نقطه قوت حمایت‌های به عمل آمده از صنایع کوچک و متوسط، برنامه‌ها و سیاست‌های متنوعی است که دولت کره در جهت رفع موانع پیش‌روی این بنگاه‌ها و به ویژه تسهیل تامین مالی آنها تدارک دیده است. تنوع کانال‌های تامین اعتبار، ایجاد نهادهای تضمین اعتبار، وجود یک بانک صنعتی با تمرکز بر تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، راه‌اندازی بورس جدید کره به منظور حمایت و راهنمایی بنگاه‌های کوچک و متوسط به سمت بورس اصلی، از جمله اقدامات موثری است که می‌تواند با توجه به تجربه کشور کره جنوبی، در ایران نیز به‌کار گرفته شده و از نتایج آن بهره‌مند شد.

همچنین با در نظر گرفتن سیستم‌های صنعتی بومی کره، به نظر می‌رسد مهم‌ترین سیاست کره برای افزایش بهره‌وری بنگاه‌های کوچک و متوسط، ایجاد پیوند و تشویق آنها به همکاری بیشتر با صنایع بزرگ است که هسته اصلی رشد اقتصادی این کشور در دو دهه گذشته بوده‌اند. از سوی دیگر، حمایت از نوآوری و خلاقیت در بنگاه‌های نوپا و به روزرسانی فناوری‌های مورد استفاده از سوی این بنگاه‌ها، می‌تواند سرعت رشد را افزایش داده و رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط را تقویت کند.

ظهور بنگاه‌های اشتغال‌آفرین

کره جنوبی از جمله کشورهایی است که در طول ۲۵ سال اخیر، رشدی سریع را تجربه کرده و درآمد سرانه آن از ۳۹ درصد متوسط درآمد سرانه کشورهای پردرآمد عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در سال ۱۹۹۱ به ۷۵ درصد در سال ۲۰۱۴ افزایش داشته است. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شرکت‌های بزرگ، عامل اصلی بیش از نیمی از افزایش در اشتغال، تولید و ارزش افزوده در کره محسوب می‌شدند، اما از اوایل دهه ۱۹۸۰، بخش بنگاه‌های کوچک و متوسط کره نیز به موازات جدی‌تر شدن حمایت‌های دولتی، شروع به افزایش سهم خود در اقتصاد کردند، به‌طوری که بعد از رکود ایجاد شده به واسطه بحران مالی سال ۱۹۷۷، این بخش توانست سهم خود در اشتغال را به‌طور چشمگیری افزایش دهد. در پایان سال ۲۰۱۴ تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط در کره به ۳/۵ میلیون رسید که ۹۹/۹ درصد از کل بنگاه‌های فعال در کره را تشکیل می‌داد و منبع خلق ۸۷/۹ درصد از کل اشتغال کره بود.

رویکردهای اتخاذ شده از سوی دولت کره، نشان دهنده آن است که این کشور، پس از تجربه رشدهای سریع به رهبری بنگاه‌های بزرگ، اکنون و در پی افزایش رقابت جهانی و ظهور اقتصادهایی با پتانسیل رشد بالا، به درستی به اهمیت صنایع کوچک و متوسط پی برده و خواستار افزایش قدرت رقابت، تسهیل تامین مالی و فراهم کردن زمینه‌های بروز خلاقیت و نوآوری در این صنایع به موازات بنگاه‌های بزرگ است. براساس آمارهای بانک جهانی در سال ۲۰۱۵، کره با تولید ناخالص داخلی ۰۴۷.۱ میلیارد دلار بر اساس برابری قدرت خرید (به قیمت ثابت سال ۲۰۱۱) سیزدهمین اقتصاد دنیا و ششمین اقتصاد آسیا بوده است.

در سال‌های گذشته غول‌های بزرگ تولیدات کارخانه‌ای، مانند سامسونگ، هیوندایی و ال جی در قلب توسعه اقتصادی سریع این کشور قرار داشته و حمایت دولت از این کارخانه‌ها سبب شد که کره در بخش‌هایی مانند کشتی‌سازی، صفحات نمایش پیشرفته، تلفن‌های همراه و تراشه‌های حافظه، تبدیل به یک کشور پیشرو شود. اما اکنون این پرسش مطرح است که آیا چند شرکت بزرگ (چابئول در اصطلاح کره‌ای) می‌توانند همچنان راهبری رشد اقتصادی این کشور را در رقابت با سایر کشورها، از جمله چین، ادامه دهند؟ اگرچه عملکرد شرکت‌های بزرگ برای رشد اقتصادی این کشور حیاتی است، اما شکی نیست که وجود بنگاه‌های کوچک و متوسط فعال و سرزنده می‌تواند به سرعت گرفتن هرچه بیشتر این رشد کمک کند. در واقع همزمان با افزایش بهره‌وری بنگاه‌های بزرگ، سهم آنان در ایجاد اشتغال داخلی کاهش می‌یابد، چرا که این شرکت‌ها در حال گسترش بازارهای خود در خارج از مرزهای کشور کره هستند؛ بنابراین کارگران کمتری را در داخل استخدام کرده و در عمل بار ایجاد اشتغال بر عهده بخش خدمات و بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار می‌گیرد. این

مساله که بهره‌وری شرکت‌های خدماتی و بنگاه‌های کوچک و متوسط تنها ۳۵ تا ۴۰ درصد بهره‌وری بنگاه‌های بزرگ است، نشان دهنده چالش‌های پیش‌روی صنایع کوچک در کره است. در واقع به دلیل سهم عظیمی که بنگاه‌های بزرگ از بازار دارند، صنایع کوچک و متوسط تاکنون نتوانسته‌اند همانند آنها شغل‌های بلندمدت و دارای پرداختی مناسب به

جامعه عرضه کنند. از طرفی، قدرت رقابت بنگاه‌های کوچک و متوسط در دو دهه اخیر، در سایه قدرت بنگاه‌های بزرگ تضعیف شده و توانایی آنها را در بهره‌برداری مناسب از حمایت‌های دولت تحت تاثیر قرار داده است.

۵ مسیر تامین منابع مالی

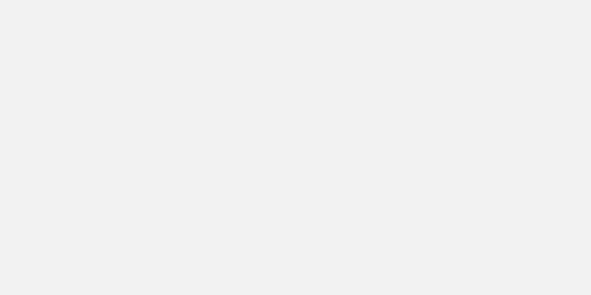
بخش بنگاه‌های کوچک و متوسط در کره، از نظر پتانسیل‌های اقتصادی، اهمیت بسیاری در اقتصاد این کشور دارد. این بنگاه‌ها خالقان اصلی اشتغال در کشور کره به شمار می‌روند. تعداد افراد شاغل در این بنگاه‌ها ۱۴/۰۳ میلیون نفر بوده که ۸۷/۹ درصد از کل اشتغال کره را تشکیل می‌دهد. از جمله اقدامات دولت در جهت شتاب‌بخشی مجدد به رشد اقتصادی، اتخاذ اقداماتی برای بهبود زیرساخت‌های لازم برای کسب‌وکارهای مخاطره‌پذیر و بنگاه‌های کوچک و متوسط است. متنوع‌سازی زمینه فعالیت، جذب سرمایه انسانی و انجام اقداماتی برای حفظ حقوق مالکیت از جمله حمایت‌های دولت از این بخش است. اما متداول‌ترین منابع تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط در کره به ترتیب عبارت است از ۱- وام‌های بانکی، ۲- اعتبارات سیاستی، ۳- تامین از طریق صندوق‌های سرمایه مخاطره‌پذیر، ۴- تامین مالی از طریق انتشار سهام و ۵- وام‌های غیر بانکی.

سهم وام‌دهی بانکی به بخش بنگاه‌های کوچک و متوسط در کره به نسبت سایر منابع تامین مالی بالا بوده و طبق آخرین آمار رسمی موجود، در سال ۲۰۱۲، معادل ۷۸ درصد از کل وام‌های بانکی مربوط به کسب و

کارها در کره، به بنگاه‌های کوچک و متوسط اختصاص یافته است. دولت کره برای کاهش مشکلات مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، نهادهای تضمین اعتبار را ایجاد کرده که وظیفه اصلی آنها تامین ضمانت برای بنگاه‌های نوپا و شرکت‌های کوچک و متوسطی است که از کمبود وثیقه مناسب رنج برده یا به‌رغم دانش‌محور بودن فعالیت‌شان، به فناوری‌های

روز دسترسی ندارند. همچنین در بخش غیربانکی شرکت‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیری وجود دارند که تحت نظارت اداره کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بوده و بخشی از تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط را بر عهده دارند.

در بخش بازار سرمایه نیز بازاری به نام بورس جدید کره که در سال ۲۰۱۳ آغاز به کار کرده فعالیت دارد که هدف آن فراهم آوردن بازاری برای معامله اوراق بهادار مربوط به بنگاه‌های کوچک و متوسط و شرکت‌های مخاطره‌پذیری است که از پتانسیل رشد بالایی برخوردار هستند. در مجموع می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که در سال‌های اخیر و در پی افزایش رقابت در بازارهای جهانی، دولت کره، تلاش‌ها برای حمایت از بخش صنایع کوچک و متوسط را به‌عنوان نیروی محرک جدیدی برای رشد افزایش داده است. نقطه قوت حمایت‌های به عمل آمده از صنایع کوچک و متوسط، برنامه‌ها و سیاست‌های متنوعی است که دولت برای رفع موانع پیش روی این بنگاه‌ها و به ویژه تسهیل تامین مالی آنها از کانال‌های مختلف تدارک دیده است.



انتخاب مبادی وارداتی ایران رخ داده که به عنوان نمونه یکی از مهم‌ترین تغییرات مربوط به افزایش بیش از ۳۹ درصدی ارزش واردات از آلمان است. اتاق بازرگانی تهران در گزارش پیش رو جزئیات بیشتری را از تغییرات رتبه کشورهای مبدا و مقصد تجارت خارجی ایران آورده است.

رتبه ۱۵ مقصد صادراتی ایران

چین در دو سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ همواره اولین مقصد صادرات کالاهای ایرانی بوده است. همچنین کشورهای امارات، عراق و ترکیه نیز در رده بندی مقاصد صادراتی در دو سال مذکور به ترتیب مقاصد دوم، سوم و چهارم صادرات کالا از ایران محسوب می‌شود. اما رتبه پنجم مقاصد عمده صادراتی در سال ۹۴ از آن هند بوده و در سال ۹۵ کره جنوبی جای آن را گرفته است. کره جنوبی در سال ۹۴ در جایگاه هشتم جدول عمده مقاصد صادرات ایران قرار داشت. از سویی در سال ۱۳۹۴ رتبه ششم مربوط به افغانستان بوده اما هند در سال ۱۳۹۵ توانسته این رتبه را کسب کند. افغانستان در سال ۹۵ رتبه هفتم را به خود اختصاص داده است.

ژاپن به‌عنوان یکی دیگر از مقاصد صادراتی در سال ۹۴ در رده هفتم و در سال ۹۵ در رده هشتم قرار گرفته است. پاکستان هم به‌عنوان یکی از شرکای تجاری همجوار ایران توانسته در سال ۱۳۹۴ در رتبه دهم و در سال ۱۳۹۵ در رتبه نهم مقاصد صادراتی کشور قرار گیرد. یکی از تغییر رتبه‌های قابل توجه در بازه زمانی دو سال مذکور مربوط به تغییر رتبه تایوان است. تایوان که در سال ۱۳۹۴ مقصد بیست و دوم کالاهای ایرانی بود، در سال ۱۳۹۵ به دهمین مقصد صادراتی کشور تبدیل شده است. صادرات ایران به ترکمنستان در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۴ کاهش یافته و موجب شده تا رتبه نهم این کشور در جدول مهم‌ترین مقاصد صادراتی سال ۹۴ به رتبه یازدهم در سال ۹۵ تبدیل شود. عمان در هر دو سال مذکور رتبه دوازدهم را در اختیار داشته اما هنگ کنگ توانسته تغییر رتبه دهد و از رتبه چهاردهم به رتبه سیزدهم مقاصد صادراتی کشور صعود کند. ایتالیا هم در سال ۹۴ رتبه یازدهم مقاصد صادراتی ایران را در اختیار داشته که این رتبه در سال ۱۳۹۵ به چهاردهم نزول کرده است. ویتنام نیز

در سال ۱۳۹۵ سیزدهمین مقصد صادرات کشور محسوب می‌شد که در سال ۱۳۹۵ رتبه پانزدهم را به خود اختصاص داد.

بر اساس تغییراتی که در رتبه‌بندی‌ها نام برده شد، میزان صادرات به لحاظ ارزشی در برخی کشورها با افت مواجه بوده است. صادرات از ایران به عراق در سال ۹۵ نسبت به سال ۹۴ با افت ۰/۳ درصدی مواجه شده، همچنین صادرات ایران به کشورهای ترکیه، ترکمنستان و ایتالیا با افت ۰/۴ درصدی، به افغانستان با افت ۰/۳ درصدی و به ژاپن با افت ۰/۱ درصدی روبه‌رو بوده است.

آمارها نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۵ معادل ۳۸۴۳ قلم کالا صادر شده که در میان آنها ۸۷ قلم کالا بیش از ۸۰ درصد ارزش صادرات کشور را پوشش داده‌اند. این موضوع می‌تواند گویای عدم تنوع اقلام صادراتی باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که دو کالای میعانات گازی (با سهم ۶/۲ واحد درصد) و سایر روغن‌های سبک و فرآورده‌ها به جز بنزین (با سهم ۴/۵ واحد درصد) حدود ۱۱ واحد درصد از رشد ۳/۵ درصدی ارزش صادرات را در سال ۱۳۹۵ به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین در صورت حذف دو قلم مذکور از فهرست صادرات کالایی گمرک، رشد صادرات کالایی منفی ۷/۲ درصد می‌شود. از سوی دیگر در سال ۱۳۹۵، صادرات کشور رشد وزنی ۳۸ درصدی را تجربه کرده است. عامل مسلط در رشد مقدار صادرات در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۴، افزایش میعانات گازی بوده

که ۸/۷ واحد درصد در رشد وزنی صادرات نقش داشته است. پس از آن نیز کالاهای سنگ آهن هماتیت و سایر روغن‌های سبک به جز بنزین با سهم حدود ۹ و ۸ واحد درصدی در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

۱۵ مبدا عمده وارداتی ایران

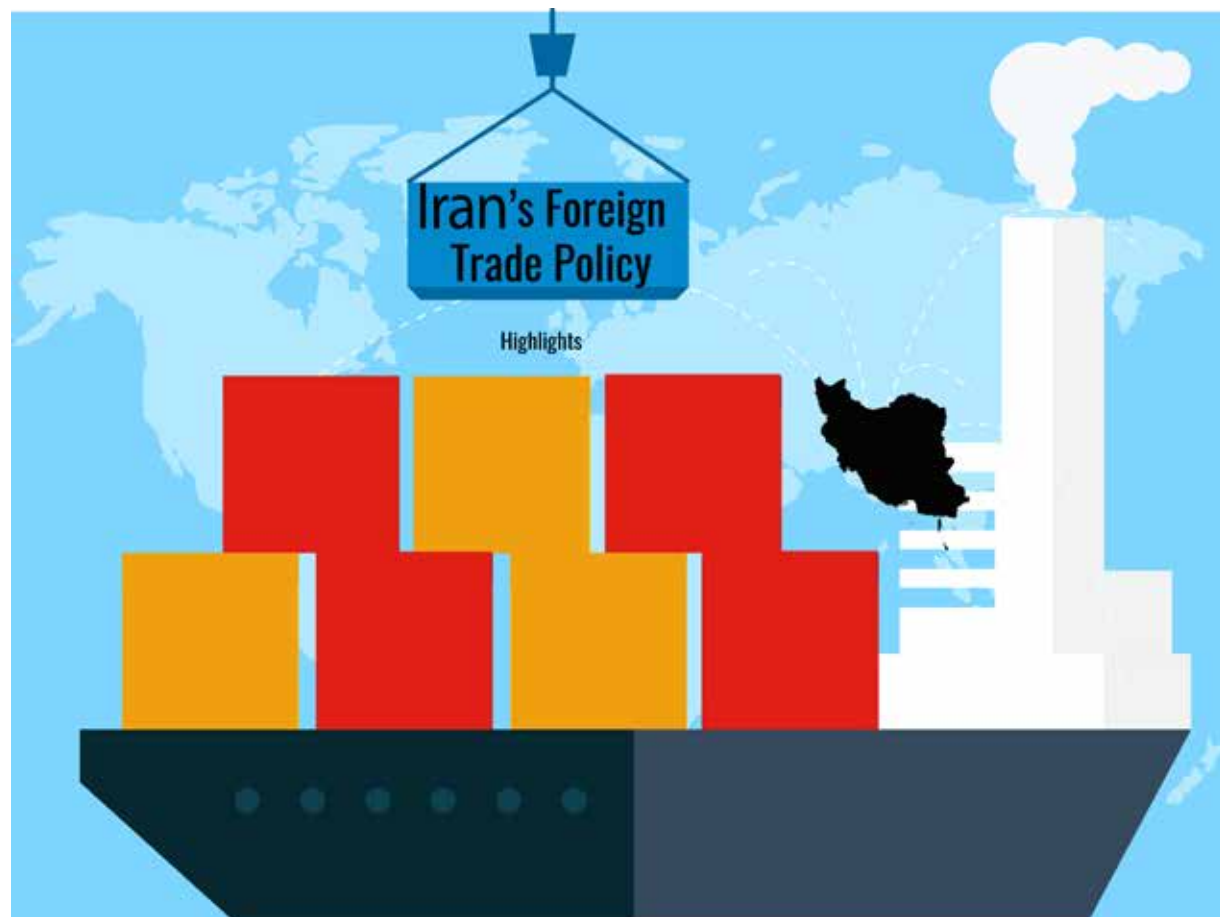
مهم‌ترین مبادی کالای وارداتی ایران در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به ترتیب کشورهای چین، امارات، کره جنوبی و ترکیه بوده‌اند. در سال ۱۳۹۵ تغییراتی در انتخاب مبادی وارداتی ایران رخ داد. یکی از مهم‌ترین این تغییرات مربوط به افزایش بیش از ۳۹ درصدی ارزش واردات ایران از آلمان است. در سال ۱۳۹۵ تقریباً ۶ درصد از نیاز وارداتی کشور از طریق آلمان تامین شده است. سهم آلمان در تامین نیاز وارداتی ایران در سال ۱۳۹۵ حدود ۱/۴ واحد درصد نسبت به سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است. همچنین در سال ۱۳۹۵ ارزش واردات ایران از فدراسیون روسیه نسبت به سال ۱۳۹۴ تقریباً ۲/۷ برابر شده و به حدود یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسیده است. سهم روسیه در تامین نیاز وارداتی کشور در سال ۱۳۹۵ معادل ۳/۶ درصد بوده که در مقایسه با سال ۱۳۹۴ حدود ۲/۲ واحد درصد افزایش یافته است. افزایش واردات ایران از روسیه باعث شده این کشور در جایگاه هفتم در میان مبادی عمده وارداتی ایران قرار گیرد. یکی دیگر از تغییرات رخ داده مربوط به کاهش سهم سوئیس در تامین نیاز وارداتی کشور است. ارزش واردات ایران از سوئیس در سال ۱۳۹۴ معادل ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بوده و در سال ۱۳۹۵ به حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار رسیده است. کاهش بیش از ۵۰ درصدی واردات ایران از سوئیس، جایگاه این کشور را در سال ۱۳۹۴ که جزو ۵ مبدا عمده وارداتی ایران بوده به رتبه دهم در میان بازارهای وارداتی کشور تبدیل کرده است. چین، امارات، کره جنوبی و ترکیه در دو سال مذکور رتبه اول تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند. اما تغییرات در رتبه بندی‌ها حاکی از آن است که آلمان در سال ۱۳۹۴ در رتبه هفتم جای گرفته بود و در سال ۱۳۹۵ رتبه پنجم را به خود اختصاص داد. هند در دو سال مورد بررسی در رتبه ششم

قرار دارد. فدراسیون روسیه نیز توانسته جایگاه خود را در سال ۱۳۹۵ ارتقا دهد. این کشور در سال ۹۴ جایگاه دوازدهم و در سال ۱۳۹۵ جایگاه هفتم را به خود اختصاص داده است.

ایتالیا در هر دو سال مذکور هشتمین مبدا وارداتی ایران بوده است. برزیل اما در سال ۱۳۹۴ رتبه یازدهم و در سال ۱۳۹۵ رتبه نهم را از آن خود کرده است. سوئیس، فرانسه و هلند از محدود کشورهایی هستند که در سال ۹۵ نسبت به سال ۹۴ با تنزل جایگاه مواجه بودند. سوئیس در سال ۱۳۹۴ جایگاه پنجم را به خود اختصاص داده بود اما در سال ۱۳۹۵ در جایگاه دهم ایستاد. فرانسه نیز در سال ۱۳۹۴ نهمین مبدا واردات ایران بود اما در سال ۱۳۹۵ یازدهمین مبدا واردات کشور شد. هلند در سال ۱۳۹۴ رتبه ۱۰ و در سال ۱۳۹۵ رتبه ۱۲ را در اختیار گرفت.

اوکراین از دیگر کشورهایی بود که توانست در سال ۱۳۹۵ ارتقای رتبه بالایی داشته باشد. این کشور از رتبه ۲۷ در جدول مبادی وارداتی در سال ۱۳۹۴ به رتبه ۱۳ در سال ۱۳۹۵ دست یافت. ژاپن نیز توانست از رتبه هفدهم در سال ۱۳۹۴ به رتبه چهاردهم در سال ۱۳۹۵ دست یابد. همچنین مالزی از جایگاه نوزدهم در سال ۱۳۹۴ به جایگاه پانزدهم کشورهای مبادی وارداتی در سال ۱۳۹۵ دست یافت.

بر اساس تحلیل‌های ارائه شده در این گزارش، در سال ۱۳۹۵ بیش از ۵۷۰۰ قلم کالا به کشور وارد شده که در میان آنها ۶۵۹ قلم کالا بیش از ۸۰ درصد ارزش واردات را تشکیل داده‌اند. افزایش واردات «سایر دستگاه‌های کمک ناوبری رادیویی غیر از دستگاه موقعیت یاب جهانی»، سهمی ۲/۱۵ واحد درصدی در رشد ۵/۲ درصدی ارزش واردات کشور در سال ۱۳۹۵ داشته است. ارزش واردات «سایر وسایل نقلیه موتور با حجم سیلندر ۱۵۰۰ سی سی تا ۲۰۰۰ سی سی به‌جز آمبولانس و هیبریدی» نیز در این سال تقریباً دو برابر شده و ۰/۹۵ درصد در رشد واردات نقش داشته است. چنانچه این اقلام از فهرست اقلام وارداتی کشور حذف شود، رشد واردات به لحاظ ارزشی ۲/۱ درصد خواهد بود.



نمای دو ساله از تحولات تجاری کشور

نگاهی به آمارهای تجارت خارجی در دو سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد برخی از کشورهای مبدا و مقصد با تغییر رتبه در تجارت خارجی کشور مواجه بوده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به ارتقای جایگاه کره جنوبی در لیست مقاصد صادراتی اشاره کرد. در بخش واردات نیز تغییر عمده به رتبه آلمان باز می‌گردد. از سویی کشورهای همچون سوئیس هم نتوانسته‌اند جایگاه خود را در لیست مبادی واردات به ایران حفظ کنند و در سال ۹۵ رتبه‌های پایین‌تری را به خود اختصاص داده‌اند.

مای دو ساله تجارت خارجی ایران نشان می‌دهد که در صادرات و واردات شاهد تغییر رتبه‌های برخی از مقاصد و مبادی تجارت هستیم. به‌عنوان مثال کشورهای چین، امارات، عراق و ترکیه در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ چهار مقصد عمده صادراتی بوده‌اند که در این راستا کره جنوبی با ۸۷۲ میلیون دلار صادرات، هشتمین مقصد صادراتی ایران بود این در حالی است که این کشور در سال ۹۵ با صادرات تقریباً ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار در جایگاه پنجم بازار هدف ایران قرار گرفته است. همچنین مبادی کالاهای وارداتی ایران در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به ترتیب کشورهای چین، امارات، کره جنوبی و ترکیه بوده؛ اما در سال ۱۳۹۵، تغییراتی در

اثرات گاز دی اکسید کربن بر سلامتی

مجید قاصری - عضو کارگروه محیط زیست انجمن مدیران صنایع خراسان



مشاهده نشده است همچنین مطالعات درخصوص کارگرانی که به طور مداوم با مقادیر زیاد گاز CO₂ در تماس بوده اند نشان داده است که مواجهه با میزان ۱-۱۵٪ برای ۴۲ تا ۴۴ روز باعث ایجاد تداخل برگشتپذیر در تعادل اسیدیته در خون میگردد و همچنین این میزان مواجهه باعث می شود که عمق تنفس برای فرد زیاد شود (یعنی فرد برای بدست آوردن میزان مورد نیاز اکسیژن نفس های عمیق تری بکشد).

خطرات سلامتی ناشی از دی اکسید کربن:

در سال ۲۰۰۰ یک سازمان تحقیقاتی در آمریکا مطالعاتی را بر روی گاز CO₂ که مربوط به گزارشات حوادث آتش سوزی از سال ۱۹۷۵ بود انجام داد، در این تحقیقات ۵۱ مورد حادثه درخصوص انتشار گاز CO₂ از تجهیزات اطفاء حریق گزارش شده بود که منجر به ۷۲ مورد مرگ و ۱۴۵ مورد جراحت شده بود. با توجه به اینکه CO₂ گازی تقریباً بی بو و بی رنگ است تشخیص آن در محیط در مقادیر کمتر از ۴۰٪ مشکل بوده و همچنین تشخیص مسمومیت با آن نیز دشوار است، زیرا علائم مسمومیت با دی اکسید کربن مشابه مسمومیت با تعداد زیادی از آلاینده ها است و دارای اثر اختصاصی نیست. همانطور که گفته شد دی اکسید کربن یک خفگی آور ساده است، مکانیسم خفگی به این ترتیب است که افزایش میزان CO₂ باعث کاهش غلظت اکسیژن تا سطح خطرناک برای انسان میگردد. هرچند مطالعات بر روی حیوانات نشان میدهد ترکیب گاز CO₂ با مونواکسید کربن میتواند باعث افزایش سرعت اتصال مونواکسید کربن به هموگلوبین شده و اثر خفه کنندگی آن را تشدید نماید در ادامه اثرات حاصل از دی اکسید کربن در غلظت های مختلف آمده است:

- قرارگیری مدت طولانی در مقدار ۱٪ باعث ایجاد خواب آلودگی می گردد.
- در غلظت ۲٪ اثراتی مانند مواد مخدر بر بدن داشته و باعث بالا رفتن ضربان قلب و فشار خون می گردد و باعث می شود که میزان شنوایی کاهش یابد
- در ۵٪ باعث تحریک مرکز تنفس، سرگیجه، گیجی و سختی تنفس همراه با سردرد می گردد، حالت های اضطراب و آشفته گی می تواند در این غلظت ها ایجاد شود.
- در غلظت های حدود ۸٪ باعث سردرد، تعرق، تاری دید، رعشه و کاهش هوشیاری بعد از ۵ تا ۱۰ دقیقه در معرض قرار گیری، می گردد.
- هایپرکاپنیا (Hypercapnia) یا افزایش غلظت دی اکسید کربن در خون هایپر کاپنیا یا هایپرکاپنی از واژه یونانی hyper به معنی بالا و kapnos به معنی دود استخراج شده است و به حالتی گفته می شود که غلظت دی اکسید کربن در خون بالا است، زمانی که این اتفاق در بدن می افتد بر اثر یک واکنش طبیعی، بدن در شرایط تامین اکسیژن بیشتر قرار می گیرد، مانند جابجایی ناگهانی سر در هنگام خواب. اگر در این واکنش شکستی رخ دهد و بخوبی انجام نشود می تواند به مرگ منجر شود و کشنده باشد، مانند سندرم مرگ ناگهانی نوزادان. هایپرکاپنیا در کل به

دلیل تنفس کم (زمانی که نفس ها عمیق نیست)، ناراحتی های ریه و یا در زمانی که هوشیاری فرد کم است اتفاق می افتد، همچنین می تواند در زمانی که مقادیر دی اکسید کربن در محیط بیشتر از حد نرمال است (مانند فوران آتش فشان و پدیده های زمین گرمایی) در بعد وسیع زیست محیطی اتفاق افتد و یا می تواند به دلیل تنفس مجدد دی اکسید کربنی که از بازدم می آید ایجاد شود.

استانداردهای دی اکسید کربن در محیط های کاری:

با توجه به ریسک حاصل از تماس با دی اکسید کربن OSHA اعلام کرده است که متوسط غلظت دی اکسید کربن در ۸ ساعت کاری در روز برای افراد بزرگسال نباید از (۵۰۰ ppm) بیشتر گردد. حداکثر غلظت مجاز برای نوزادان، کودکان، افراد پیر و افرادی که دارای مشکلات تنفسی هستند به میزان قابل توجهی کمتر از این مقدار است. حداکثر مقدار مجاز در مدت کوتاه کمتر از (۳۰۰۰ ppm) ۰.۳٪ اعلام شده است. همچنین اعلام کرده است که غلظت دی اکسید کربن بیشتر از ۴٪ برای سلامتی و حیات بسیار خطرناک است. هرچند تجربیات واقعی نشان داده است که این غلظت ها برای یک مدت زمان مشخص می توانند قابل تحمل باشند.

سازگاری با افزایش غلظت CO₂ در انسان مشاهده شده است. تنفس مداوم CO₂ می تواند باعث سازگاری در غلظت ۳٪ برای مدت ۱ ماه و سازگاری با غلظت ۴٪ برای مدت یک هفته گردد. از آنجایی که سازگاری با مقادیر CO₂ فیزیولوژیکی و برگشت پذیر است پیشنهاد شده است که حداکثر غلظت مجاز دی اکسید کربن در فضای بسته ۲٪ در نظر گرفته شود، کاهش سطح کارایی و یا فعالیت های فیزیکی طبیعی در این غلظت مشاهده نشده است. باید به این نکته هم توجه داشت که در فضای کاری بسته مقدار دی اکسید کربن بسیار بیشتر از مقادیر محیط های باز خواهد بود.

نتیجه:

دی اکسید کربن مدت زیادی است که به عنوان یکی از عوامل مخاطره در محیط های کاری محسوب می شود. زیرا این گاز به میزان قابل توجهی از هوا سنگین تر است و می تواند جایگزین اکسیژن

شود. همچنین در محیط های باز و غیر بسته مانند کانال ها، گودال ها و یا دره ها نیز می تواند به سطح خطرناک برسد. واکنش طبیعی در هنگام مواجهه با گاز CO₂ در انسان وجود ندارد درحالی که انسان در مواجهه با گازهایی مانند سولفید هیدروژن از طریق حس بویایی متوجه مقادیر اندک (در حد ppm) از آن می گردد، و یا گاز آمونیاک و یا دی اکسید سولفور را از این طریق متوجه می شود، درحالی که در رابطه با گاز CO₂ به این ترتیب نیست، در واقع گاز دی اکسید کربن به میزان ۰.۰۳۷٪ در هوایی که ما تنفس می کنیم وجود دارد و این عامل زمانی که میخواهیم میزان CO₂ را در محیط اندازه گیری کنیم تداخل ایجاد می کند زیرا میزان زمینه آن زیاد است. آنچه که مهم است جایگزینی دی اکسید کربن به جای اکسیژن است که ایجاد خفگی می کند، تنفس مقادیر زیاد و قابل توجه CO₂ اسیدیته خون را تغییر داده و اثرات تنفسی، قلبی-عروقی و سیستم اعصاب مرکزی ایجاد می کند. اطلاعات حاصل از مطالعات انجام شده می تواند برای تعیین میزان (Dangerous Toxic DTL) Load مورد استفاده قرار گیرد. شاخص DTL توسط آزمایشگاه های ایمنی و بهداشت در محاسبه پتانسیل اثر CO₂ زمانی که در مقادیر زیاد در فضا منتشر شده است مورد استفاده قرار می گیرد، DTL شرایط در معرض قرار گیری را بر حسب غلظت موجود در هوا و مدت زمانی که فرد در معرض گاز دی اکسید کربن قرار داشته است تشریح می کند و نهایتاً سطح سمیت ویژه را در آن شرایط مشخص می کند.

بر گرفته از مقاله خانم عاطفه طاهر خانی



مرکز پژوهش‌های مجلس در یک گزارش تاثیر شوک خارجی بر اقتصاد ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. بر مبنای این گزارش، عمده شکنندگی‌های حاصل از شوک‌های خارجی در اقتصاد ایران در دو بخش بودجه دولت و سیستم بانکی اتفاق افتاده است. امروزه تعامل با اقتصاد بین‌الملل در کنار چهار بخش دولت، بنگاه، خانوار و سیستم بانکی، نه تنها از پنج پایه اساسی هر اقتصاد محسوب می‌شود، بلکه یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های توسعه‌ای برخی کشورها، خصوصا کشورهای جنوب شرقی آسیا در دهه‌های اخیر بوده است. به همین دلیل سیاست‌گذاران باید شوک‌های بخش خارجی به اقتصاد را جزء لاینفکی از حیطه سیاست‌گذاری‌های خود قلمداد کنند.سیاست‌گذاران برای جلوگیری از بحران در اولین اقدام باید بخش‌های مورد هدف این شوک‌ها را شناسایی و مقاوم کنند، سپس سیاست‌های مناسب برای کاهش نوسانات حاصل از این شوک‌ها (سیاست‌های ضد چرخه‌ای) را پی‌ریزی کنند.بر مبنای گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، عمدتاً سه بخش «بودجه دولت»، «پولی و بانکی» و «ارزی» اقتصاد، مورد هدف شوک‌های بخش خارجی قرار می‌گیرند و زمینه ورود بحران به اقتصاد را فراهم می‌سازند. اما این گزارش تاکید می‌کند که عمده شکنندگی‌های حاصل از شوک‌های خارجی در اقتصاد ایران در دو بخش بودجه دولت و سیستم بانکی اتفاق افتاده است.

شوک خارجی جزء لاینفک اقتصاد

امروزه تعامل با بخش خارجی چه از نوع واردات و صادرات کالا و خدمات، چه از نوع جذب سرمایه‌های خارجی و حتی سرمایه‌گذاری در اقتصادهای خارجی، جزء لاینفک هر اقتصادی است.شدت این ارتباط به حدی است که بسیاری از کشورهای پیشرفته یا حتی در حال توسعه امروز به ویژه کشورهای جنوب شرقی آسیا، پیشرفت خود را مدیون تعامل دو سوپه با اقتصاد بین‌الملل و عرضه مزیت‌های خود به کشورهای خارجی می‌دانند. نوع دیگری از تعامل با بخش خارجی، کشورهای با اقتصاد تک محصولی هستند که اغلب صادرکننده محصول خام و واردکننده کالاهای واسطه‌ای و مصرفی هستند.

دو مسیر نفوذ شوک خارجی به اقتصاد ایران

با این اوصاف همان‌قدر که سیاست‌های دولت می‌تواند قطار اقتصاد این کشورها را به مسیرهای پر پیچ و خم رهنمون کند، بخش خارجی نیز (حتی با شدت بیشتری) می‌تواند علت شوک‌های بزرگ در اقتصاد باشد. اگر چه همه کشورها در معرض شوک‌های خارجی هستند، اما عاملی که کشورها را در این زمینه از یکدیگر تفکیک می‌کند، میزان آسیب‌پذیری اقتصاد آنان از این شوک‌ها است. آسیب‌پذیری که شدت آن تابع زیرساخت‌ها، به‌عنوان عامل پیشگیری و سیاست‌های درست به‌عنوان درمان است. اقتصاد ایران، به یمن منابع غنی نفت و در پی آن صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی و همچنین واردات کالاهای واسطه‌ای و مصرفی، از دیرباز در معرض شوک‌های بیرونی بوده است. شوک‌هایی که گاهی بحران‌های مخرب را وارد صحنه اقتصاد و حتی سیاست کشور کرده است. میزان نوسانات حاصل از شوک‌های خارجی تابع سه عامل اندازه و تعداد شوک، میزان مقاوم بودن محل اصابت شوک و میزان کارآیی سیاست‌های پاسخی اعمال شده، است. بنابراین برای کاهش اثر شوک‌های خارجی و جلوگیری از بحران در مرحله اول باید میزان شکنندگی بخش‌های مختلف اقتصاد بر اثر شوک‌های بیرونی را کاهش داد و در مرحله دوم لازم است فضای سیاست‌گذاری را برای پاسخ موثر به این شوک‌ها بهبود بخشید.

پیشگیری؛ استحکام سه مسیر نفوذ بحران

بر مبنای گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، عمدتاً سه بخش «بودجه دولت»، «پولی و بانکی» و «ارزی» اقتصاد، مورد هدف شوک‌های بخش خارجی قرار می‌گیرند و با ورود شوک به این سه بخش زمینه ورود اقتصاد به ورطه بحران فراهم می‌شود. شوک‌های خارجی عمدتاً زمانی از مسیر بودجه دولت وارد اقتصاد می‌شوند که بخش زیادی از درآمد دولت متکی به یک عامل (مثلاً فروش نفت) باشد. در این حالت تغییرات درآمد نفت، درآمدهای دولت را تحت‌الشعاع نوسانات خود قرار می‌دهد و اقتصاد را بر موج‌های پیاپی حاصل از نوسانات قیمتی و مقداری فروش نفت سوار می‌کند.نکته قابل توجه این است که کسری بودجه حاصله در این حالت منجر به دامن زدن



بانک مرکزی به چاپ پول و در پی آن بروز تورم می‌شود. بنابراین شوک‌هایی که بخش بودجه دولت را مورد هدف قرار می‌دهند معمولاً هم بحران مالی و هم بحران تورمی را در پی خواهند داشت. بحران مالی از طریق افزایش نرخ بهره حقیقی و بحران تورمی از طریق اختلال در قیمت‌های نسبی و ایجاد فضای نامطمئن برای سرمایه‌گذاری، بخش حقیقی اقتصاد خصوصا تولید داخلی را مختل می‌کند. شوک‌های خارجی اغلب زمانی مسیر بخش پولی و بانکی را برای نفوذ به اقتصاد انتخاب می‌کنند که ارزش دارایی‌های موسسات مالی به حد قابل توجهی تابع نرخ‌های بهره بین‌المللی یا رابطه مبادله (تجارت خارجی) باشد. در این حالت با تغییر نرخ بهره یا نوسانات تراز تجاری، ارزش دارایی‌های سیستم بانکی تحت تاثیر نوسانات شدید قرار می‌گیرند و اعتبارات سیستم بانکی برای متقاضیان کاهش می‌یابند. در پی این بحران، سرمایه‌گذاری کاهش و تولید داخلی نیز کاهش می‌یابد. در حالت سوم، یعنی زمانی که نرخ ارز نه در بازار آزاد و از طریق مکانیزم عرضه و تقاضای بازار، بلکه میخکوب شده تعیین شود، شوک‌های خارجی بهترین مسیر را برای ورود به اقتصاد یافته‌اند.در این حالت معمولاً واردات کالاهای اساسی تابعی از ذخایر ارزی است و هر عاملی مانند تحریم یا کاهش قیمت نفت که ذخایر ارزی کشور را تحت تاثیر قرار دهد، ارزش پول ملی و در پی آن بخش حقیقی اقتصاد را مختل می‌کند. برای کاهش آسیب‌پذیری در مقابل شوک‌های بیرونی، ابتدا باید اصلاح نهادها و نظام‌های هر سه حوزه بودجه‌ای، پولی و بانکی و ارزی صورت گیرد. سپس باید اقدامات مدیریتی منعطف‌کننده سیستم قبل از شوک‌ها، مانند ایجاد انعطاف مالی برای دولت و رسیدن به سیستم مالی مستحکم و مطمئن عملی شوند.

درمان؛ سیاست‌گذاری ضد چرخه‌ای

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دومین اقدام برای کاهش اثرات مخرب شوک‌های خارجی، سیاست‌گذاری غیرمنفعلی(ضد چرخه‌ای) است، سیاستی که اغلب کشورها در شرایط بحرانی قادر به اعمال آن نیستند. حالت مطلوب یا غیرچرخه‌ای سیاست‌گذاری، زمانی است که سیاست و ساختار مالی به گونه‌ای طراحی شود که در تابستان رونق برای زمستان رکود آذوقه جمع شود تا نه در رونق زیاده از حد خرج شود و اقتصاد را بیش از حد داغ کند

که تورم ناشی از تقاضا درست شود و نه در رکود، به جای گرم کردن تنور اقتصاد، بر سردی آن بیفزاید.این سیاست‌های غیر چرخه‌ای در هر سه حیطه سیاست‌های مالی، پولی و ارزی باید مورد توجه قرار گیرند. در حیطه سیاست‌های مالی، سیاست چرخه‌ای (غیر مطلوب) زمانی اتفاق می‌افتد که هنگام رکود اقتصادی دولت کمتر خرج کند(سیاست مالی انقباضی) و در نتیجه تقاضای کل کاهش یابد و زمینه برای رکود بیشتر فراهم شود.در حیطه سیاست‌های پولی سیاست چرخه‌ای(غیر مطلوب) زمانی اتفاق می‌افتد که به دلیل تاریخچه‌های تورم‌های بالا، سیاست‌گذار با مشکل کمبود اعتبار مواجه شود و قادر به اعمال سیاست پولی انبساطی در شرایط رکودی نباشد. در حیطه سیاست‌های ارزی، سیاست چرخه‌ای(غیر مطلوب) زمانی اتفاق می‌افتد که عدم تمایل به انعطاف نرخ ارز(سیستم میخکوب ارزی) باعث می‌شود که عملاً استفاده از سیاست ارزی به‌عنوان ابزار ثبات‌سازی منفعل شود یا مقاومت سیاست‌گذاران در جهت افزایش نرخ ارز نیز ممکن است از دیگر عوامل سیاست‌های غیر مطلوب ارزی قلمداد شود. دلیل سیاست‌گذاران این است که افزایش نرخ ارز، انگیزه خارجی‌ها را به خرید محصولات صادراتی ما یا سرمایه‌گذاری در کشور ما کاهش می‌دهد.

مسیرهای لغزشی اقتصاد ایران

بر مبنای گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس عمده شکنندگی‌های حاصل از شوک‌های خارجی در اقتصاد ایران در دوبخش بودجه دولت و سیستم بانکی اتفاق افتاده است. این در حالی است که نظام ارزی نیز از وضعیت مساعدی برخوردار نبوده است. در بخش بودجه، نبود رابطه پویا بین درآمدهای نفتی و بودجه دولت، وابستگی بودجه به نوسانات قیمت نفت و مقدار صادرات نفت و میعانات نفتی عمده نقاط آسیب‌پذیری است.مهم‌ترین شاخصی که گواه وضعیت نامناسب در این حوزه است، کسری بودجه بدون نفت است. کسری بودجه بدون نفت عملاً نیمی از بودجه عمومی است. در بخش بانکی نیز شاخص‌های کفایت سرمایه و حساسیت دارایی‌های بانکی به وضعیت اقتصادی و سایر متغیرها، عمده مشکلات است. مهم‌ترین شاخص گواه وضعیت نامناسب در این زمینه شاخص‌های کفایت سرمایه در شبکه مالی و اعتباری کشور است.

بهشت صادرات کالا منتظر ایران است

پیش روی تجار ایرانی است. مذاکرات و رفت و آمدهای مختلفی نیز میان مقامات دولتی و خصوصی ایران و روسیه طی یک سال اخیر انجام شده است. فاینشیل تایمز در جدیدترین گزارش خود نوشته است: «پیشنهادهای تجاری در حالی مطرح می‌شوند که نشانه‌هایی از وخامت روابط ایران با آمریکا تحت ریاست جمهوری دونالد ترامپ دیده می‌شود. رئیس جمهوری آمریکا هفته گذشته در سفر به عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، ایران را متهم کرد به آتش اختلافات فرقه ای و ترور در منطقه دامن می‌زند. روسیه و ایران از زمانی که تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۴ علیه مسکو وضع شدند، به دنبال عمیق کردن روابطشان بوده‌اند. دستیابی به توافق تجارت آزاد، پیروزی قابل توجهی برای بلوک نوپای اتحادیه اقتصادی اوراسیا خواهد بود و نشان دهنده تحکیم روابط میان ایران و جمهوری‌های شوروی سابق است.» با بدعهدی طرف‌های غربی، اهمیت گسترش روابط با شرق خود را نشان می‌دهد. غلامحسین شافعی، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران جاده ابریشم و اتحادیه اقتصادی اوراسیا را محور برنامه‌های اتاق ایران عنوان کرده و فروردین ماه امسال پس از بازگشت از مسکو گفته بود:

«پیگیر هستیم که با کشورهای اوراسیا به تعرفه ترجیحی برسیم. پیوستن ما به تجارت آزاد پنج کشور اوراسیا در توسعه مناسبات اقتصادی ما با کشورهای منطقه جهش محسوب می‌شود.»

تعامل با کشورهای منطقه و اتحادیه‌های منطقه‌ای، حالا بیشتر از همیشه اهمیت خود را نشان داده است. رئیس جمهوری

در آمریکا روی کار آمده که در تمام سخنرانی‌ها و مواضعش به قدرت اقتصادی آسیا، یعنی چین، فشار آورده و تهدید کرده است. از طرف دیگر، ایران را نیز کشوری بسیار منفی جلوه می‌دهد و تلاش آشکاری برای تحکیم اتحاد خود با عربستان و اسرائیل برای تضعیف اقتصادی و سیاسی ایران کرده است. در این شرایط، دو پروژه بهره‌گیری از جاده ابریشم و عضویت در اوراسیا، بیش از گذشته برای فعالان اقتصادی ایرانی اهمیت پیدا کرده است. البته به جز اهمیت از منظر اقتصاد سیاسی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا به تعبیر نایب رئیس اتاق ایران بهشتی برای صادرات به حساب می‌آید که می‌تواند رشد اقتصادی و تجاری ایران را سرعت ببخشد.

«ایران بزودی عضو اتحادیه اوراسیا می‌شود و از این موقعیت تجاری می‌توان به خوبی استفاده کرد چراکه این منطقه بهشت صادرات کالا است.» پدram سلطانی، نایب رئیس اتاق ایران یک ماه پیش چنین از اهمیت حضور ایران در اوراسیا صحبت کرده بود. پیش از آن نیز در پارلمان بخش خصوصی نشست‌های مختلفی برای بررسی بازار اوراسیا و ملاقات‌هایی با مقامات کشورهای مختلف برگزار شده بود. حالا نیز خبرگزاری فاینشیل تایمز از پیوستن ایران به اتحادیه اوراسیا خبر داده و نوشته است: «اتحادیه اقتصادی اوراسیا که در رأس آن مسکو قرار دارد، به منظور عمیق کردن روابط با تهران، نهایی شدن توافق تجارت آزاد با ایران تا پایان سال میلادی جاری را هدف گرفته است. نخست وزیران اتحادیه اقتصادی اوراسیا با مشاهده فرصت برای توسعه به وراى بازار این بلوک، در مارس مصمم شدند مذاکرات با تهران را یک اولویت قرار دهند.» چرا اتحادیه اقتصادی اوراسیا مهم است؟

روسیه، قزاقستان، بلاروس، قرقیزستان و ارمنستان در سال ۲۰۰۰ اتحادیه اقتصادی اوراسیا را تشکیل دادند اما تا پیش از سال ۲۰۱۴، به سازه و کار صحیحی نرسیدند. پس از ایجاد اتحادیه گمرکی، این اتحادیه اقتصادی جان تازه‌ای گرفت. قانون گمرکی اتحادیه از اول جولای ۲۰۱۰ برای جمهوری قزاقستان و روسیه و در ششم جولای ۲۰۱۰ برای بلاروس لازم الاجرا شد. تا اینکه مرحله بعدی یکپارچگی، با ایجاد فضای واحد اقتصادی (SES) در اول ژانویه ۲۰۱۲ آغاز شد. بالاترین نهاد ناظر بر اجرای مقررات

اتحادیه گمرکی و فضای واحد اقتصادی، کمیسیون اقتصادی اوراسیا است که فعالیت خود را از دوم فوریه ۲۰۱۲ شروع کرده است. گفته می‌شود در ۲۹ مه ۲۰۱۴ سران کشورهای عضو اتحادیه گمرکی و فضای واحد اقتصادی، پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EEU) را به امضا رساندند که از اول ژانویه ۲۰۱۵ به مرحله اجرا درآمده است. اسفندیار امیدبخش، یکی از مدیران معاونت بین‌الملل اتاق ایران در این باره می‌گوید: «فضای واحد اقتصادی، مرحله عمیق‌تر یکپارچگی اقتصادی است که علاوه بر اتحادیه گمرکی، متضمن هماهنگی سیاست‌های اقتصادی جابه‌جایی آزادانه خدمات، سرمایه و نیروی کار است.»

اتحادیه اقتصادی اوراسیا، هفت هدف عمده را دنبال می‌کند. تسهیل تجارت، ایجاد بازار مشترک در حوزه کشورهای مستقل هم سود عضو، حذف تدریجی قوانین گمرکی در داخل اتحادیه، برقراری تعرفه خارجی مشترک در میان کشورهای عضو، هماهنگ سازی تشریفات گمرکی، جابه‌جایی آزاد کالا، سرمایه، نیروی کار و خدمات در مرزهای اوراسیا، برقراری سیاست مشترک در زمینه انرژی، صنعت، کشاورزی و وسایل نقلیه، اهداف این اتحادیه را تشکیل می‌دهند.

در حال حاضر، جمهوری اسلامی ایران با هر ۵ کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارای موافقتنامه سرمایه گذاری دوجانبه (BIT) است و راه چندانى تا امضای موافقتنامه سرمایه گذاری در اوراسیا باقی نمانده است. عضویت در اتحادیه اوراسیا چه نفعی برای ایران دارد؟

تنها روسیه، بزرگ‌ترین کشور اتحادیه اوراسیا بازاری ۱۴۰ میلیون نفری

